

سفر به گیلان

۱۰۰ فرصت
سرمایه‌گذاری فوق العاده
در گیلان وجود دارد

توانمندی شما سقف ندارد

گیلان برترین
«هاب» شمال کشور

خانم گل
برای تمام فصول

افتتاح پیاده راه شهرداری رشت

در نوروز ۱۳۹۵





سالی نوبال بخندی زیباتر

ما به شما کمک می کنیم ...

ما به عنوان فرزندان گیلان زمین به وطن خود عشق می ورزیم.

و باور داریم که رسیدن به پیشرفت و توسعه، تلاش پایان ناپذیر می خواهد

در کلینیک تخصصی دندانپزشکی دانا به عنوان اولین کلینیک دیجیتال کشور، سعی کردیم تا محیطی آرام و شاداب در کنار تجهیزات مدرن فراهم کنیم و مضمون هستیم تا با بهره گیری از علم و مهارت دندانپزشکان متخصص، استانداردهای جهانی را پیاده کنیم. اعتقاد ما به کار با کیفیت از باورهای ما به کمال گرایی برای گیلان عزیز منشا می گیرد و هدف ما توسعه و بهبود مستمر خدمات دندانپزشکی تخصصی و ارائه خدمات در سطح بین المللی است.

خدمات تخصصی دندانپزشکی در کلینیک دانا



ایمپلنت
ارتودنسی
طراحی لبخند
ترمیمی و زیبایی
لیزر، CAD/CAM
دندانپزشکی کودکان
پروتز دندانی و بلیچینگ
جراحی لثه و درمان ریشه



دکتر دانش تیموری

متخصص پروتز و ایمپلنت

دکتر سارا ضیایی

متخصص ارتودنسی

- فلوشیپ ایمپلنت از سوئیس
- دارای گواهی دوره تخصصی لیزر در دندانپزشکی از انگلستان
- دارای گواهی دوره تخصصی Digital Dentistry و CAD/CAM از دانمارک
- عضو بنیاد ملی نخبگان
- اولین دانشجوی نمونه کشوری استان گیلان
- تدریس در دانشگاه های علوم پزشکی افغانستان، زاهدان، آزاد خورسگان و گیلان
- عضو هیات موسس کانون های فرهنگی هنری دانشجویان کشور
- عضو تیم المپیاد تیر اندازی
- مدیر مسئول نشریات دانشجویی
- رتبه اول پایان نامه تخصصی کشور
- سخنرانی در کنگره های علمی ملی و بین المللی
- ۱۲ سال سابقه فعالیت در مطب خصوصی
- عضو هیات رئیسه پتل های تخصصی ایمپلنت در کنگره های مختلف
- مسئول کمیته روابط عمومی ITI سوئیس در ایران
(International Team For Implantology)

- عضو بنیاد ملی نخبگان
- فارغ التحصیل رتبه اول سمپاد (سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان)
- دانشجوی نمونه کشوری و تقدیر توسط رئیس جمهور
- رتبه اول دوره دکتری عمومی دندانپزشکی
- رتبه برتر آزمون دستیاری تخصصی کشوری
- استاد برگزیده دانشکده دندانپزشکی
- عضو شورای پژوهشی دانشکده دندانپزشکی و دانشگاه
- مسئول کمیته استعدادهای درخشان دانشکده دندانپزشکی
- عضو کمیته کنترل عفونت دانشکده دندانپزشکی
- عضو ستاد هم اندیشی اساتید و نخبگان دانشگاه علوم پزشکی
- عضو گروه علمی شرکت مهر آراین، نمایندگی انسترومن سوئیس
- ارائه اثر در نمایشگاه نقاشی مینیاتور
- سخنرانی در کنگره های علمی کشوری و بین المللی
- دارای گواهی دوره تخصصی Digital Dentistry در ارتودنسی از دانمارک
- دارای گواهی دوره تخصصی ایمپلنت های دندانی از دانشگاه برن سوئیس
- دبیر علمی دومین همایش دانشجویان دندانپزشکی ایران

افتتاح هایپر مارکت دیلمان



اردیبهشت ۹۵



تولید کننده محصولات آی گل



صنایع شهاب شیمی پارس در سال ۱۳۸۸ در فومن شهرک صنعتی سردار جنگل، با رعایت کلیه شاخص های استاندارد طراحی و بنا شده است.

لذا مدیران شرکت برای به روز کردن سیستم شرکت آیتم های ذیل را به دقت مورد توجه قرار داده اند.

در نیمه دوم سال ۹۰ به عنوان واحد برتر در اداره کل استاندارد گیلان انتخاب شد.

در نیمه دوم سال ۹۱ به عنوان واحد کیفی در اداره کل استاندارد گیلان انتخاب شد.

در دو سال متوالی ۹۰ و ۹۱ به عنوان تعاونی برتر انتخاب شد.

در سال ۹۱ با توجه به نیاز بازار یک خط جدید مایع اسیدی (جرم گیر) را راه اندازی کند.

در بخش فروش با ایجاد مهندسی فروش به عنوان یک شرکت مسئولیت پذیر ضمن ارائه خدمات ارائه شده قبلی، توسعه هدفمند آن را در برنامه آینده قرار دهد.

اخذ مجوز آزمایشگاه تخصصی شیمی و میکروبی از اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی استان گیلان

در سال ۹۱ این واحد تولیدی به دلیل دارا بودن کیفیت محصولات خود موفق به حضور در فروشگاه های زنجیره ای

اتکا و اخذ نمایندگی های استان خراسان جنوبی، استان کردستان، استان فارس، استان لرستان و استان های البرز و

آذربایجان شرقی و غربی شد.

در بخش کیفیت تولیدات توانست در سال ۱۳۹۰ نشان کیفیت مدیریت Iso2008-9007 را از شرکت توف نورد آلمان دریافت نماید.

برای ورود به جامعه نوین جهت افزایش توانمندی علمی نیروی انسانی خود، از آموزش های لازم که توسط سازمان های مرتبط

گذاشته می شود استقبال می نماید.



کارخانه: گیلان - فومن
شهرک صنعتی سردار جنگل
تلفن: ۰۱۲۲-۲۴۵۲۲۰۰۰ فکس: ۰۱۲۲-۲۴۵۲۲۲۲





علی مهر پور دارستانی مدیر عامل شرکت بالار نصب رشت

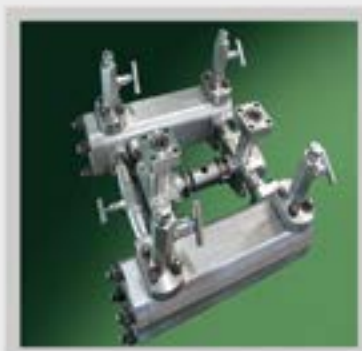
موسس و سهامدار و مدیر عامل شرکت بالارنصب رشت از سال ۱۳۷۶ تا کنون و سهامدار و نائب رئیس هیئت مدیره شرکت ماشین سازی و فیلتر سازی اندیشه شمال از سال ۱۳۸۲ تا کنون

■ افتخارات شرکت بالارنصب

- برنده جام بلورین جایزه ملی پروژه برتر ایران سال ۲۰۱۱
- برگزیده جایزه تعالی مهندسی ایران اسفند ۹۱
- مدیر برگزیده کار آفرین و توانمند اردیبهشت ۹۲
- مدیر برگزیده دومین اجلاس جهانی نشان منتخب خرداد ۹۲
- برگزیده کنفرانس کنترل کیفیت پروژه های ساختمانی و عمرانی تیر ماه ۹۲
- برگزیده کنگره ملی یکصد مدیر برتر ایران مرداد ۹۲
- برگزیده یکصد مدیر برتر صنعت و تجارت ایران آذر ۹۲
- برگزیده کنگره سراسری بزرگان کیفیت ایران مرکز همایشهای صدا و سیما دی ماه ۹۳
- موسس آموزش های جوشکاری و لوله کشی صنعتی، زبان و کامپیوتر در استان گیلان

■ افتخارات شرکت اندیشه شمال

- برگزیده برترین طرح جشنواره و نمایشگاه ملی علم تا عمل با موضوع طراحی و ساخت واحد پیش فیلتر سیستم Dray Gas seal (کمپرسورهای انتقال گاز) اسفند ۹۳
- واحد فناور برتر در سیزدهمین جشنواره تجلیل از پژوهشگران و فناوران برتر سال ۱۳۹۱



رشت ، بلوار امام خمینی ، خیابان پاستور پلاک ۵۶

www. BALARNASB. IR

کد پستی ۴۱۸۸۷-۹۷۱۵۸

E-mail : mbalarnasb@gmail.com

تلفن : ۳۳۳۲۲۹۳۹ - ۳۳۳۲۲۸۳۶ - ۰۱۳

فکس : ۳۳۳۴۳۱۰۹ - ۰۱۳



سینا یار خدمتی نوین



ضمن تبریک به مناسبت فرا رسیدن سال نو و آرزوی سلامتی و موفقیت برای هم استانی ای عزیز به اطلاع می رسانم:

شرکت بیمه سینا به عنوان یکی از اولین شرکت های خصوصی از آبان ماه ۱۳۸۲ به طور رسمی فعالیت خود را شروع کرده و از زیر مجموعه های بنیاد مستضعفان است. در حال حاضر سرپرستی بیمه سینا افتخار همکاری با سازمان ها و شرکت های بزرگ از جمله قرارداد بیمه آتش سوزی و حوادث مددجویان کمیته امداد امام خمینی(ره) استان گیلان را داشته و با پرداخت خسارت های آتش سوزی و بلایای طبیعی توانسته تا حد امکان و بضاعت خویش مرهمی بر دردهای زمان وقوع خسارت بیمه شدگان محترم در خانواده بزرگ کمیته امداد امام(ره) استان باشد.

لازم به ذکر است هم اکنون حدود ۱۳۰ هزار خانواده کمیته امداد استان تحت پوشش بیمه حوادث و آتش سوزی سینا هستند به گونه ای که در خسارات پرداختی به مددجویان، بیمه سینا استان گیلان توانسته جزء سه استان برتر کشور شود.

با توجه به عقد قرارداد درمان تکمیلی با اداره کل تامین اجتماعی استان گیلان از مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱ و سازمان هواشناسی استان گیلان، این شرکت افتخار دارد با ارائه خدمات بهینه حتی در روزهای تعطیل ایام نوروز در خدمت رسانی به مردم شریف استان فعال باشد.

تورج آقا جعفری

سرپرستی بیمه سینا استان گیلان

عکس: گیلان فردا

گفتنی است خانواده های عزیز گیلانی می توانند با پرداخت حق بیمه ای اندک (۱۹۵۰۰۰ ریال سالانه) ساختمان مسکونی، ائانه، لوازم منزل و یا وسیله نقلیه خود را در برابر هزینه های ناشی از وقوع حوادث غیر قابل پیش بینی و بلایای طبیعی به مدت یک سال در طرح ویژه بیمه سینا به نام «طرح سینا یار» بیمه کنند، ضمناً در طرح ویژه بیمه عمر و سرمایه گذاری «عمر یارمند» نیز سرپرستی بیمه سینا در گیلان، توفیقات خوبی در قراردادهای گروهی با سازمان ها و افراد حقیقی داشته است.

Golmar
SOAPS
100% Vegetal Base

عرضه در کلیه داروخانه ها و فروشگاه های معتبر بهداشتی استان گیلان

jabr
صابون گلمر
% ۱۰۰
از روغنهای گیاهی
با پوست خود مهربان باشید
Be Kind to Your Skin

GMP
www.golmarsoaps.com

صابون های اسکراب و اسکراب گلگیریته X کلمر

- لایه بردار موثر تمام با ترمیم کنندگی با ماده گیاهی جوجوبا.
- برطرف کننده پینه های پوستی، روشن کننده و شاداب کننده.

صابون های بچه گلمر (گلگیریته و معمولی)

- بدون رنگ، دارای اسانس ملایم.
- سازگار با پوست نوزاد.

صابون های بچه حاوی ویتامین E و کاندولا کلمر

- جهت نرمی و لطافت پوست نوزاد.
- تقویت کننده و شفاف کننده پوست.
- دارای اسانس ملایم.

صابون نو-آکنه کلمر (NO-ACNE)

- موثر در درمان آکنه و لک های پسوریازیس (جوش جوانی).
- مناسب برای درمان عفونت های قارچی کشاله ران و لای انگشتان.

صابون اکالیپتوس گلمر

- آنتی سپتیک، آنتی باکتریال و ضد التهاب.

صابون های گلگیریته کلمر

- مرطوب کننده و نرم کننده پوست.
- در ۲ رایحه نارنگی و لیمو.

صابون های بدون اسانس گلمر (گلگیریته و معمولی)

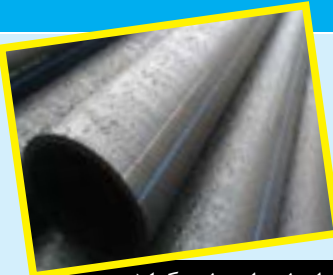
- بدون رنگ و اسانس، برای پوست های حساس به اسانس.
- پاک (حلال) مناسب حجاج.

تولید کننده لوله و اتصالات پلی اتیلن

شرکت فرآوری و ساخت لوله ماد

آبرسانی، فاضلاب، گاز، برق

دارنده ایزوی سه گانه و رضایتمندی مشتریان و استاندارد ملی ایران و همچنین دارای مجوز تولید لوله های آبیاری قطره ای و تحت فشار از صنایع آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی کشور



دارای آزمایشگاه مجهز و عضو انجمن کارفرمایان تولیدکنندگان لوله و اتصالات پلی اتیلن استان گیلان



آدرس: رشت، شهر صنعتی، بلوار صنعت (۲)
خیابان هفتم، رو به روی آرد خوشه گیلان
تلفن اداره بازرگانی و فروش:

۰۱۳-۳۳۸۸۳۳۱۶

مدیرعامل: مهندس امیر محمودی

۰۹۱۱۱۳۱۰۸۸۵

مدیر بازرگانی و فروش: مهندس سهراب مهدی نژاد

۰۹۱۱۱۳۶۷۲۴۸

تولید کننده لوله از سایز ۲۰ الی ۵۰۰
دارای نمایندگی فروش در سطح کشور

این شرکت با داشتن کادری مجرب با
ادارات آب و فاضلاب شهری و روستایی، سازمان
جهاد کشاورزی، آب منطقه ای
و پیمانکاران طرف قرارداد است

چاپ و نشر شاهد



فکس: ۳۳۸۴۸۹۰۲



تلفن: ۳۳۸۲۲۲۰۴ - ۳۳۸۵۰۸۵۲

رشت، ضلع شمالی پل جانبازان، ابتدای کمربندی خرمشهر، کوچه صمدی، ساختمان شاهد

افتتاح پیاده راه فرهنگی شهر رشت در آستانه نوروز ۱۳۹۵

استفاده از مشارکت شهروندان و اجماع مردم و مسوولین است.

شهردار رشت اعتماد سازی در مقیاس محلی، برند سازی در حوزه ملی و بین المللی و تولید ثروت را سه رویکرد اصلی و مهم مدیریت شهری برشمرده و اضافه می کند: شهرداری رشت با پایه گذاری نگاه انقلابی و ایده تحول خواهی، جهت رسیدن به اهداف عالی به دون پذیرفتن حرف های حاشیه در تحقق سه رویکرد فوق گام برمی دارد. : روحیه انقلابی و جهادی به ما می گوید اگر در یک مقوله از هر نظر عقب هستید نباید با سرعت ساختار حرکت کنید، یعنی اگر در زمینه ای با کشور توسعه یافته ۵۰ سال فاصله دارید و بخواهید با سرعت ساختار حرکت کنید این فاصله همچنان حفظ می شود، در چنین شرایطی الزام دارد که به سمت رویکرد انقلابی و جاری برویم



گیلان فردا- کمتر عصبانی می شود و بیشتر با طمانینه خاصی به حرف ها و نظرات طرف مقابل گوش می دهد، حتی اگر این نظرات انتقادی باشند. دکتر محمد علی ثابت قدم، شهردار رشت که با ثابت قدمی هر چه تمام پروژه پیاده راه فرهنگی رشت را کلید زده است می گوید تا در کنار اعضای محترم شورای اسلامی و سایر همکاران مرتبط، تغییر مثبتی در سیمای شهر رشت ایجاد کند. با اینکه چند ماه از شروع عملیات اجرایی پیاده راه سازی شهر رشت می گذرد، ولی موضوع پیاده راه همچنان یکی از سوژه های مهم در گفت و گوها است. طی این مدت شهرداری رشت با اطلاع رسانی جامع سعی کرد تا عموم مردم و مسوولین از روند اجرای این پروژه بزرگ آگاه باشند و این وعده را داد که شرایط از آنچه هست بهتر خواهد شد، اما برای اینکه ببینیم چقدر و چطور بهتر خواهد شد باید کمی بیشتر صبر کنیم.

توسعه انسان محور و مبتنی بر حفظ منابع طبیعی

وی با بیان اینکه رویکرد شهرداری رشت، القای حس هویت بر پایه توسعه انسان محور و مبتنی بر حفظ منابع طبیعی است از باز کاشت ۴۸۵ اصله درخت مثمر در محدوده شهر رشت خبر داده و با اشاره بر اینکه علاوه بر موارد فوق، شهرداری رشت پیش از این اقدام به باز نشانی ۸۸۵ اصله درخت توسط منطقه دو و همچنین استمرار سیاست کاشت درخت توسط شهرداری های مناطق پنج گانه کرده است، می گوید: در آینده نزدیک بلوارهای سطح شهر رشت از آبیاری مکانیزه برخوردار خواهند شد. وی تاکید می کند که مناطق سبز اطراف شهر به خصوص جنگل ها ثروت اصلی هر کشور و شهر هستند و باید مسوولان شهری و دولتی برنامه ریزی شایسته ای در راستای حفظ جنگل و منابع طبیعی داشته باشند.

نقش مهم زنان در مشارکت جامعه محلی

اما شهردار به نقش تاثیر گذار زنان در بهبود وضعیت شهری نیز به خوبی واقف است و در این زمینه با تاکید می گوید: نقش زنان در مشارکت جامعه محلی بسیار مهم است و یکی از موضوعات، مشارکت جامعه محلی در حوزه ی بانوان است و شهرداری به شدت در این حوزه، چه در مقوله اشتغال و چه در مورد فعالیت های اجتماعی فعال بوده و در قالب انجمن های فرهنگی، اجتماعی و غیره با نگاه توسعه از پایین به بالا در محلات کار

با امید به اینکه بازآفرینی شهری و افتتاح پیاده راه فرهنگی شهر رشت در آستانه نوروز ۱۳۹۵ بر تمام شهروندان مبارک باشد و بتواند به عنوان یک هدیه شهروندی به کارکردهای هدف گذاری شده از سوی برنامه ریزان و مجریان دست یابد، انتظار داریم حال که شهر به یک کارگاه بزرگ عمرانی تبدیل شده، طرح های عمرانی و شهری با نگاهی جامع به تمامی عناصر تاثیر گذار، به بهترین صورت از سوی مسوولان پیگیری و انجام شود تا دسترسی شهروندان و گردشگران به امکانات شهری و حمل و نقل راحت تر بوده و ضمن حفظ هویت فرهنگی و تاریخی شهر، موجب تحرک اقتصادی و اشتغالزایی شده و در راستای رسیدن به توسعه پایدار نقش آفرین باشد.

دکتر ثابت قدم ضمن تبریک فرا رسیدن سال نو به همه شهروندان عزیز و شریف رشت که طی این مدت به دلیل اجرای پروژه پیاده راه دچار زحمت شدند، می گوید: همان طور که در دعای تحویل سال می خوانیم «مقلب القلوب» یعنی خواستار تغییر از حالت بد به حالت خوب و متعالی هستیم، بنابراین لازم است با تصحیح ساختارهای غلط و کنار گذاری عناصر نادرست در استراتژی مدیریت کلان شهری هم توجه ویژه ای داشته باشیم. در ادامه سخنان دکتر ثابت قدم به نظر تان می رسد:

تحول خواهی با استفاده از مشارکت شهروندان

دکتر ثابت قدم می گوید: نگاه مدیریت شهری شهر رشت مبتنی بر تحول خواهی با





را دنبال می کند.



هویت بخشی به تاریخ و میراث شهر

شهردار رشت همچنین به اهمیت مراکز محلات و مشکلات آن‌ها و لزوم متناسب ساختن ظرفیت‌های زیرساخت‌ها با پروژه‌های مرتبط با حوزه‌ی بازآفرینی اشاره دارد و دغدغه‌ی شهرداری و شورای شهر رشت را مقوله‌ی هویت بخشی به تاریخ و میراث شهر ارزیابی می کند.

وی با اشاره به شکاف بین نسلی، بهترین راه حل برای کاهش این شکاف و انتقال هویت را ایجاد فضاهایی عنوان می کند که قادر باشند این شکاف را به حداقل برسانند.



رشد اقتصادی از طریق بازآفرینی هویتی

دکتر ثابت قدم با اعتقاد بر اینکه در طرح‌های بازآفرینی رشد اقتصادی از طریق بازآفرینی هویتی دنبال می شوند، به رشد اقتصادی و تعالی فرهنگی و همچنین رشد اجتماعی اشاره کرده و می افزاید: اساس بازآفرینی توجه به میراث فرهنگی و هویت بخشی به شهر است. تا ضمن انتقال این هویت و فرهنگ به نسل‌های جدید، گردشگرانی هم که به این شهر می آیند بتوانند با آنچه در تاریخ شهر روی داده آشنا شوند.



بازآفرینی شهر رشت و از بین بردن شکاف بین شهرها

شهردار پروژه بازآفرینی شهر رشت را به عنوان طرحی کارشناسی شده برمی شمرد و آن را راهکاری برای از بین بردن شکاف بین شهر رشت با شهرهای بزرگی ارزیابی میکند و می گوید: پروژه‌هایی که شهرداری رشت در حال پیگیری آن‌ها است انسان محور بوده و نقطه‌ی اتکای آن‌ها نظام کالبدی شهری و احیای بناهای شهر است. و امیدواریم این پروژه مهم با همکاری مردم و مسئولان ارشد و مدیران مرتبط در بهبود چهره شهر رشت مفید بوده و موجبات توسعه فرهنگی و اقتصادی را فراهم کند.



بازآفرینی شهری و نوآوری و خلاقیت

دکتر ثابت قدم با اشاره به بافت مترکام جمعیتی و جغرافیایی استان گیلان و شهر رشت، بیان می کند: شهر رشت به عنوان یک منطقه استراتژیک ارتباطی، روزی به عنوان دروازه رفت و آمد تجار ایران و اروپا مطرح بود و این شهر دارای یک فرهنگ برون گرای مبتنی بر مهمان پذیری است که با رعایت شاخص‌های محیطی باعث جذب مخاطب می شود.

شهردار رشت با تاکید بر ظرفیت‌های مثبت شهر رشت که ناشی از هم افزایی پتانسیل

های منابع طبیعی و شرایط اقلیمی این شهر است، می گوید: در این مسیر ضمن ایجاد تغییرات به لحاظ کاربری و اجتماعی در حوزه‌های مختلف زیستگاهی و... توسعه مجدد کالبدی، رفاه اجتماعی، رونق اقتصادی، بازآفرینی شهری و نوآوری و خلاقیت مدنظر شهرداری رشت است.



احقاق حقوق شهروندی، ارتقا سرمایه اجتماعی

وی اضافه می کند: چهار محور کلیدی به عنوان اهداف کلان در فرآیند تدوین برنامه بازآفرینی شهری در شهر خلاق رشت مدنظر است، که از آن جمله می توان به کاهش فقر شهری، ارتقاء تاب آوری شهری، ارتقاء هویت منزلت مکانی و تحقق حکمروایی شهری اشاره کرده و همچنین در خصوص راهبردهای چهارچوب برنامه بازآفرینی شهر خلاق رشت، احقاق حقوق شهروندی، ایجاد ارتقاء سرمایه اجتماعی، حفظ زیست بوم و اکوسیستم‌ها و ارتقاء رضایت سکونت گاهی برای مردم محلی و گردشگری نیز مورد توجه قرار دارد.



پیشرو در بازآفرینی شهری

شهردار رشت شناسایی بناهای تاریخی و فرهنگی رشت را از موارد تحقق شهر خلاق برشمرده و می گوید: شهر رشت به لحاظ راه اندازی اماکن کلیدی جزء شهرهای پیشگام در کشور بوده، که از آن جمله می توان به وجود اولین کتابخانه، اولین داروخانه و... اشاره کرد. و اکنون شهر رشت در بازآفرینی شهری نیز در کشور پیشرو است.

وی با تاکید بر هدف گذاری اقتصاد شهری می گوید: شهرداری رشت با رونق دادن مراودات خود در حوزه محلی و بین المللی دو محور فرهنگ و هنر و سلامت را با پتانسیل منطقه ای مدنظر خود قرار داده است و می کوشد تا بر پایه اقتصاد گردشگری موجب اشتغالزایی شود.



نگاه همه جانبه به پتانسیل‌های موجود

دکتر ثابت قدم یادآور می شود: برای رسیدن به شهر خلاق و پایدار به نگاه همه جانبه در استفاده از پتانسیل‌های موجود نیاز داریم، که در این میان توجه به دیپلماسی عمومی در حوزه ارتباطات فرهنگی، ارزش‌ها و افکار عمومی مدنظر قرار دارد. و شهرداری تلاش می کند تا در راستای تحقق و ترویج شبکه گردشگری در شهرها و روستاهای استان با انعقاد تفاهم نامه‌هایی با سازمان‌های مرتبط ملی و بین الملل گام بردارد.

عکس‌ها: اسماعیل گلشن مژدهی

EYELASH

Enhancer & Treatment Lotion



محلول تخصصی تقویت کننده مژه سریتا

افزایش رشد، استحکام و ضخامت مژه / غنی از پپتیدها و ویتامین های تقویت کننده فولیکول مژه

FDA آمریکا و CE اروپا

مشاور: ۰۲۱ ۶۶ ۶۹ ۸۷ ۷۳ / ارتباط از طریق پیامک: ۰۲۴ ۲۴ ۴۸ ۳۰۰۰

www.cerita.ir



فهرست موضوعی :

شهری - توسعه	۸
گردشگری - اقتصاد	۱۳
اجتماعی - فرهنگی	۱۷
فرهنگی - هنری	۳۴
محیط زیست - آموزش	۵۶
موفقیت - کسب و کار	۶۰
اطلاعات عمومی	۶۳
ورزش - قهرمانی	۷۲
شهری - توسعه	۷۶
عمرانی - فناوری	۷۸

بسم الله الرحمن الرحيم

ماهنامه اجتماعی- فرهنگی گیلان فردا
 سال اول، شماره سوم، ویژه نوروز ۱۳۹۵
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول: رقیه ابراهیم زاده اصلی
 مدیر شورای سیاست گذاری: محمد کاظم شکوهی راد
 مدیر تحریریه: سارا فرزانه
 مدیر داخلی و مسئول سایت: ساناز فرزانه
 مدیر پشتیبانی: محمد علی فرزانه
 کارشناس عکس: علیرضا عزتی
 گرافیک: ماهان خوش رفتار
 صفحه آرا: پیمان پیشگاه
 حروف چینی: میترا مکرمی
 ویراستار: فرشته فتوحی
 چاپ و لیتوگرافی: شاهد

پشتیبان سایت: شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات بیدسان
 با تشکر ویژه از جناب آقای شکوهی راد مدیر مسئول روزنامه گیلان امروز

نشانی: رشت، چهارراه میکائیل، پشت بانک مسکن مرکزی، پلاک ۱۰۵
 کد پستی: ۴۱۸۴۹۱۳۳۷۶۶
 تلفن: ۰۹۱۱۱۴۹۳۲۰۹
 شماره: ۳۳۳۳۵۵۵۲
 پست الکترونیک: guilanfarda94@gmail.com
 سایت: guilanfarda.ir
 اینستاگرام: GUILANFARDA94

همکاران این شماره: آقایان و خانم ها دکتر مولایی پور، دکتر محمدی، دکتر امیر احمدی، دکتر نادری نبی، دکتر تیموری، دکتر ضیایی، دکتر متقی طلب، دکتر عاطفی، دکتر ثابت قدم، دکتر یحیی زاده، دکتر رضا دوست، دکتر تیز هوش، مهندس همتی، مهندس داداش پور، مهندس خداینده لو، مهندس راستین، مهندس فیروزی، مهندس دنیایی، مهندس مهر پور و ...

گیلان فردا

باز هم سلام و سپاس



نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد
عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد
ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد
چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد
این تپاول که کشید از غم هجران بلبل
تا سراپرده گل نعره زنان خواهد شد
گر ز مسجد به خرابات شدم خرده مگیر
مجلس وعظ دراز است و زمان خواهد شد
ای دل ار عشرت امروز به فردا فکتنی
مایه نقد بقا را که ضمان خواهد شد
ماه شعبان منه از دست قدح کاین خورشید
از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد
گل عزیز است غنیمت شمردش صحبت
که به باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد
مطربا مجلس انس است غزل خوان و سرود
چند گویی که چنین رفت و چنان خواهد شد
حافظ از بهر تو آمد سوی اقلیم وجود
قدمی نه به وداعش که روان خواهد شد



به شکر خدا سومین شماره مجله گیلان فردا که ویژه نوروز ۹۵ است، تقدیم شما خوانندگان جان شده است. باز خوردهایی که پس از انتشار اولین و دومین شماره گرفتیم، دل گرمان کرد که کار را با عشق و جدیت بیشتر دنبال کنیم. همان طور که در شماره دوم به برخی از بازخوردها اشاره کرده بودم در این شماره نیز در قالب همان صحبت های خودمانی به نکات دیگری اشاره می کنم.

در واقع همان قدر که صادقانه تلاش کردیم، باز خورد مثبت گرفتیم. و همانقدر که به کاستی هایمان واقف بوده و هستیم راهنمایی شنیدیم، نقدها بیشتر خوشحالمان کرد، چون هر چه انتظار مخاطبان از مجموعه «گیلان فردا» بیشتر باشد هر چه بیشتر نقد بشنویم، بیشتر افتخار خواهیم کرد که دیده شده ایم.

و اما چند سوال مخاطبان و عزیزان که برایمان جالب بوده است - وقتی یکی از عزیزان پرسید «چه کسی پشت مجله است؟» و من گفتم «کسی نیست به جز خودمان» دوباره سواش را تکرار کرد و من هم جوابم را تکرار کردم. او می گفت: «ولی آخر پشت بیشتر نشریات به لحاظ سیاسی و اقتصادی افراد و گروه هایی هستند.» گفتم بله، گاه همین طور است که می فرمایید ولی فعلا این مجله به هیچ طرف غش نکرده است! و تلاش می کند مستقل باشد. البته تاکید می کنم دیدگاه سیاسی همکاران «گیلان فردا» محترم بوده و نظرات و دیدگاه های گروه های سیاسی قانونی نیز با حفظ حریم ها و حدودها در این مجله قابل چاپ است، ولی تلاش می شود که مجله مستقل باقی بماند.....

- دوست عزیز دیگری وقتی برای اولین بار مجله گیلان فردا را دید، هنوز قبل از اینکه تورقی بکند گفت: «از ما هم چیزی در این مجله نوشته شده یا نه؟...» و طوری این جمله را ادا کرد که انگار اگر از ایشان چیزی در مجله نوشته نشده باشد دیگر این مجله به درد خواندن نمی خورد.....

- تعداد زیادی از خوانندگان «مجله گیلان فردا» هم پیشنهادات متنوعی برای مطالب مجله داشتند. پیشنهاد این عزیزان هم به ترتیب اولویت در دستور کار قرار خواهد گرفت. همان طور که در شماره اول از شما خوانندگان عزیز خواستم لطفاً به مجموعه «گیلان فردا» فرصت دهید تا مجله به سامان اصلی خود برسد. قبول کنید تدارک مجله ای که بیشتر مطالب آن تولیدی باشد دقت و وسواس خاصی را طلب می کند. آن هم برای خوانندگان و مخاطبان فرهیخته ای چون شما. در واقع این نشریه برای فرهیختگانی مانند شما طراحی شده است که در این مجله نه به دنبال مطالب غیر موثق و زرد هستید و نه به دنبال مطالب علمی و تخصصی صرف، بلکه می خواهید با استناد به منابع موثق، پل ارتباطی بین علم، دانش، فناوری، سیاست، فرهنگ، اجتماع، اقتصاد، هنر و ... با بیانی قابل فهم تقویت شود.

- و اما مثل قبل از همه افراد حقیقی و حقوقی که با حمایت فرهنگی خود در کنار ما برای استقلال «مجله گیلان فردا» گام برداشتند سپاسگزاریم. امیدواریم شایستگی تقویت این اعتماد و اطمینان دو طرفه را داشته باشیم و در کنار همکاران عزیزی که به جمع ما اضافه شده و می شوند به سهم خود در ارتقای فرهنگ استان بکوشیم.

امیدوارم در آستانه فرا رسیدن سال جدید، بهاری زیبا و نوروزی سرشار از شادی و نشاط در انتظارتان باشد. و آرزو می کنم یاد و خاطره تمام عزیزانی که در بهارهای پیشین همراه ما بودند و الان نیستند در قلبمان سبز بماند....

یادمان باشد همیشه فردایی نیست تا زندگی فرصت دیگری برای جبران غفلت ها به ما بدهد، پس کسانی را که دوست داریم همیشه کنار خود داشته باشیم.

عضو هیات مدیره خانه مطبوعات و مدیر مسئول

ماهنامه گیلان فردا

فرا رسیدن نوروز ۱۳۹۵ و سال نو را به شما تبریک می گوید.

امیدواریم سال جدید برای همه ایرانیان از جمله گیلانیان سرشار از موفقیت، محبت، سلامتی، شادی و عشق باشد

لحظه تحویل سال ۹۵ در ایران :

ساعت ۸ و ۰ دقیقه و ۸ ثانیه (ساعت هشت و هشت ثانیه صبح)

روز یکشنبه ۱ فروردین ۱۳۹۵ هجری شمسی

رییس جمهور:

سال ۹۵

سال شکوفایی و رونق اقتصادی ایران خواهد بود



متأسفانه هیچ‌گونه اشتغال (خالص) برای جوانان ایجاد نکردند.

دکتر روحانی با اشاره به تلاش‌های دولت یازدهم برای ایجاد اشتغال گفت: باوجود همه مشکلات، به شما مردم ایران قول می‌دهم که سال ۹۵ سال رونق اقتصادی ایران خواهد بود. وی با قدردانی از تلاش خستگی‌ناپذیر همه نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی برای حفظ امنیت مثال زدنی ایران اسلامی در منطقه، گفت: همه باید قدردان زحمات این عزیزان و نعمت امنیتی باشیم که در این کشور وجود دارد و لازم است از همه قهرمانان، از سپاه، ارتش، بسیج، نیروی انتظامی و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی تشکر کنیم که این امنیت و ثبات، در سایه تلاش و فداکاری آنان ایجاد شده است. دکتر روحانی تأکید کرد: مردم بزرگ و قهرمان ایران، خدمتگزاران و انانی را که برای عظمت این کشور تلاش کرده‌اند، هیچ وقت فراموش نخواهند کرد و هیچ کس هم نمی‌تواند نام و عظمت این خدمتگزاران را خاموش کند.

دیگر نبود، بلکه در آن اخلاق بر بد اخلاقی و اعتدال و میانه‌روی بر افراط پیروز شد»، گفت: امروز روزی است که باید با وحدت و اتحاد، دل‌ها را از کینه‌ها بشوییم و برای ساختن ایران سربلندتر و آبادتر دست به دست هم دهیم.

دکتر روحانی با بیان اینکه در سال ۹۴ به دلیل رکود جهانی و کاهش کم سابقه بهای نفت، همه کشورهای صادرکننده نفت و از جمله ایران با مشکل مواجه شدند، گفت: البته دولت یازدهم با تدبیر، اثرات این کاهش درآمدها را مهار و به حداقل رساند و در همین دوره موفق شد ارزش پول ملی، روند کاهنده تورم و ثبات و آرامش را در بازار حفظ کند.

رییس جمهور خاطرنشان کرد: درست است که مردم مشکلات فراوانی دارند و جوانان برای اشتغال نیازمند رونق اقتصادی هستند، اما به آنهایی که انصاف را در روزهای انتخابات با بوق‌هایی که در دست داشتند فراموش کردند، می‌گویم که در دوران وفور درآمد نفتی در سال ۹۰ که به رقم ۱۲۰ میلیارد دلاری رسید،

گیلان فردا- رییس جمهور با بیان اینکه «دولت یازدهم ارزش پول ملی، ثبات بازار ملی و روند کاهنده تورم را با وجود کاهش شدید و کم سابقه درآمدهای نفتی حفظ کرده»، اطمینان داد که سال ۹۵، سال شکوفایی و رونق اقتصادی ایران خواهد بود.

دکتر روحانی گفت: ما در سایه وحدت و برادری، گام به گام در مسیر جذب سرمایه داخلی و خارجی، رونق اقتصادی و اشتغالزایی بیشتر برای جوانان ایرانی پیش خواهیم رفت.

رییس جمهور با اشاره به انتخابات هفتم اسفند ماه و با تأکید بر اینکه «دولت آماده همکاری بیشتر با مجلس دهم در سال آینده است»، گفت: ایرانیان با خلق حماسه‌ای دیگر در هفتم اسفند ماه دنیا را به حیرت و داشتند و رأی ملت ایران در هفتم اسفند ماه، رأی به عقلانیت، منطق و امید به آینده بود و امروز روز وحدت و اتحاد است.

رییس شورای عالی امنیت ملی با تأکید بر اینکه «انتخابات هفتم اسفند، پیروزی یک جناح بر جناح

درآمد گیلان از صنعت گردشگری کشور ۸ میلیارد ریال است



مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گیلان گفت: سال گذشته در آمد کشور از صنعت گردشگری ۱۲۴ میلیارد و ۳۹۷ هزار ریال بوده است که گیلان با ۸ میلیارد و ۳۹۷ هزار ریال ۶ درصد از این سهم را به خود اختصاص داده است.

وی با اشاره به اینکه در حال حاضر در بسیاری از کشورهای جهان گردشگری بخش قابل توجهی از درآمدها را شامل می‌شود گفت: ما باید از توانمندی‌های گردشگری که در کشور داریم نهایت استفاده را کنیم تا باعث پویایی اقتصاد ملی و محلی شویم.

وی با اشاره به شعار جهانی امسال گردشگری یک میلیارد گردشگر یک میلیارد فرصت شغلی گفت: در حال حاضر در جهان ۴۱۳ هزار شغل مستقیم با گردشگری وجود دارد که یک و هشت دهم سهم کل اشتغال جهان را شامل می‌شود.

رضا علیزاده در گفت‌وگو با خبرنگار تسنیم خاطرنشان کرد: سال گذشته بر اساس تصمیم‌گیری کار گروه اشتغال استان میراث فرهنگی باید ۲ هزار شغل ایجاد می‌کرد که تاکنون ۹۰ درصد آن محقق شده است.

وی افزود: در حال حاضر در استان ۵ هزار و ۶۲۹ نفر در مشاغل مربوط با گردشگری مشغول فعالیت‌اند که هزار و ۳۳ نفر از این افراد شاغل را بانوان تشکیل می‌دهند.

درآمد ۶.۵ میلیارد دلار ی ایران از گردشگری

سهم نیم درصدی ایران از درآمد ۱۵۰۰ میلیارد دلاری گردشگری جهان



گیلان فردا - معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گفت: صنعت گردشگری با حمایت های دولت تدبیر و امید از حالت رکود خارج و در مسیر رونق قرار گرفته است.

دکتر مسعود سلطانی فر افزود: سال گذشته از محل جابجایی یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون گردشگر بین کشورها مختلف یکپهزار و ۵۰۰ میلیارد دلار درآمد نصیب کشورهای جهان شده است.

وی با اشاره به جاذبه های مختلف فرهنگی، مذهبی و زیارتی کشور خاطرنشان کرد: ارزیابی سازمان های جهانی ذیربط این است

ایران از لحاظ جاذبه های گردشگری رتبه ۱۵ دنیا، تعداد گردشگران ورودی رتبه ۴۶ و از جهت درآمد ارزی رتبه ۳۵ دنیا را داراست.

سلطانی فر به سهم نیم درصدی ایران از درآمد یک هزار و ۵۰۰ میلیارد دلاری گردشگری جهان اشاره و خاطرنشان کرد: در سال گذشته از تعداد پنج میلیون و ۱۰۰ هزار گردشگر خارجی، هفت میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار درآمد نصیب کشور ما شده است.

وی اعلام کرد: سهم کشور ما با توجه به ویژگی های گردشگری در زمینه های مختلف طبیعی، تاریخی و مذهبی، حداقل باید بین دو تا سه درصد باشد.

رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری بایان اینکه «ایران به لحاظ جاذبه های تاریخی، فرهنگی و برخورداری از هویت فرهنگی قدمت ۱۱ هزار ساله دارد»، افزود: همچنین یک میلیون مکان، بنا، سایت و محوطه تاریخی در کشور وجود دارد.

وی اضافه کرد: از این تعداد ۳۲ هزار اثر به ثبت ملی و ۱۷ اثر در یونسکو به ثبت میراث جهانی رسیده است.

این مسوول اضافه کرد: امروز یکی از مهمترین مقاصد گردشگری گردشگران غربی و اروپایی بعد از بازدید از اماکن تاریخی و مذهبی حضور در کویرهاست این یک فرصت در بخش گردشگری است. و در سند چشم انداز ۲۰ ساله، باید در افق ۱۴۰۴، میزان ۲۰ میلیون گردشگر خارجی با حدود ۳۰ میلیارد دلار درآمد در کشور باشیم. و با توجه به جاذبه های ایران این افق دست یافتنی است.

رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تعداد شیعیان در جهان را ۲۸۰ میلیون نفر بیان کرد و گفت: نیمی از گردشگران خارجی ورودی به کشور مسلمان هستند که برای زیارت و بازدید از اماکن مذهبی وارد ایران می شوند و پس از آن به شهرهای شمالی سفر می کنند.

وی تاکید کرد: اگر سالیانه تنها نیم درصد از شیعیان جهان را به کشورمان جذب کنیم، سالانه ۱۰ میلیون گردشگر مورد نیاز کشورمان را تامین کرده ایم. سلطانی فر افزود: ایران را بعنوان یکی از کانون گردشگری حلال در دنیا بویژه برای گردشگران کشورهای اسلامی تبدیل کنیم تا این کشورها ایران را مهمترین مقصد گردشگری خود انتخاب کنند.



استاندار گیلان:

با حفظ محیط زیست

به استقبال نوروز و گردشگران می‌رویم

وی با بیان اینکه طرح جامع مدیریت پسماند استان در مراحل تدوین نهایی است گفت: این طرح پس از تدوین و تأیید در کارگروه مدیریت پسماند استان برای تصویب نهایی به وزارت کشور ارسال می‌شود.

استاندار گفت: چشم انداز و تحقق اجرای دقیق این طرح ۱۰ ساله است که امیدواریم در پایان اجرای آن با توجه به تدوین نقشه راه مدیریت پسماند و تقویت مشارکت مردم و دستگاه‌های اجرایی، بخشی از معضلات پسماند برطرف شود.

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست نیز در این نشست با بیان اینکه تلاش می‌کنیم مدیریت پسماند در کشور، اقتصادی و علمی بوده و از فن‌آوری‌های نوین ملی و بین‌المللی برخوردار باشد، اظهار داشت: در بخش فرهنگی، اجتماعی و مشارکت جویانه پسماند نیز ارزیابی‌ها نشان داد، «اجرای طرح مسیر سبز و ساحل پاک» موفق و ضروری بوده و از این رو برای فروردین ۹۵ نیز ادامه خواهد داشت.

وی افزود: احتمال ادامه اجرای این طرح در سال آینده به ویژه در تابستان به دلیل حجم بالای سفرها و افزایش تخریب و آلودگی مخصوصاً در استان‌های ساحلی شمالی وجود دارد و از این رو افزایش مشارکت مردمی و بهبود و ارتقاء آموزش‌های ارائه شده در این طرح ضروری است.

وی ضمن اشاره به کارگروه مشترک صدا و سیما و سازمان حفاظت محیط زیست، اضافه کرد: پیش از این رایزنی‌هایی با رئیس صدا و سیما به منظور پوشش فرهنگی و آموزشی این طرح از طریق صدا و سیما ملی و مراکز استان‌های درگیر در پروژه صورت گرفته است.

معاون رئیس جمهور گفت: محتوای آموزشی که قرار است توسط شهرداری‌ها، وزارت کشور و سازمان حفاظت محیط زیست تهیه شود می‌تواند در برنامه‌های صدا و سیما مورد استفاده قرار گیرد.

وی افزود: فرهنگ سازی از طریق آموزش و پرورش نیز از طریق کارگروه‌های مشترک و زمینه‌های همکاری ایجاد شده، پیگیری خواهد شد. رئیس سازمان حفاظت محیط زیست تصریح کرد: استفاده

از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های مرجع همچون هنرمندان و ورزشکاران در این عرصه و انتقال مباحث آموزشی از طریق آن‌ها ضروری است. دکتر ابتکار ضمن تأکید بر جنبه‌های علمی و تخصصی این طرح، گفت: سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری از جمله نهادهای موثر همکار در این زمینه خواهد بود.

وی با بیان اینکه وزارت راه برای همکاری در این زمینه اعلام آمادگی کرده است، پیشنهاد کرد: کارگروه مشترکی در استان‌ها با همکاری وزارت راه و شهرسازی، شهرداری‌ها و شوراهای شهر و روستاها برای پیگیری هماهنگ و بهتر موضوع و تداوم طرح به ویژه در مسیرهای اصلی استان‌ها شکل بگیرد.

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست تأکید کرد: برنامه‌های پنج ساله مدیریت پسماند استان‌ها الزاماً باید با نگاه اقتصادی تهیه و تدوین شود.

دکتر ابتکار ضمن اشاره به گزارش‌های ارائه شده از سوی استان‌ها، از تلاش استانداران در زمینه رفع مشکل پسماند به ویژه در استان‌های شمالی کشور به رغم چالش‌های اعتباری موجود تقدیر کرد.

گیلان فردا- استاندار گیلان در نشست هماهنگی فاز دوم طرح مسیر سبز ساحل پاک که با حضور معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور در تهران برگزار شد با اشاره به در پیش بودن تعطیلات نوروز تأکید کرد: تعطیلات ۹۵ در گیلان با ترویج فرهنگ حفاظت از محیط زیست برنامه‌ریزی شده است.

دکتر محمدعلی نجفی در این نشست با اشاره به اجرای موفق فاز نخست طرح مسیر سبز ساحل پاک که اسفند ۹۲، استانداران استان‌های شمالی و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست با هدف پاکسازی مسیرهای گردشگران و مقاصد ساحلی از زباله و فرهنگ سازی کاهش ریخت و پاش آن در ایام نوروز امضاء کردند گفت: یکی از نقاط قوت حفظ محیط زیست در ۲ سال گذشته در گیلان، فرهنگ سازی آن از طریق مردم، مسئولان و رسانه‌ها بوده است.



وی با بیان اینکه نوروز امسال نیز گردشگران زیادی به گیلان می‌آیند تا از طبیعت زیبای آن استفاده کنند گفت: در همین راستا علاوه بر تشکیل کارگروه مدیریت پسماند در ستاد تسهیلات سفر نیز بصورت ویژه به این مسئله توجه شده است که نوروز با احترام به محیط زیست همراه شود.

به گزارش روابط عمومی استانداری گیلان، دکتر نجفی به اجرای طرح تفکیک زباله در شهرها اشاره کرد و گفت: به رغم اینکه اجرای این طرح توسط شهرداری‌ها از خواسته‌های اصلی استانداری بوده است اما اختصاص اعتبار مناسب ملی در این زمینه لازم و ضروری است تا این طرح مهم با قوت انجام پذیرد.

۱۰۰ فرصت سرمایه‌گذاری فوق العاده در گیلان وجود دارد



گیلان فردا - گیلان منطقه‌ای پر از فرصت، گیلان دارای توانمندی‌های فراوان بالقوه، گیلان دارای بهترین دسترسی به بازارهای داخلی و بین‌المللی، گیلان دارای بهترین آب و هوا و اقلیم، گیلان دارای بهترین فرهنگ و هنر، گیلان دارای بهترین و بیشترین سابقه در توسعه در گذشته، گیلان دارای بهترین ظرفیت در گردشگری و کشاورزی، گیلان دارای بهترین ظرفیت در استقرار صنعت پاک و ...

همه ما از مزایا و نعمت‌های خدادادی گیلان سرسبز بارها شنیده یا گفته ایم ولی کمتر شاهد به بار نشستن این ظرفیت‌های بکر و فوق‌العاده در راستای اشتغالزایی و بهبود اقتصادی و رفاه گیلانیان بوده ایم. اما اقداماتی اخیراً در استان اتفاق افتاد که نوید بخش ایجاد تحرک در سرمایه‌گذاری است. نگاه ویژه مدیریت ارشد استان به ضرورت تقویت سرمایه‌گذاری در گیلان و همچنین فعالیت برخی از مدیران مرتبط در این زمینه یقیناً موجب هم‌افزایی و زمینه‌ساز ورود سرمایه‌گذاران به استان خواهد بود. در همین راستا افتتاح مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی استان گیلان و معرفی ۱۰۰ فرصت سرمایه‌گذاری در گیلان از سوی دکتر منصور مولایی پور مدیر کل امور اقتصادی و دارایی استان گیلان و نایب رئیس مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی استان گیلان بهانه‌ای شد تا نظر ایشان را در مورد فعالیت این مرکز جویا شویم.

■ در مصاحبه قبلی مجله گیلان فردا با شما، جناب عالی به ضرورت رسیدن به نرخ هشت درصدی با توسعه دریا محور اشاره کرده بودید. حال سازمان‌های جهانی چه پیش‌بینی در خصوص افزایش نرخ رشد آرایه داده اند؟

بانک جهانی در سال آینده نرخ رشد ۵/۵ درصد را برای ایران پیش‌بینی کرده است. ■ تالار جدید مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی استان چه اهدافی را مد نظر قرار داده است؟

مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی استان پس از اجرای برجام در تصمیماتی که به هدایت رئیس مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی استان یعنی شخص استاندار گرفته شده، تالار جدید مرکز را طراحی و افتتاح کرده که در این تالار ۱۰ نفر از نمایندگان تام‌الاختیار ادارات و دستگاه‌های اجرایی استان مستقر هستند و مکلف شده‌اند به تقاضاهای سرمایه‌گذاری واصله به استان در اسرع وقت جواب دهند تا سرمایه‌گذاران به جای اینکه به دستگاه‌های اجرایی استان برای انجام کارهای خود ارجاع شوند در این مرکز درخواست‌هایشان پی‌گیری شود و دیگر درگیر مسائل اجرایی دستگاه‌های مختلف نشوند.

■ آیا روند کار در تالار فوق به صورت الکترونیک است؟

علاوه بر اینکه افراد می‌توانند با حضور در تالار سرمایه‌گذاری پیگیر کار خود باشند، در این تالار ۱۱ نرم‌افزار مختلف نیز برای سامانه‌ی جامع ارائه‌ی خدمات الکترونیک سرمایه‌گذاری خارجی استان گیلان طراحی و اجرا شده که امکان ارائه‌ی خدمات مختلف از جمله ثبت اولیه‌ی طرح‌های پیشنهادی به وسیله‌ی سرمایه‌گذاران، امکان معرفی طرح‌های نیمه‌تمام استان، مدیریت ارتباطات، نظارت بر روند سرمایه‌گذاری، دریافت شکایات به طور مستقیم، پاسخگویی و... وجود دارد

■ آیا در استان‌های دیگر هم همین روند دنبال می‌شود؟

با بررسی‌هایی که به عمل آوردیم مشاهده کردیم که این امکان در بسیاری از استان‌های کشور به سه یا چهار مورد می‌رسد و به همین دلیل به صورت پایلوت قرار است در استان گیلان اجرا شود و دقیقاً به همین دلیل این استان از طرف وزارتخانه جزو سه استان برتر کشور شناخته شده و قرار است همایشی هم در اردیبهشت سال ۱۳۹۵ به میزبانی گیلان برگزار شود و نقشه‌ی راه سرمایه‌گذاری و فیلم فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان در آن برای شرکت‌کنندگان تبیین شود. (و از پنج دستگاه اجرایی استان که در این زمینه بیشترین همکاری و تعامل را برای ارائه‌ی پکیج‌های سرمایه‌گذاری داشته‌اند در همایشی با حضور استاندار محترم تجلیل و قدردانی شد.)

■ به نظر شما یک مجموعه خوب سرمایه‌گذاری، باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟

بایستی در این پکیج مطالعات اقتصادی، مالی، فنی، و زیست‌محیطی هر یک از پروژه‌ها انجام شده باشد، زیرساخت‌های لازم برای اجرای پروژه‌ها اعم از آب، برق، گاز و... مهیا شده باشد و همچنین همه‌ی مجوزهای لازم برای سرمایه‌گذاری از دستگاه‌های مرتبط اخذ شده باشد، که با بررسی‌هایی که شده می‌توان گفت که بیش از دو هزار مجوز در

زمینه‌های مختلف به وسیله‌ی دستگاه‌های اجرایی داده می‌شود که این موضوع قدری کار را پیچیده کرده اما علی‌رغم این پیچیدگی، از سوی مجلس فضای کسب و کار در استان گیلان بالاتر از ۳۰ استان کشور عنوان شده است.

■ آیا گیلان از هر نظر زمینه مساعدی برای ورود سرمایه‌گذار را دارد؟

برای جذب سرمایه‌گذار خارجی به استان نیاز به فضای مناسب از نظر امنیت و همچنین اطلاع‌رسانی در این زمینه داریم و خوشبختانه به دلیل امنیت خوب استان گیلان و اطلاع‌رسانی بخش‌های مختلف در زمینه‌ی فضای کسب و کار، بالاتر از ۳۰ استان دیگر قرار گرفته‌ایم و این موضوع چیزی نیست که ما بگوییم بلکه آمار و اطلاعاتی است که مجلس ارائه داده است و ما هم بایستی از این پتانسیل و ظرفیت استفاده کنیم و سرمایه‌گذاران بیشتری را به استان جذب نماییم. سرمایه‌گذار خارجی علاوه بر اینکه میزان بازدهی و سوددهی سرمایه‌گذاری خود را می‌سنجد، دغدغه‌ی این را هم دارد که آیا ریسک سرمایه‌گذاری او بالا است یا خیر؟ آیا دارایی‌اش در فرایندی که تعریف می‌شود رشد صعودی خواهد داشت؟ و نکاتی از این قبیل، و آمارها نشان می‌دهد که فضای استان گیلان از این نظر مناسب است و می‌توان با مراجعه به سایت مجلس شورای اسلامی این واقعیت را دریافت تا سرمایه‌گذاران با یک آرامش خاطر به استان ورود کنند.

■ یعنی گیلان شاخص‌های راه‌اندازی یک کسب و کار خوب را دارد؟

بله، کاملاً. آرامش یک بحث روانی است که ما بایستی آن را برای بهبود سرمایه‌گذاری در استان ترویج کنیم. و در مورد زمینه مناسب برای سرمایه‌گذاری و کسب و کار موفق حدود ۲۱ شاخص در زمینه‌ی فضای کسب و کار لحاظ می‌شود که استان گیلان با بررسی این شاخص‌ها وضعیت مطلوبتری داشته است. هر چند ما نمی‌گوییم وضعیت استان ایده‌آل است اما از دیگر استان‌های کشور در این زمینه مطلوب‌تر است.

■ فرصت‌های سرمایه‌گذاری در گیلان به لحاظ کمی و کیفی چطور است؟

۱۰۰ فرصت سرمایه‌گذاری مختلف در استان گیلان در بخش‌های گوناگون وجود دارد که با ویژگی‌هایشان در سایت این مرکز معرفی و اطلاع‌رسانی شده است، این فرصت‌های سرمایه‌گذاری با لحاظ کردن منطقه‌ای آزاد انزلی و دو منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی آستارا و لاهیجان که دارای اولویت هستند، افزایش خواهد یافت. همچنین در سایت مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی استان گیلان پروژه‌های نیمه‌تمام گیلان نیز معرفی شده‌اند. و استاندار محترم گیلان برای در اولویت قرار گرفتن بیش از ۷۰ درصد آنها برای جذب اعتبار نگاه ویژه‌ای دارند. همه‌ی این طرح‌ها و پروژه‌ها مربوط به بخش خصوصی بوده و اصلاً دولتی نیستند که با بسته‌شدن ال‌سی و سوئیفت که ابزارهای مهم اقتصادی هستند در زمانبندی خاص خود نتوانسته‌اند به سرانجام برسند و اینک در فرصت به دست آمده پس‌برجام و ایجاد روابط بین‌الملل امیدواریم با ورود مشتاقان سرمایه‌گذاری به ایران و حتی گیلان در سال آینده وضعیت خوبی از این نظر داشته باشیم

سال ۹۵ محورهای توسعه گیلان اعلام می‌شود

رسانه‌ها، کارشناسان دستگاه‌ها و حتی بازنشستگان که دارای تجارب فراوان هستند نیز در امر برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و نظارت بهره خواهیم برد تا بهترین تصمیم‌ها و اولویت‌بندی‌ها را برای برنامه ششم توسعه در گیلان در شورای برنامه‌ریزی استان به ریاست استاندار محترم داشته باشیم و بر مبنای آن عمل کنیم. ضمن آنکه آماده دریافت پیشنهادات و نظرات به صورت کتبی و نیز اینترنتی از طریق سایت سازمان در خصوص برنامه ششم هستیم.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گیلان با بیان اینکه انجام پژوهش برای کارا کردن خود بخش پژوهش ضروری است می‌افزاید: باید بررسی و پژوهش شود که چگونه می‌توان از پژوهش برای عملیات کاربردی در دستگاه‌ها استفاده کرد. علاوه بر این بایستی در ترویج فرهنگ پژوهش در بین آحاد مختلف هم تلاش کنیم. وی با بیان اینکه کشورهای توسعه یافته با اختصاص ۳ تا ۴ درصد از بودجه کل به امر پژوهش، در غایت آن را تبدیل به ثروت و رفاه برای مردم می‌کنند ادامه می‌دهد: مشکلی که در کشورهای درحال توسعه و عقب مانده وجود دارد این است که اگر پژوهشی هست نمی‌توانند آن را به ثروت و رفاه تبدیل کنند. ما در تلاش هستیم بتوانیم از تحقیقات و دستاوردهای پژوهشگران، مخترعان و نوآوران برای ایجاد ثروت و رفاه یعنی ایجاد شغل و رفع بیکاری استفاده کنیم.

وی با تأکید بر اینکه فرهنگ پژوهش حتی در برخی از مجامع علمی ما هم مهجور است، از آموزش محور بودن دانشگاه‌ها و مراکز علمی انتقاد کرده و اضافه می‌کند: ابتدا باید جایگاه پژوهش در دانشگاه‌ها را تثبیت شود، و اهمیت استاد پژوهشی از استاد آموزشی بالاتر شود. چون اگر بودجه پژوهش را به سه درصد هم افزایش دهیم نمی‌توانیم آن را جذب کنیم چراکه محقق حرفه‌ای و فرهنگ پژوهش و ساختار و ساماندهی تحقیقات در دانشگاه‌ها و در دستگاه‌های اجرایی وجود ندارد. دکتر محمدی بر حمایت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه پژوهش تأکید کرده و می‌گوید: در کشور همه نگاه‌ها به بودجه دولتی است. در حالی که بودجه عمومی دولت حدود ۲۹ درصد بودجه کل کشور است و ۷۱ درصد باقی مانده در دست بانک‌ها، شرکت‌ها و... قرار دارد. لذا خواهش من از فعالان بخش خصوصی این است که به سرمایه‌گذاری در پژوهش توجه بیشتری نشان دهند



برخی معتقدند توسعه متوازن در گیلان یعنی اینکه همه زمینه‌های کشاورزی، صنعت، گردشگری، پتروشیمی را یک جا محور قرار دهیم. در حالی که مطابق با الگوی جهانی منظور از توسعه متوازن این است که باید آنها را در چند گرایش اولویت‌بندی و بر اساس آن سرمایه‌گذاری کرده و مابقی را در حد خاصی حفظ کنیم.

وی ادامه می‌دهد: امیدواریم با توجه به مطالعات و تحقیقاتی که در خصوص برش استانی برنامه ششم در حال انجام است تا آذر یا دی ماه سال آینده به طور قاطع اعلام کنیم توسعه گیلان بر مبنای چه محورهایی دنبال خواهد شد. اگر کشاورزی است کدام محصولات؟ اگر صنعت است کدام صنایع؟ و اگر گردشگری است در کدام زمینه؟

وی در پاسخ به اینکه آیا در تدوین برنامه ششم نتایج و تحلیل‌های انجام شده توسط دانشگاه‌ها یا سایر مراکز علمی، مورد استفاده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قرار می‌گیرد یا نه، به شرح ساختار اجرایی کارگروه‌های ذیل شورای برنامه‌ریزی گیلان و انجمن‌های تعریف شده ذیل کارگروه‌ها پرداخته و می‌گوید: نگاه ما در همه زمینه‌ها، نگاه مشارکتی است. بر این اساس در ۱۳ کارگروه و ۳۰ انجمن تخصصی که توسط مدیریت مرکز آموزش و پژوهش سازمان ایجاد شده، قطعا نه تنها از نظرات و پژوهش‌های افراد دانشگاهی بلکه از نظرات و پژوهش‌های

ماهنامه گیلان فردا- به نظر شما کدام کار و فعالیت باید در گیلان در اولویت قرار گیرد؟ کشاورزی؟ صنعت؟ گردشگری؟ خدمات؟ و یا... متأسفانه پس از چند دهه هنوز پاسخ درستی به این سوال داده نشده است. و یا پاسخ‌های سلیقه‌ای و گاه حتی به دور از مبنای علمی باعث شده که همچنان بسیاری از ظرفیت‌های استان بالقوه باقی بماند و بسیاری دیگر از بخش‌ها هم بواسطه عدم برنامه‌ریزی درست ناکارآمد باشند. البته اگر خوشبینانه و با اغماض برخی از بخش‌ها را مورد بررسی قرار دهیم شاید بتوان به پیشرفت‌هایی در استان اشاره کرد. ولی آیا به راستی با این همه ظرفیت‌های بالقوه در استان، وضعیت گیلان باید اینگونه باشد؟ اصلا گیلان فردا یا فردای گیلان چگونه خواهد بود؟ و برای داشتن گیلان توسعه یافته جایگاه تحقیق و پژوهش و برنامه‌ریزی کجاست؟

دکتر کیوان محمدی به نقش و اهمیت پژوهش از دیدگاه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گیلان اشاره می‌کند و می‌گوید: بنای فعالیت‌های سازمان بر مبنای علم و پژوهش است. چون معتقدیم همانطور که بدون آب و اکسیژن امکان ادامه حیات وجود ندارد، بدون پژوهش هم موفقیت در امور اجرایی میسر نمی‌شود.

وی یکی از علل اساسی عدم موفقیت‌های اقتصادی در کشور را نبود پیوند مناسب بین بخش پژوهش با بخش اجرا بر شمرده و می‌افزاید: به همین دلیل با وجود امکانات خوب و صرف میلیاردها تومان هزینه تاکنون به آنچه که مردم استحقاق آن را داشته‌اند نرسیده‌ایم. درحالی که اگر همه کارها را بر مبنای پژوهش استوار کنیم قطعاً نتیجه بهتری خواهیم گرفت و دچار هزینه‌های هنگفت آزمایش و خطا نخواهیم شد.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گیلان با بیان اینکه یکی از تعاریف توسعه این است که با حداقل امکانات بتوانیم حداکثر امتیازات و رفاه را برای جامعه ایجاد کنیم می‌گوید: این کار با مطالعه و پژوهش امکان‌پذیر است. در همین راستا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گیلان در خصوص تنظیم و ارزیابی جدول داده و ستانده و نیز طرح آمایش استان با همکاری اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران اقدام به مطالعه کارهای پیشین کرده است، تا نتایج حاصل از آن را به ما نشان دهد. این که باتوجه به ظرفیت‌های انسانی، مادی و فرهنگی، استعداد چه فعالیت‌هایی در گیلان وجود دارد.

وی به مفهوم توسعه متوازن اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد:

جدول داده - ستانده

توجه روز افزون به اهمیت برنامه‌ریزی منطقه‌ای و رشد متوازن، منجر شد تا تهیه حساب‌های اقتصادی منطقه‌ای به ویژه جدول داده - ستانده منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه با استقبال روبرو شود. و وضعیت اقتصادی یک منطقه در یک دوره زمانی معین به صورت منظم و هدفمند مورد اندازه‌گیری قرار گیرد و بر این اساس با کمک تعاریف و مفاهیم، طبقه‌بندی‌ها و روش‌های محاسباتی استاندارد کلیه فعالیت‌های نتایج این جدول در قالب کمیته‌های اقتصادی بیانگر توان اقتصادی منطقه بوده و می‌توان به کمک آن قطب‌های پیشرفت و توسعه را شناسایی کرد.



اساس کار در جدول داده - ستانده تشریح و تبیین کمی ویژگی‌های ساختاری اجزاء تشکیل دهنده یک سیستم اقتصادی به تفصیلی‌ترین صورت ممکن است. از این طریق مدل‌های اقتصادی از حالت نظری خارج شده و ارتباط آن‌ها با زمینه‌های تجربی و عملی روشن‌تر می‌شود.

جدول داده - ستانده گیلان یک جدول داده - ستانده منطقه‌ای است که دارای طبقه‌بندی بخشی تفصیلی است و سایر مناطق کشور به صورت کل در ارتباط با این استان در نظر گرفته شده و روابط بین آن‌ها به صورت صادرات به سایر استان‌ها و واردات از سایر استان‌ها نشان داده شده است و از سوی دیگر ارتباط این استان در سطحی وسیع‌تر یعنی ارتباط با دنیای خارج نیز مورد بررسی قرار گرفته است. جدول داده - ستانده استان گیلان حاوی سه دسته کلی اطلاعات شامل جداول اصلی، جداول پشتیبانی و جداول تحلیلی است.

گفتنی است وجود اطلاعات حساب‌های منطقه‌ای ۸۱، چارچوب بهنگام سرشماری کارگاهی سال ۱۳۸۱ و ثبات نسبی اقتصادی و نزدیکترین سال به زمان اجرا از علل اصلی برای انتخاب سال ۱۳۸۱ به عنوان سال پایه برای تهیه جدول داده - ستانده استان گیلان بوده است.

(منبع:گزیده نتایج و تحلیل یافته و مسایل کاربردی جدول داده - ستانده استان گیلان (ویدئو طیفوری معاون آمار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان)

آمایش سرزمین

آمایش سرزمین، ارزیابی نظام‌مند عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... به منظور یافتن راهی برای تشویق و کمک به جامعه بهره‌برداران در انتخاب گزینه‌هایی مناسب برای افزایش و پایداری توان سرزمینی در جهت برآورد نیازهای جامعه است. به بیانی دیگر توزیع متوازن و هماهنگ جغرافیایی کلیه فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی در پهنه سرزمین نسبت به قابلیت‌ها و منابع طبیعی و انسانی را آمایش سرزمین می‌گویند. از مهمترین خصوصیات برنامه آمایش سرزمین جامع‌نگری، کیفیت و سازماندهی فضایی آن است. پایدارترین آرایشی که به سه مولفه مهم جمعیت، سرمایه، منابع طبیعی و محیطی یک منطقه یا سرزمین ختم می‌شود «برنامه آمایش سرزمین» نامیده می‌شود

برنامه ششم توسعه و پیشنهاد تصویب استان گیلان به عنوان برترین «هاب» شمال کشور

ماهنامه گیلان فردا، ساناز فرزانه - به نظر شما گیلان فردا چه خواهد شد؟ آیا به معنی واقعی شاهد توسعه پایدار در استان خواهیم بود؟ و کلا چه چشم اندازی را باید برای فردای گیلان ترسیم کرد؟ آیا شاهد فردایی بهتر از امروز خواهیم بود؟ در اینکه گیلان ظرفیت های بسیاری دارد شکی نیست. ظرفیت هایی که اگر درست و اصولی استفاده شود قادر است یک کشور را راه ببرد. در واقع ما دارای شرایط ممتازی هستیم که در ادبیات رایج مرتبط تحت عنوان «هاب» از آن یاد می شود. برای اینکه هر چه بیشتر در این زمینه اطلاعات داشته باشیم نظرنوروزی، معاون اقتصادی اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان گیلان را جویا شدم. وی که فوق لیسانس برنامه ریزی سیستم های اقتصادی، کارشناس برنامه ریزی و توسعه اقتصادی و مدرس دانشگاه در علوم اقتصادی و برنامه ریزی است به ظرفیت های استان به طور خیلی گذرا اشاره می کند. به نظر شما خواننده عزیز با داشتن این همه ظرفیت و به قولی «هاب» بودن نباید شاهد گیلانی شکوفاتر باشیم؟ در ادامه با استناد به ظرفیت ها و توانمندی های زیرساختی، تجاری، ترانزیتی و لجستیکی استان، احکام پیشنهادی لازم جهت درج در برنامه ششم توسعه کشور و تصویب استان گیلان به عنوان برترین «هاب شمال کشور» به نظر شما عزیزان برسد:

■ اخیرا واژه «هاب» در مباحث کارشناسی زیاد شنیده می شود. لطفا در این مورد توضیح بفرمایید.

امروزه برخی از کشورها با بهره گیری از عواملی چون موقعیت جغرافیایی، زیرساخت های حمل و نقل و فراهم بودن فضای کسب و کار، به نقاط جذابی در شبکه های جهانی تجارت تبدیل می شوند که می توان آنها را محل تجمع فعالیت های تجاری جهانی اعم از خرید و فروش، حمل و نقل، توزیع و ... دانست. این مکان ها «هاب» نامیده می شوند.

■ پس این مکان ها باید دارای شاخص های خاصی هم باشند. بله، همینطور است. وجود زیرساخت های لازم برای راه اندازی حمل و نقل چندوجهی، دسترسی به بازارهای مصرف منطقه ای، ملی، فراملی و حتی فرا قاره ای (در مسیر کریدورهای حمل و نقل)؛ وجود ظرفیت های حمل و نقل جاده ای، ریلی، هوایی و دریایی؛ وجود مناطق ویژه و آزاد اقتصادی؛ استقرار در نواحی مرزی و همسایگی با کشورهای منطقه، نزدیکی و دسترسی آسان به مراکز و قطب های اقتصادی کشور، و مهمتر اینکه مقبولیت و پذیرش فرهنگی و تاریخی و اجتماعی، به عنوان شاخص بهبود فضای کسب و کار، در افکار عمومی منطقه متعامل و ... به درستی می توانند انتخاب یک شهر، ناحیه یا استان را جهت تبدیل به هاب تجاری، هاب لجستیکی، یا هاب ترانزیتی رهنمون سازد.

■ در گیلان این مقوله چه جایگاهی دارد؟

استان گیلان نیز به عنوان یکی از راهبردی ترین استان های شمال کشور و منطقه، از بسیاری ویژگی هایی مانند موقعیت و مزیت جغرافیایی که یک منطقه را به هاب تبدیل می کند، برخوردار است. از یک سو، گیلان در مسیر تجارت آسیا-اروپا قرار گرفته و از سوی دیگر، کریدورهای حمل و نقل بین المللی متعددی در مسیر شمالی- جنوبی و شرقی- غربی، یا از این استان عبور کرده و یا اینکه آثار و پیامدهای مثبت جانبی بر آن دارند.

■ ظرفیت های گیلان در تبدیل به برترین هاب شمال کشور کدام است؟

- برخوردار بودن از موقعیت ممتاز جغرافیایی و قرار گرفتن در مسیر کریدور نوستراک و ترانسیکا، و همجواری با کشورهای آسیای میانه از طریق خاکی و آبی
- وجود تنها منطقه آزاد تجاری - صنعتی شمال کشور (بندر انزلی)، بازارچه مرزی و منطقه ویژه اقتصادی در آستارا و لاهیجان
- پیش بینی طرح احداث نمایشگاه دائمی عرضه خدمات و کالا و همچنین پروژه احداث پایانه صادراتی گل و گیاه
- وجود دو گمرک در انزلی و آستارا و همچنین گمرک فرودگاه بین المللی سردار جنگل رشت

- برخوردار بودن از سیلوها، انبارها و سردخانه های مناسب
- امکان دسترسی به بازار ۳۰۰ میلیون نفری کشورهای آسیای میانه و قفقاز
- همجواری با بندر آستراخان، لاگان و ماخاچ قلعه (روسیه)، بندر کراسنودسک و بکتاش (ترکمنستان)، بندر آکتائو (قزاقستان) و بندر باکو (آذربایجان)

- وجود ۵ نیروگاه برق لوشان، رشت و پره سر و نیروگاه آبی و بادی منجیل و شبکه های وسیع توزیع و انتقال برق در استان، بطوریکه استان گیلان با دارا بودن ۴،۵ درصد ظرفیت تولید برق کشور در مکان پنجم و بعنوان صادرکننده برق به سایر استان ها در مکان دوم بین ۱۶ منطقه کشور قرار دارد
- وجود خط لوله انتقال گاز ۴۲ و ۳۰ اینچی که تامین کننده مناسبی برای مصارف خانگی، صنعتی و تجاری استان می باشد.

- مخازن ذخیره سوخت تا ۲۰۰ میلیون لیتر، نفت سفید، بنزین و نفت گاز جهت سوخت رسانی به گیلان، اردبیل و غرب مازندران

■ در بخش حمل و نقل زمینی، هوایی و دریایی چه مزیت هایی در استان گیلان



■ وجود دارد؟

برخورداری از شبکه های وسیع حمل و نقل جاده ای درون استانی از جمله:
- وجود بزرگراه قزوین- رشت (و طرح توسعه آن به آزاد راه) و ادامه آن به انزلی و آستارا جهت توسعه محورهای مواصلاتی به ترکیه و اروپا و همچنین جمهوری آذربایجان و قفقاز

- طرح احداث راه آهن قزوین- رشت- بندرانزلی، به طول ۲۰۵ کیلومتر و با ظرفیت حمل بار سالانه ۱۰ میلیون تن و مسافر ۳،۷ میلیون نفر، که قرار است فاز قزوین-رشت، تا سال ۹۵ به بهره برداری برسد. همچنین در ادامه این مسیر از طریق مرز آستارا به خط ریلی جمهوری آذربایجان متصل خواهد شد. لازم به ذکر است در توافق دوطرفه آذربایجان و ایران، هر یک متعهد شده اند، به ترتیب ۸ و ۲ کیلومتر حد فاصل بین وضع موجود تا مرز را ریل گذاری نمایند. (طرف آذری ۸ و طرف ایرانی ۲ کیلومتر)
- وجود فرودگاه بین المللی سردار جنگل رشت با یک باند ۴۵ متری به طول ۲۹۵۰ متر که با اجرای طرح توسعه فرودگاه، امکان فرود هواپیماهای پهن پیکر ایرباس نیز فراهم می شود.

- امکانات بندری و کشتیرانی تجاری در منطقه انزلی، به طوریکه این بندر با ظرفیت پذیرش کالا به میزان ۱۱ میلیون تن در سال و همچنین وجود تجهیزات مدرن بارگیری و تخلیه، انبارها و سیلو، بزرگ ترین بندر حاشیه دریای خزر و سومین بندر بزرگ ایران است. بندر انزلی یکی از بنادر مهم و فعال در حاشیه جنوبی دریای خزر و مجهز به امکانات مدرن تخلیه و بارگیری است.

■ آیا بندر انزلی دارای ویژگی های فوق العاده خاصی است؟

بله، از نظر مساحت محوطه ها با استحصال: ۱۴۲ هکتار، مساحت انبارهای قابل بهره برداری: ۳۵۳۳۱ متر مربع، مساحت انبارهای در حال احداث: ۴۸۰۰۰ متر مربع، مساحت محوطه های بار انداز: ۵۹۲۳۰ متر مربع، مساحت انبارهای قابل ساخت: ۲۲۰۰۰ متر مربع، عمق پای اسکله ها: ۶ متر، تعداد اسکله ها: ۱۲ پست، طول اسکله ها: ۱۶۸۴ متر، همچنین واقع شدن بندر در محدوده منطقه آزاد، و فراهم نمودن تسهیلات و امکانات ویژه برای صاحبان کالا، تجار و سرمایه گذاران، نزدیکی به فرودگاه بین المللی (۳۵ کیلومتر واقع شدن بندر در محدوده منطقه آزاد، و فراهم نمودن تسهیلات و امکانات ویژه برای صاحبان کالا، تجار و سرمایه گذاران، نزدیکی به بزرگترین ذخایر نفت و گاز دریای خزر (حوزه نفتی میرزا کوچک خان) از جمله ویژگی های فوق العاده این بندر است.

عکس: گیلان فردا

■ استان گیلان به لحاظ ترانزیتی هم موقعیت ممتازی دارد.

دقیقا، چون بندر انزلی دروازه خروج کریدور شمال - جنوب از کشور، دروازه خروج کریدور ترانزیتی از کشور، دروازه خروج خودروهای ترانزیت کشورهای آسیای میانه از مبداندر شهید رجایی، شهید باهنر، بندرلنگه است و بندر انزلی دروازه ترانزیت پنبه کشورهای آسیای میانه، دروازه ترانزیت غلات آسیای میانه، دروازه ترانزیت سوخت کشورهای حوزه خزر و دروازه سوآپ سوخت کشورهای حوزه خزر هم به شمار می رود.

■ بندر آستارا ویژگی ها و مزایایی دارد؟

وجود زیر ساخت و رو ساخت های بندری و دریایی، نزدیکی با استان های اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی و استان زنجان میتواند یک مرکز توزیع مناسب جهت کالاهای وارداتی باشد، ارتباط خشکی این بندر از طریق راه، راه آهن و خطوط لوله که در آینده به منظور انتقال فرآورده های نفتی احداث خواهد شد، وجود مزیت نسبی جهت مشارکت بخش خصوصی در عرصه تجارت و بازرگانی فی مابین کشورهای حاشیه شمالی دریای خزر، امکان رونق فعالیت های ترانزیتی در زمینه مواد سوختی با توجه به وجود ذخایر نفتی موجود در حوزه دریای خزر، ایجاد شبکه جدید حمل و نقل بین المللی و ترانزیت کالا، ایجاد زنجیره جدید لجستیکی در شبکه حمل و نقل، کاهش قیمت تمام شده کالا با توجه به کوتاهی مسافت دریایی و زمینی.

■ احداث بندر کاسپین در چه وضعیتی است؟

طرح احداث بندر عظیم و مدرن از نسل سوم بندر، بنام بندر کاسپین در محدوده منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی با ظرفیت ۲۰ میلیون تن در سال خود یک ظرفیت مهم و جدید است. البته فاز نخست این بندر با ظرفیت ۳ میلیون تن کالا در سال و ۲ پست اسکله، تا سال ۹۵ به بهره برداری می رسد. همچنین کلیه موج شکن های لازم هم احداث شده است.

■ جمهوری آذربایجان در این مراودات چه نقشی دارد؟

احداث پل کامیونرویی جدید در مجاورت پل فعلی آستارا با عنایت به توافقات به عمل آمده بین ایران و جمهوری آذربایجان اتفاق افتاده و همچنین احداث پل راه آهن و سواره رو در مجاورت میل مرزی ۱۴۲ آستارا با توافقات به عمل آمده بین ایران و جمهوری آذربایجان است.

وجود پایانه مرزی جاده ای در شهر آستارا جهت صادرات و واردات و ترانزیت کالا به کشورهای آسیای میانه از طریق جمهوری آذربایجان، چهار پایانه عمومی بار و ۹ پایانه عمومی مسافر از دیگر ظرفیت های این بندر است، به طوریکه مرز آستارا به لحاظ صادرات



و واردات کالا در بین مرزهای جاده ای کشور جزو مرزهای فعال و پر تردد بوده و همواره مقام دوم یا سوم را در بین ۲۴ مرز جاده ای فعال داشته است.

وجود محور های مواصلاتی دیرینه جاده ای، دریایی، و در حال ارتقاء به مسیر ریلی، با توجه به چشم انداز روشن پیوستن جمهوری آذربایجان به اتحادیه اروپا و کسب مقام اول در تجارت چمدانی بین استان های کشور از دیگر ظرفیت های استان گیلان است.

■ حالا که به این همه مزیت در گیلان اشاره کردید لطفا بفرمایید در برنامه ششم توسعه برای تبدیل استان گیلان به بهترین هاب کشور چه تدابیری اندیشیده شده و چه پیشنهادهای مطرح است؟

احکام پیشنهادی لایحه برنامه ششم توسعه کشور در خصوص تبدیل استان گیلان به برترین هاب شمال کشور در اسناد راهبردی و یا در برنامه اجرایی وزارتخانه به عنوان حلقه پیشبرنده ارایه شده که با توجه به ماده و تبصره مرتبط به صورت تیترواری می توان این طور عنوان کرد:

● دولت موظف است، به منظور اعمال مدیریت یکپارچه و هماهنگ با محوریت استانی واحد، و هم افزایی در عرصه تعاملات خارجی بین استان های کشور، «نظام مدیریت

یکپارچه توسعه روابط با کشورهای همجوار و غیر همجوار هدف» را تدوین و اجرا نماید. - تبصره ۱: وزارت کشور موظف است با توجه به معیارهایی نظیر اهمیت و وزن مبادی ورودی و خروجی با کشورهای همجوار، قدمت و قرابت تاریخی مراودات و تعاملات خارجی، استقرار و حضور کنسولگری ها، مقبولیت و پذیرش از طرف مقاصد هدف خارجی، وجود محورهای مواصلاتی و ارتباطی گسترده و حمل و نقل چند وجهی و ... استان های معین متعامل با مقاصد و کشورهای هدف را مشخص و به تصویب هیات وزیران برساند.

- تبصره ۲: به منظور طراحی ساختار و تدوین برنامه عملیاتی، آیین نامه اجرایی این ماده، توسط وزارت کشور، ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ تصویب قانون برنامه، با همکاری وزارتخانه های صنعت، معدن و تجارت و امور خارجه و همچنین سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران برسد.

- تبصره ۳: به منظور هماهنگی بین استان های متعامل با مقاصد و کشورهای هدف واحد، و اجرایی نمودن برنامه های مشترک در نظام مدیریت یکپارچه، «کارگروه مشترک توسعه روابط خارجی بین استان های متعامل» تشکیل می گردد. وزارت کشور موظف است دستورالعمل تشکیل این کارگروه را در آیین نامه موضوع تبصره ۲ ماده جاری، لحاظ نماید.

● به منظور استفاده از ظرفیت های تجاری، ترانزیتی و حمل و نقل استان گیلان، با توجه به برخورداری استان از مزیت های کریدورهای حمل و نقل بین المللی، بندر متری و در حال توسعه، سیلوها و سردخانه های متعدد، خطوط مواصلاتی ریلی، جاده ای، دریایی و هوایی، نزدیکی به قطب های اقتصادی داخلی و خارجی، وجود مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، و ... این استان، به عنوان بزرگترین هاب تجاری، لجستیکی و ترانزیتی شمال کشور معرفی و تعیین میشود.

- تبصره ۱: دولت موظف است با مشارکت سرمایه گذاران خصوصی، زیرساخت های تکمیلی و فعالیت های مولد مرتبط با توسعه هاب تجاری، لجستیکی و ترانزیتی استان را ایجاد و به بهره برداری برساند.

- تبصره ۲: آیین نامه اجرایی این ماده ظرف مدت ۳ ماه، توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت، با همکاری وزارت راه و شهرسازی، وزارت امور خارجه، دبیرخانه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات دولت می رسد. - تبصره ۳: در آیین نامه موضوع تبصره ۲، وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است

آمایش لجستیکی استان را تهیه نماید، به گونه ای که محور رشت-انزلی به عنوان هاب تجاری، شهرستان بندر انزلی، به عنوان هاب لجستیکی، و محور سروان-آستارا بعنوان هاب ترانزیتی، مد نظر قرار گیرد.

● به منظور تامین و انبارش مواد اولیه، کالاهای واسطه و نهایی، ایجاد و توسعه خدمات ارزش افزوده، و توسعه مبادلات تجاری در گستره ملی و فراملی، پارک های لجستیکی دارای زیرساخت های لازم در استان های هدف، با توجه به معیارهایی نظیر: موقعیت ژئوپلتیک، ژئواستراتژیک و ژئوآکونومیک استان، برخورداری از شبکه های وسیع حمل و نقل ریلی، جاده های هوایی و دریایی، به صورت ترکیبی و چند وجهی، وجود مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، برخورداری از پست های اسکله، باراندازها و انبارها و سیلوهای گسترده و مدرن، و همچنین برخورداری از ظرفیت لجستیکی سوخت و انرژی های مورد نیاز، ایجاد و به بهره برداری می رسد.

- تبصره ۱: آیین نامه اجرایی تشکیل پارک های لجستیکی توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت، و با همکاری وزارت راه و شهرسازی، وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی، دبیرخانه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران می رسد.

● به منظور ایجاد تسهیلات و شرایط لازم در راستای گسترش زیر ساخت های بندری و توسعه حمل و نقل دریایی کشور، دولت موظف است، بستر و زمینه های لازم جهت احداث بنادر خصوصی در سواحل شمالی و جنوبی کشور، توسط سرمایه گذاران کشورهای همجوار و دارای مرز آبی را فراهم سازد، به گونه ای که در مقابل این امکان نیز، برای سرمایه گذاران داخلی، جهت ساخت بنادر خصوصی در سواحل کشورهای همجوار فراهم گردد.

- تبصره ۲: آیین نامه اجرایی این ماده توسط وزارت راه و شهرسازی، با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت خارجه، وزارت کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی تهیه و بتصویب هیات دولت می رسد.

ماده ... : به منظور تولید، تامین، ذخیره سازی و توزیع سوخت و حامل های انرژی در گستره ملی و علی الخصوص فراملی، دولت موظف است هاب لجستیکی انرژی با زیرساخت های لازم در استان ها را با در نظر گرفتن معیارهایی نظیر پدافند غیر عامل، دسترسی به ظرفیت های بالفعل و بالقوه تولید و ذخیره سازی سوخت و حامل های انرژی، وجود زیرساخت ها و شبکه های مناسب جهت حمل و نقل و انتقال، وجود سایت های پشتیبان و لجستیکی، برخورداری از مرزهای مشترک آبی، خاکی، و با مشارکت سرمایه گذاران بخش خصوصی، ایجاد و به بهره برداری برساند.

- تبصره ۳: آیین نامه ایجاد هاب های لجستیکی انرژی ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ تصویب قانون برنامه، توسط وزارت نفت، با همکاری وزارت نیرو، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت راه و شهرسازی، وزارت خارجه، وزارت کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی تهیه و به تصویب هیات دولت می رسد.

شناسایی و معرفی فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری



ماهنامه گیلان فردا - سالن جدید مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی استان گیلان با حضور استاندار، مدیرکل امور اقتصادی و دارایی، نمایندگان تام‌الاختیار و مدیران کل استانی همزمان با دهه فجر افتتاح شد.

مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی استان گیلان با رویکرد ایجاد وحدت رویه، هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و تسهیل‌گری در صدور مجوزها، رفع موانع کسب و کار، تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاری در استان بر اساس ۴۰ برنامه‌ی راهبردی ابلاغی استاندار گیلان فعالیت می‌کند. رییس این مرکز استاندار و نایب رییس آن مدیر کل امور اقتصادی و دارایی گیلان است و در این مرکز نمایندگان تام‌الاختیار دستگاه‌های اجرایی مستقر هستند. پذیرش متقاضیان خارجی سرمایه‌گذاری در استان، شناسایی سرمایه‌گذاران ملی و استانی، اطلاع‌رسانی و ارائه‌ی مشورت‌های لازم به سرمایه‌گذاران برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌های استانی، بازدیدهای مستمر از پروژه‌های سرمایه‌گذاری، شناسایی و معرفی فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف استان و تبدیل آن به بسته‌ها و پکیج‌های آماده‌ی سرمایه‌گذاری، برقراری تعاملات لازم با صاحبان نظران، پژوهشگران و دانشگاهیان برای تدوین برنامه‌های عملیاتی و جلب و جذب سرمایه‌گذار برای ورود سرمایه‌های خارجی به استان گیلان از اهداف و برنامه‌های این مرکز است. همزمان با افتتاح سالن جدید مرکز خدمات سرمایه‌گذاری استان گیلان، ۱۱ نرم‌افزار جدید ارائه‌ی خدمات الکترونیک سرمایه‌گذاری خارجی نیز در آن ارائه و فعال شده است. با امید به اینکه شاهد سرمایه‌گذاری‌های مفید و اشتغالزای در استان باشیم، در ادامه گزیده‌هایی از مطالب سخنرانان در جلسات اخیر را می‌خوانید:

رشیدی، کارشناس مسوول نظارت
بر دفاتر خدمات مسافرتی راهنمایان گردشگری گیلان:

احیای فرهنگ سنتی با فن تفسیر برای توسعه اکوتوریسم گیلان



- با توجه به پتانسیل‌های طبیعی استان گیلان زمینه‌های بسیاری برای توسعه اکوتوریسم وجود دارد که بایستی به آنها توجه شود. اکوتوریسم یکی از شاخه‌های مهم گردشگری است که رابطه‌ی موثر با توریسم فرهنگی و روستایی دارد.

- در اکوتوریسم دو ویژگی بسیار مهم است یکی حفاظت از طبیعت و دومی توسعه‌ی جوامع محلی به نحوی که همه‌ی افراد این جامعه از آن سود لازم را ببرند.

- اکوتوریسم، صنعتی پاک است و توسعه آن به غنای میراث فرهنگی و میراث معنوی جامعه کمک می‌کند. چون حفاظت از منابع طبیعی و عوامل زیست محیطی در اکوتوریسم بسیار مهم است. در استان گیلان با این همه پتانسیل و ظرفیت بالقوه می‌توان فرصت‌های سرمایه‌گذاری خرد و کلان را در این بخش شاهد بود.

- اکوتوریسم شامل «کولور» یا اقامتگاه بوم‌گردی و تورگردانی است. یک اقامتگاه بوم‌گردی فرهنگ و طبیعت منطقه را به همگان نشان می‌دهد

- چون روستاها از نظر زیرساخت توریستی فقیر هستند مطالعه‌ی در زمینه‌ی نیازهای اولیه روستا ضروری است تا پیش از اجرای طرح مشکلات موجود با همکاری بخش‌های دولتی و نهادهای مردمی برطرف شده و جاذبه‌های پیش‌بینی شده در تورگردانی روستا بیشتر خود را نشان دهد.

- تورهای بوم‌گردی از مزایای روستاهای گیلان هستند. در این تورها می‌شود از غذاهای سنتی، لباس‌های محلی، آداب و رسوم و... جوامع محلی با گردشگران صحبت و آنها را بیش از پیش با جوامع محلی آشنا و علاقمند کرد.

قره‌خانی، مدیر عامل اتحادیه
تعاونی‌های کشاورزی صنعت دامپروری استان:

گیلان استانی مساعد و مناسب برای توسعه صنعت دامپروری



- گیلان می‌تواند استانی پیشرو در صنعت دامپروری باشد. چون اکنون ۲۵۰ هزار تن گوشت قرمز و ۳۰۰ هزار تن شیر در استان تولید می‌شود که قابل افزایش است. حتی به دلیل همجواری با استان‌های اردبیل و قزوین می‌تواند محصولات دامی این استانها را نیز تامین کند. اما متأسفانه استان هم‌اکنون محصولات دامی دیگر استان‌ها را نیز وارد می‌کند که این به صلاح صنعت دامپروری گیلان نیست.

- شش ماه از سال زمین‌های کشاورزی استان گیلان رها می‌شود، اگر از این زمین‌ها برای کشت پونجه و شبدر استفاده شود علفه‌ی مورد نیاز دام‌ها تامین شده، در حاصلخیزی خاک برای کشت دوباره‌ی برنج نیز موثر است.

- در صنعت دامپروری می‌توان از پسماندهای کشاورزی نیز بهره برد و با کاشت علفه در زمین‌های حاصلخیز گیلان و سرمایه‌گذاری در این زمینه ضمن کم کردن هزینه‌های تولید محصولات دامی، سودآوری بخش کشاورزی را افزایش داد. در واقع سودآوری در بخش دامپروری در استان گیلان تضمین شده است.

- مدیران عامل بانک‌ها با سرمایه‌گذاران و فعالان بخش دامپروری در گیلان تعامل بیشتری داشته باشند، صنعت دامپروری استقلال اقتصادی کشور را رقم خواهد زد. سرمایه‌گذار باید احساس امنیت کند تا در این صنعت وارد شود و مسوولان ما باید این تضمین و شرایط را برای سرمایه‌گذار فراهم کنند.

- در بودجه‌ی سال ۱۳۹۴ رقم قابل توجهی برای صنعت دامپروری لحاظ نشده بود که امیدواریم در بودجه‌ی سال ۱۳۹۵ به این مقوله‌ی مهم بیش از پیش توجه شود و جلوی ضرر و زیان در این زمینه گرفته شود.

پنداشته، عضو هیات علمی دانشگاه:

کشورهای خاورمیانه طرفداران استفاده از روش نمک زدایی در تصفیه آب



- ایده‌ی اولیه‌ی تشکیل بازار پول، سرمایه و بانک ها، حفظ و نگهداری نقدینگی مردم بود، اما بانک ها کم کم به سپرده‌های جمع‌آوری شده‌ی مردم بهره پرداخت کردند و از محل این سپرده‌ها به شرکت ها وام و تسهیلات ارائه دادند و از آنها بهره دریافت کردند. ضعف این نوع بازار زمانی مشخص شد که با بروز بحران های اجتماعی و سیاسی مردم برای دریافت سپرده‌های خود به بانک ها هجوم می‌آوردند و بانک ها هم به دلیل ناتوانی در ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا در چنین مواقع بحرانی مجبور شدند بازار سرمایه را تشکیل دهند.

- در بازار سرمایه، پس‌انداز افراد به جای اینکه به بازار کالا سرازیر شود و تورم ایجاد کند با خرید سهام شرکت ها به سوی شرکت های مختلف تجاری و تولیدی سرازیر شده و سبب می‌شود تا با تامین منابع مالی این شرکت ها حرکت به سمت افزایش تولید باشد و امروزه همه‌ی موسسات و شرکت های بزرگ برای برخورداری از مزایای پذیرش در بورس در تلاش هستند.

- بازار سرمایه بدون اینکه لطمه‌ی برای شغل اصلی هر فرد ایجاد کند، می‌تواند به عنوان شغل دوم وی با بازدهی مناسب مد نظر افراد قرار گیرد.

- در این بازار هیچ منعی از نظر میزان سرمایه وجود ندارد و سرمایه‌گذار با هر مبلغ هرچند اندک می‌تواند در این بازار به صورت کوتاه‌مدت، میان مدت و درازمدت سرمایه‌گذاری کند.

خداوردی، کارگزار بانک توسعه صادرات گیلان:

جذب سرمایه‌گذار و نقدینگی های خرد و کلان مهم ترین وظیفه‌ی بازار پول و سرمایه است



- ایده‌ی اولیه‌ی تشکیل بازار پول، سرمایه و بانک ها، حفظ و نگهداری نقدینگی مردم بود، اما بانک ها کم کم به سپرده‌های جمع‌آوری شده‌ی مردم بهره پرداخت کردند و از محل این سپرده‌ها به شرکت ها وام و تسهیلات ارائه دادند و از آنها بهره دریافت کردند. ضعف این نوع بازار زمانی مشخص شد که با بروز بحران های اجتماعی و سیاسی مردم برای دریافت سپرده‌های خود به بانک ها هجوم می‌آوردند و بانک ها هم به دلیل ناتوانی در ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا در چنین مواقع بحرانی مجبور شدند بازار سرمایه را تشکیل دهند.

- در بازار سرمایه، پس‌انداز افراد به جای اینکه به بازار کالا سرازیر شود و تورم ایجاد کند با خرید سهام شرکت ها به سوی شرکت های مختلف تجاری و تولیدی سرازیر شده و سبب می‌شود تا با تامین منابع مالی این شرکت ها حرکت به سمت افزایش تولید باشد و امروزه همه‌ی موسسات و شرکت های بزرگ برای برخورداری از مزایای پذیرش در بورس در تلاش هستند.

- بازار سرمایه بدون اینکه لطمه‌ی برای شغل اصلی هر فرد ایجاد کند، می‌تواند به عنوان شغل دوم وی با بازدهی مناسب مد نظر افراد قرار گیرد.

- در این بازار هیچ منعی از نظر میزان سرمایه وجود ندارد و سرمایه‌گذار با هر مبلغ هرچند اندک می‌تواند در این بازار به صورت کوتاه‌مدت، میان مدت و درازمدت سرمایه‌گذاری کند.

یوسفی، مشاور ارشد تامین مالی سد لاسک و راه های نیمه تمام گیلان:

گیلان از ظرفیت تامین سرمایه با فاینانس داخلی و روش های اجرایی آن بر اساس ماده‌ی ۵۶ الحاقی بیشتر استفاده کند



گیلان از ظرفیت تامین سرمایه با فاینانس داخلی و روش های اجرایی آن بر اساس ماده‌ی ۵۶ الحاقی بیشتر استفاده کند

- در واکاوی پروژه‌ها از جمله پروژه‌های گیلان می‌توان دریافت به روز رسانی آنها خیلی کند انجام می‌گیرد و این درخواست وجود دارد که تمهیداتی اندیشیده شود تا مطالعات آن به روز گردد تا محدودیت‌های قانونی، اجرای این پروژه‌ها را دچار چالش نکند.

- پروژه‌هایی که مثلاً در سال ۱۳۹۲ مطالعه شده به دلایل مختلف از جمله نداشتن هزینه‌های مشخص برای طرح، در زمینه‌ی اجرا دچار چالش شده است. البته بایستی قبول کنیم که استفاده از ماده‌ی ۵۶ الحاقی راه جدیدی است که باید با همکاری و همکاری پیگیری شود تا از این ظرفیت که در قانون پیش بینی شده سرمایه‌گذاران استفاده ی بهتری ببرند.

- لازم است با همکاری بخش های مالی، اقتصادی و فنی در پروژه‌های گیلان طرح ارزیابی خرید زمین ها هم که جزو برنامه‌های اجرایی شده است را مد نظر قرار دهیم و از ظرفیت اجرایی شرکت های بومی پیمانکاری استفاده کنیم تا از نیروها و امکانات بومی استان در جهت حل موضوع بهره‌برده باشیم و سرمایه برای اجرای پروژه‌های نیمه تمام زودتر جذب شود که این می‌تواند راهکاری خوب و مطلوب با تامین مالی به وسیله‌ی بخش خصوصی باشد.

- اکنون ظرفیت اصلی استفاده از ماده‌ی ۵۶ برای اجرای پروژه‌های نیمه تمام استفاده می‌شود و ما هم عزم خود را جزم کرده‌ایم تا به عنوان استان پایلوت از ظرفیت گروه در یک بازه‌ی زمانی کوتاه استفاده کنیم.

- سد مخزنی لاسک و تاسیسات جانبی از مجموعه پروژه‌هایی است که در استان گیلان از فاینانس داخلی ماده‌ی ۵۶ استفاده می‌کند و برای تامین آب شرب و کشاورزی روستاهای اطراف و تامین انرژی برق آبی استفاده می‌شود. ویژگی‌های مالی پروژه ۲۳۱ میلیارد تومان است که ۸۵ درصد توسط بخش خصوصی و ۱۵ درصد از طریق کارفرما تامین می‌شود و مدت اجرا هم ۴۸ ماهه است

قاسمی، مدیر عامل تامین سرمایه بانک ملت:

ضرورت استفاده از بازار مالی در توسعه اقتصادی استان های شمالی



- تا دهه‌ی ۷۰ تامین مالی کشور تنها بانک‌محور بود و با تسهیلات بانکی صورت می‌گرفت اما از سال ۱۳۸۲ بازار سرمایه‌گذاری با ابزارهای مالی گسترده شد. اما هنوز نقش بازارهای مالی در توسعه اقتصادی سه استان شمالی کشور کمتر از شیوه‌های استفاده شده در دیگر استان ها است و گیلان، مازندران و گلستان کمتر از آن استفاده می‌کنند. اما اگر بتوانیم از بازار سرمایه بیشتر استفاده کنیم واحدهای تولیدی و صنعتی شکوفا می‌شوند.

- هم اکنون ۹ شرکت تامین سرمایه در کشور فعالیت می‌کنند و شرکت تامین سرمایه بانک ملت به عنوان سومین شرکت تامین سرمایه ای کشور و اولین شرکت سرمایه ای وابسته به یک بانک فعالیت می‌کند.

- این اوراق از مالیات معاف هستند، معاملات ثانویه‌ی آنها در بورس انجام می‌شود و زمان سررسید نیز به میزان انتشار و دوره‌ی انتشار آن بستگی دارد.

- یکی از مشکلات برای سرمایه‌گذاران این است که وقتی طرح افزایش ظرفیت یا طرح جدیدی را دارند، از زمانی که طرح شروع می‌شود، به آن طرح از سیستم بانکی تسهیلات می‌دهیم، وقتی به نقطه‌ی ۹۰ درصد می‌رسد، سیستم بانکی دیگر منابع خود را تخصیص داده، اما فرد سرمایه‌گذار دیگر منابع مالی ندارد ولی برای اجرای مرحله اول افزایش ظرفیت، سرمایه در گردش می‌خواهد. در این حالت مطالبات معوق می‌شود و سرمایه‌گذار باید با تولید خداحافظی کند. اما استفاده از ابزارهای تامین مالی این فرصت و امکان را به سرمایه‌گذار می‌دهد که با اطمینان بیشتر کارش را دنبال نماید.

نوغانداری، فعالیتی جانبی و اقتصادی در سبد شغلی کشاورزان با توجه خانوادگی

نوغانداری سبب ایجاد جاذبه های درآمدی، استمرار اشتغال در فصول بیکاری روستائیان عزیز، تأمین هزینه های سایر مشاغل کشاورزی از محل فروش پیله در مقطعی که انتظار درآمدی ندارند، تأمین مواد اولیه برای کارگاهها و واحدهای صنعتی و سنتی پیله خشک کنی، ابریشم کشی، رنگرزی، صمغ گیری، قالی بافی، پوشاک، تأمین مواد اولیه صنایع آرایشی، بهداشتی و دارویی، رونق گردشگری کشاورزی و سایر مشاغل خواهد شد که نقشی بی بدیل در گسترش فرهنگ اقتصاد مقاومتی دارد.

مرکز توسعه نوغانداری کشور که براساس مصوبه هیئت محترم وزیران در سال ۱۳۹۳ به عنوان متولی نوغانداری از امکانات، دارایی ها و نیروی انسانی شرکت ابریشم ایران (در حال واگذاری) در زیرمجموعه معاونت امور تولیدات دامی وزارت جهاد کشاورزی تأسیس و راه اندازی شده است و دفتر مرکزی آن نیز در استان گیلان قرار دارد، مصمم است براساس شرح وظایف حاکمیتی، نظارتی و توسعه ای، به نوغانداری از دریچه اقتصادی، نگاهی متفاوت داشته باشد تا از این منظر، زمینه را برای ترغیب و تشویق نوغانداران و علاقه مندان در قالب زنجیره ارزش در صنعت نوغانداری (کشاورزی، صنعت و خدمات بازرگانی) فراهم آورد.

استان های گیلان، خراسان رضوی، گلستان، مازندران، خراسان شمالی، خراسان جنوبی و آذربایجان شرقی از مهمترین مناطق پرورش کرم ابریشم در ایران هستند که در حال حاضر بیش از ۹۵ درصد تولید را به خود اختصاص داده اند. در بین این استان ها، استان گیلان که همواره، نیمی از پرورش کرم ابریشم ایران را در اختیار داشته، نیازمند توجه و نگاه ویژه است. چرا که، به دلیل وجود بیش از ۸۰۰۰ خانوار نوغاندار در روستاهای متعدد علی الخصوص در لنگرود، شفت، لاهیجان، صومعه سرا، فومن، آستانه اشرفیه، بندرانزلی و سایر مناطق سرزمین گیلان، وجود حدود ۶۰۰۰ هکتار توتستان و سایر امکانات موجود قابلیت حفظ، احیاء و توسعه نوغانداری را دارد. ضمن اینکه به سبب تمرکز عرصه ها و امکانات تولید نهال و تولید تخم نوغان مورد نیاز نوغانداران سراسر کشور به همراه کارگاه های پیله خشک کنی، مجتمع ملی آموزشی و ترویجی نوغانداری در این استان از دیرباز، گیلان را به مرکز و پایگاه مهم تولید و توزیع نهاده های مرتبط با نوغانداری و توانمند سازی تبدیل کرده است.

بنابراین، از تمامی دستگاه های اجرایی دولتی مرتبط در استان گیلان انتظار دارد با مشارکت همه جانبه و تأمین منابع مورد نیاز حوزه نوغانداری و صنایع جانبی ابریشم، زمینه ترویج بیشتر و همگانی تر پرورش کرم ابریشم را با همراهی تشکل های مردم نهاد به منظور ترغیب نوغانداران و علاقه مندان برای احیاء و توسعه دوباره نوغانداری در استان فراهم آورند.



نوغانداری سبب ایجاد جاذبه های درآمدی، استمرار اشتغال در فصول بیکاری روستائیان عزیز، تأمین هزینه های سایر مشاغل کشاورزی از محل فروش پیله در مقطعی که انتظار درآمدی ندارند، تأمین مواد اولیه برای کارگاهها و واحدهای صنعتی و سنتی پیله خشک کنی، ابریشم کشی، رنگرزی، صمغ گیری، قالی بافی، پوشاک، تأمین مواد اولیه صنایع آرایشی، بهداشتی و دارویی، رونق گردشگری کشاورزی و سایر مشاغل خواهد شد که نقشی بی بدیل در گسترش فرهنگ اقتصاد مقاومتی دارد.



با وجود ناملايمات بسياري که نوغانداری و صنایع جانبی ابریشم در طول سالیان گذشته به خود دیده و باعث از دست رفتن فرصت های زیادی نیز، در این حوزه شده است، اما فعالیت نوغانداری به سبب مزیت های نسبی فراوان، همچنان در سبد شغلی برخی از کشاورزان و روستائیان به ویژه در مناطق روستایی قرار دارد. به نحوی که، در سال ۱۳۹۴، نوغانداران پرتلاش ایرانی در ۱۶ استان کشور به پرورش کرم ابریشم پرداخته اند. نوغانداری، از جمله مشاغل مکمل و جانبی بخش کشاورزی بوده که همزیستی و همگرایی ویژه ای با سایر مشاغل دارد و در قالب کشاورزی ترکیبی، بدون ایجاد هر گونه مزاحمتی، زمینه را برای بهبود معیشت خانوارهای روستایی و عشایری با رویکرد کشاورزی چند کارکردی فراهم تر می کند.

چند عامل مهم و موثر، همواره نوغانداری را از سایر مشاغل کشاورزی متمایز می کند و در صورت تقویت دیدگاههای حمایتی بخش دولتی، می تواند بستر لازم و مطمئن را برای احیای نوغانداری در کشور ایجاد نماید. از جمله این عوامل می توان به فاصله زمانی کوتاه پرورش کرم ابریشم تا تولید پیله که حدود ۴۵ روز طول می کشد و با در نظر داشتن توتستان های موجود به سرمایه گذاری بالایی هم نیاز ندارد، اشاره کرد. چرا که، با کاشت نهال های توت اصلاح شده در عمده مناطق مختلف کشور به منظور تأمین غذای مورد نیاز کرم ابریشم، امکان برداشت برگ توت برای بیش از ۲۵ سال وجود خواهد داشت. بعلاوه، افزایش روزافزون مصرف فرآورده های ابریشمی به دلیل روند افزایش جمعیت جهان و کیفیت مناسب ابریشم ایرانی، سبب شده است تا به رغم اعلام قیمت تضمینی

سالیانه پیله تر ابریشم توسط دولت محترم، تمامی پیله تر ابریشم در سالهای اخیر توسط بخش غیردولتی با قیمت توافقی و بالاتر از قیمت تضمینی خریداری شود. به گونه ای که در سال ۱۳۹۴ حدود ۹۰۰ تن پیله تر ابریشم تولیدی کشور به سبب وجود کشش در بازار، تماماً توسط بخش غیر دولتی به صورت نقدی و با متوسط قیمت ۲۰۰،۰۰۰ ریال به ازای هر کیلوگرم در کشور خریداری شده و هیچگونه بار مالی را هم برای دولت ایجاد نکرده است. در حالی که قیمت تضمینی پیله تر ابریشم در سال ۱۳۹۴ معادل ۱۵۱،۰۰۰ ریال بوده است.

از آنجایی که در نوغانداری، امکان مشارکت همه اعضای خانواده اعم از کودکان، جوانان و کهنسالان وجود دارد و زنان سهم ۶۰ درصدی اشتغال در این حوزه فعالیت را به خود اختصاص می دهند لذا، می بایست این شغل جانبی را شغلی با توجه خانوادگی نامگذاری کرد که همزمان با رشد تکنولوژی و ایجاد برخی مسائل اجتماعی، می تواند در تقویت بنیان های خانواده علی الخصوص در مراسم و جشن های «پیله و اچینی» نقشی موثر ایفاء نماید. در عین حال، رونق

برای رسیدن به توسعه احتیاج به نهاد سازی و احیای ساختارهای موجود داریم

ضرورت ایجاد تغییرات ساختاری برای اجرای بهتر برنامه های توسعه

سازماندهی، سیستمها و روشها و قوانین و مقررات «تاکید کرد. بنابراین برنامه داشتیم ولی نهادهای موجود، آن ظرفیت را برای اجرای کامل برنامه نداشتند. برنامه تحول اداری و اصلاح ساختار نظام اداری نیز براساس همین مصوبه تنظیم شد تا مشکلات و نواقص نظام اداری ریشه یابی و آسیب شناسی شود.

■ آیا در عمل و در برنامه های بعدی توسعه به این توصیه ها توجه شد؟

این روند اصلاحی در برنامه های نظام اداری در طول برنامه دوم، سوم و چهارم ادامه داشته و اوج آن در برنامه چهارم بود که اصل مفصل و مشخصی داشتیم و براساس آن ۱۰ برنامه برای تحول نظام اداری تدوین شد. این روند در برنامه پنجم توسعه هم ادامه پیدا کرد ولی بازم شاهد این موضوع هستیم یعنی بطور مشخص و معین برنامه توسعه تدوین می کنیم و تحت عنوان سیاست ها و راهبردهای اجرایی آن را ابلاغ می کنیم اما در قالب ضوابط و آیین نامه اجرایی دستگاه های اجرایی که هنوز همان مشکلات قبل را دارند با همان ساختار ۲۰ سال گذشته چون برنامه های اصلاح تحول اداری به صورت عمیق انجام نشده است. ساختار اجرایی برنامه اگر مهندسی درست نداشته باشد نتایج و اهداف برنامه خوب به ثمر نمی رسد. البته با همین ساختار نیمه کاره بازم تعدادی از برنامه ها تحقق پیدا می کند. حال اگر ساختار درست و اصولی باشد برنامه با حداکثر کارکرد اجرایی خواهد شد.

■ الان که در حال تدوین برنامه ششم هستیم چقدر به اصلاح و مناسب سازی ساختار برای اجرای بهتر برنامه توسعه فکر شده است؟

مطمئناً سیاست ها و راهبردهای لازم در برنامه ششم در نظر گرفته می شود. اما اگر دستگاه های اجرایی با همان مدل سنتی بخواهند برنامه جدید را اجرایی کنند راندمان بالایی نخواهند داشت. یعنی این که اگر دستگاه های اجرایی موجود با همان شرح وظایف قبلی، پست های سازمانی قبلی و فرایندهای قبلی، برنامه را اجرا کنند یقیناً آن اثرگذاری لازم را ندارد. چه بسا گاه با بسیاری از دستگاه های اجرایی برخورد می کنیم که بعضی از کارشناسان چندین کار را همزمان می خواهند انجام دهند. یعنی کارهای جدیدی را می خواهند انجام دهند که با شرح وظایف و پست قانونی آنها هیچ هماهنگی ندارد. البته بجز ساختار موجود، روش های مدیریتی ما نیز همان روش های سنتی و قدیمی است. چون ساختارهای ما مرتفع و بلند است. بنابراین روش های مدیریتی ما نیز عامرانه و دستوری از بالا به پایین است. یعنی مدیریت مشارکت جو، پیشنهاد پذیر، مدیریت گروه محور و... در نظام مدیریتی فعلی دیده نمی شود و همین روند باعث می شود تعهد سازمانی کارکنان یا سازمان کاهش پیدا می کند. الان یکی از نشانه هایی که داریم کاهش یا پایین بودن نرخ امید به رشد و ارتقا در دستگاه اجرایی است. کارکنان دستگاه اجرایی امید و انتظار ندارند که بتوانند یک روز بالاترین مسئولیت اجرایی را در دستگاه خود بدست آورند. چون اساساً دستگاه اجرایی هیچ برنامه ای برای رشد و ارتقای کارکنانش ندارد و این نشان می دهد که سازمان تعهد لازم را برای رشد و ارتقای کارکنان خود نشان نمی دهد. در چنین شرایطی وقتی که کارکنان هیچ برنامه ای را از طرف سازمان نبینند به همان نسبت، میزان تعهدشان به سازمان هم کاهش می یابد. و این دسته عوامل باعث می شود که فساد و انحراف اداری زمینه بروز و ظهور داشته باشد. با بیان این چند نشانه می توانیم متوجه شویم که چقدر عوامل مختلف حتی کوچک در نظام و ساختار اداری بر هم اثرات مختلف داشته و باعث می شوند به آن خروجی و نتیجه ای که باید از یک واحد اداری به دست آوریم نرسیم.

■ پیشنهاد شما برای بهبود وضعیت در ساختار اداری چیست؟

چند اتفاق باید با هم پیش آید. مثلاً اول نوع نگرش و سیاستگذاری در امر برنامه ریزی از بالا به پایین تغییر بکند و رویکردها از پایین به بالا باشد. به عنوان نمونه الان لایحه برنامه ششم در حال تدوین است، حال ما برای اینکه در تدوین این برنامه جایگاه گیلان را ارتقا دهیم و نقش موثری داشته باشیم چه فعالیت یا برنامه ی مشخصی داشتیم؟ یعنی شاید لازم باشد انتظارات نخبگان و متخصصان در استان های مختلف، تحت مدیریت مشخص جمع بندی و سازمان بندی بشود و براساس یک اجماع نظر در برنامه ششم اثرش را برجای بگذارد. یعنی در استان های کشور که قرار است برنامه اجرا شود باید گفتگوهای واقعی نه تشریفاتی شکل بگیرد. عبارت دیگر باید نظام وساختاری باشد که این گفت و گوها را برنامه ریزی کرده و نتایج آن را براساس پیوند با سایر موضوعات به سمت بالا هدایت کند و در فرآیندی علمی تبدیل به یک برنامه شود. یعنی در حقیقت نهاد برنامه ریزی باید ساختار و کارکردش را مبتنی بر توسعه و افزایش مشارکت تنظیم بکند تا برنامه های جدید به کارکردهای واقعی برسد. روش فعلی در برنامه ریزی باید مورد بازنگری قرار گیرد، اگر مشکلات و مسائل توسعه حد اقل در استان از برنامه سوم تا پنجم را مرور کنیم متوجه می شویم که تعداد زیادی از این مشکلات هم چنان باقی مانده است که تدوین برنامه و اجرای آن توانسته به حل آنها بپردازد. این نشانه ای است تا بیندیشیم چگونه به روشی بهتر برای توسعه نائل شویم.

برنامه های توسعه باید درون زا باشد و براساس فرآیند مشارکت واقعی گردآوری شود. حفظ منابع موجود و رشد آنها باید از راهبردهای ضروری ما باشد و تلاش کنیم به سمت توسعه رقابتی حرکت کنیم. گیلان با توجه به داشته های خود باید امتیازات بیش از این در نقشه ملی توسعه بدست آورد و جایگاه ملی خود را در تمام ابعاد ارتقا دهد. نخبگان استان با تمام سلاقیق و دیدگاههای سیاسی باید در توسعه پایدار گیلان اجماع نظر و اجماع عمل داشته باشند. گیلان می تواند در سطح ملی الگوی توسعه ی مبتنی بر حفظ محیط زیست ارائه دهد. گیلان می تواند روستاها و شهرهای هماهنگ با محیط زیست و شهروندانی برخوردار از فرهنگ توسعه را به کشور معرفی کند.

عکس: گیلان فردا

ماهنامه گیلان فردا - سال ها در کشور حرف از توسعه می زنییم و برای رسیدن به توسعه برنامه هایی هم از سوی سیاستگذاران ارائه شده و می شود ولی چرا هنوز نتوانسته ایم مباحث توسعه را در عمل عینیت ببخشیم؟ البته طی نیم قرن اخیر تلاش هایی در این زمینه شده اما هنوز به کارکردهای صد درصدی برنامه های توسعه ای دست نیافته ایم. اگر سلاقیق شخصی در تعریف مفاهیم رشد و توسعه را کنار بگذاریم و در پی این باشیم که با وجود داشتن منابع سرشار در بخش های مختلف، با برنامه ریزی صحیح و علمی پیشرفت کنیم لازم است نیم نگاهی به رفتارها و فرآیندها داشته باشیم.

شاید ریشه بسیاری از مشکلات و کارکردهای ناقص مربوط به ویژگی رفتاری خود ما و نحوه فرآیندها و ساختارهای موجود باشد. در همین رابطه با آقای مسعود یحیی زاده، کارشناس برنامه ریزی با بیش از ۲۵ سال سابقه و دانشجوی دکتری برنامه ریزی روستایی گیلان گفت و گو کردم.

وی اعتقاد دارد با ساختارهای قدیمی نمی توان به هنگام اجرای برنامه های توسعه شاهد راندمان حداکثری بود.

■ آقای یحیی زاده نظر تان در مورد چگونگی اجرای برنامه های توسعه در کشور چیست؟ و چرا به طور کامل به چشم اندازهای هدف گذاری شده در برنامه های توسعه دست نمی یابیم؟

یکی از مشکلات این است که ساختارها و نهادهای ما همان شکل سابق و وضعیت قدیمی را دارند ولی می خواهیم برنامه جدید (توسعه) را پیاده کنیم.

مهمترین موضوع نوع نگرش و الگوی برنامه ریزی است. روش های نوین و جدیدی که در بعضی از کشورهای پیشرفته در بحث برنامه ریزی داریم بیشتر بر مدل برنامه ریزی از پایین به بالا یا برنامه ریزی مشارکتی دلالت دارد. این مدل دارای چند ویژگی است. یکی اینکه مداخله نخبگان و تشکل های موثر در برنامه ریزی به حداکثر خودش می رسد. و دیگر این که نهادها و تشکل های مردم نهاد تاثیر زیادی در تدوین و روند اجرای برنامه دارند. این رویکرد باعث می شود اعتماد مردم به برنامه ی توسعه افزایش پیدا کند، چون خودشان در تدوین برنامه مشارکت دارند نرخ مشارکت آنها نیز در اجرای برنامه افزایش و در نتیجه هزینه اجرای برنامه کاهش پیدا می کند. زیرا علاوه بر قدرت

نهادهای دولتی، توانمندی سایر نهادهای غیر دولتی در بخش اجرا، سرمایه گذاری و بخش نظارت هم به کمک دولت می آید. این روش بسیار موفق بوده و در برنامه ریزی هم اثرات مثبت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارد. چون پایه ها و ارکان نظام و ساختارهای سیاسی را محکم می کند. مطمئناً یک تشکل غیر دولتی که براساس قوانین جاری ایجاد می شود دارای مشخصات فنی و تخصصی است و بر اساس قوانین و وظایف، فرهنگ سازی می کند. مثلاً تشکل هایی در بخش محیط زیست، آسیب های اجتماعی، آموزش، خانواده و... جزء تشکل ها و کانون های مردمی موثر در بخش توسعه هستند. البته این روند طی سال ها تجربه ایجاد می شود تا ما به آرا و نظرات مردم انکا کنیم و وقتی مردم ببینند آرا و نظراتشان در توسعه کشورشان اثر دارد خودشان را ارتقا می دهند تا بهتر ظاهر شوند چون می دانند نتیجه نظرات و مشارکت شان به خودشان بر می گردد.

■ آیا در ایران چنین شرایطی داریم تا بتوانیم وضعیتی ایجاد کنیم که مردم در بحث های توسعه مشارکت داشته باشند؟

از نظر قانون بله، قانون اساسی این اجازه را می دهد مردم حداکثر مداخله را در تصمیم سازی و تصمیم گیری داشته باشند چون یکی از ویژگی های نظام علاوه بر اصل مشروعیت، اصل مقبولیت است. همچنین اصول مختلفی در قانون اساسی داریم که میزان مشارکت و مداخله مردم را در مدیریت جامعه و مشارکت در توسعه کشور فراهم می کند. مثلاً بر اساس اصل ۴۴ بخش خصوصی و تعاونی از ارکان اقتصادی کشور هستند. یعنی حوزه نفوذ مردم در اقتصاد فراهم است. و اگر بخواهیم به دیباچه قانون اساسی نگاه کنیم در بخش مربوط به شیوه حکومت در اسلام دقیقاً هدف از حکومت را رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی تعبیر کرده اند تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونه ای انسان فراهم شود. و همچنین در همین بخش قانون اساسی آمده این هدف جز با مشارکت فعال و گسترده تمام عناصر اجتماعی در روند تحول جامعه تحقق پیدا نمی کند. و اشاره شده که در تمام مراحل تصمیم گیری های سیاسی و سرنوشت ساز برای همه افراد جامعه فرصت مشارکت لازم فراهم شود تا در مسیر تکامل انسان، افراد خود

مسئول رشد و ارتقای جامعه باشند. با این قانون مترقی نگرانی نداریم که مردم، در کارها و تصمیم سازی ها اظهار نظر کرده و مشارکت داشته باشند. علاوه تشکل های مردم نهاد نیز یکی از بسترهای قانونی است که می تواند حضور و مشارکت مردم در عرصه های مختلف را توجیه و از آنها پشتیبانی کند. پس برای اینکه به توسعه برسیم احتیاج به نهاد سازی و احیای ساختارهای موجود داریم. ساختارها و تشکیلات چه در بخش دولتی و چه بخش غیر دولتی باید به گونه ای مورد تجدید نظر قرار بگیرند تا ظرفیت های لازم را برای توسعه و اجرای مسئولیت ها و مأموریت های برنامه های توسعه داشته باشند.

■ به نظر تان طی برنامه های توسعه ای سال های اخیر چقدر به این نکته مهم توجه شده است؟

بعد از انقلاب اسلامی از سال ۶۸ تا ۷۲ اولین برنامه توسعه کشور تنظیم و ابلاغ شد. تقریباً در پایان برنامه دوم توسعه یعنی در اردیبهشت ماه سال ۷۷ سازمان امور اداری و استخدامی وقت، مصوبه ای را در شورای عالی اداری کشور تنظیم و در آن به «متناسب کردن نظام مدیریت کشور با نیازهای برنامه های توسعه و فراهم کردن زمینه مشارکت کلیه دستگاه های اجرایی در اصلاح و بهسازی نظام اداری در ابعاد نیروی انسانی،



آیا کارکنان امید دارند یک روز بالاترین مقام اجرایی را در دستگاه خود به دست آورند؟

ضرورت تبدیل «کار آفرینی حسب ضرورت» به «کار آفرینی مبتنی بر تشخیص فرصت و نوآوری»



گیلان فردا - دکتر کیوان محمدی، رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان ضمن قدردانی از مدیران و کارشناسانی که با جدیت مباحث جلسات توسعه در سازمان مدیریت را دنبال می کنند، گفت: «برای اینکه کشور ما توسعه پیدا کند نیازمند برگزاری جلسات کارشناسی و دقیق هستیم. جلساتی که همچون کارگاه آموزشی از زوایای مختلف موضوعات مرتبط را بررسی کرده و موجب افزایش دانایی شود. و ما در جلسات توسعه سازمان مدیریت استان گیلان که از سوی اساتید و صاحب نظران ارایه می شود، به دنبال مخاطبانی هستیم که بتوانند طی برگزاری این جلسات در راستای رسیدن به توسعه پایدار، راه هایی را برای افزایش رفاه عمومی جامعه، بهبود محیط زیست، افزایش راندمان در بخش های کشاورزی و صنعت، بهره مندی از ظرفیت های گردشگری استان و ... ارایه نمایند.



دکتر شراره کاووسی، مدیر مرکز آموزش و پژوهش های توسعه و آینده نگری سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان نیز با اشاره به احیاء سازمان مدیریت در مرداد ماه، به تغییر سیاست های مرکز به سوی دیدگاه توسعه ای در بخش آموزش، پژوهش و آینده نگری اشاره کرد و گفت: جلسات توسعه با حضور اساتید گیلانی و کشوری و با هدف شناخت بیشتر عوامل تاثیرگذار در تحقق توسعه پایدار به طور ماهانه برگزار می شود و تاکنون هفت نشست در این خصوص در سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان برگزار شده است.

نشست پنجم: ظرفیت جذب و موضوع کار آفرینی دکتر حسن طایبی، مشاور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی:



- بسیاری از کشورهای در حال توسعه علیرغم برخورداری از درآمدهای ارزی و منابع تولیدی فراوان نتوانسته اند رشدی قابل توجه در مقایسه با متوسط جهانی داشته باشند.
- فقدان رشدی متناسب با منابع تولیدی که سالانه به اقتصاد این کشورها تزریق می شود، آنها را با پدیده استفاده نامطلوب از منابع در اختیار که به صورت تحولات بهره وری عوامل تولید متجلی می شود، مواجه ساخته است.
- امروزه اقتصادی را می توان خوب مدیریت شده نامید که از بالاترین سطوح بهره وری عوامل تولید برخوردار باشد. بهره وری خود مرهون نوآوری و رقابت پذیری بین افراد، بنگاه ها، فعالیت ها، بازار ملی و بین المللی است.
- سؤال اساسی که در اقتصاد ایران باید پاسخ داده شود این است که آیا با توجه میزان توسعه یافتگی زیرساخت های ارتباطی، اطلاعاتی و سخت افزاری از یک سو و زمینه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از سوی دیگر امیدی برای ورود به مرحله ای که بتواند منابع خویش را خوب مدیریت، رشدی پایدار را فراهم و ارتقاء استاندارد زندگی را برای جامعه خویش به ارمغان بیاورد، وجود دارد؟
- تعیین مرزی برای میزان رشد سرمایه گذاری ظرفیت جذب است که به وسیله تمامی عوامل تولید داخلی، صاحبان عوامل تولید، کارگزاران اقتصادی، ذینفعان در اقتصاد ملی، بازیگران اجتماعی فضای سرمایه گذاری و محیط کسب و کار تعیین می شود.
- هرچه نسبت افزایش نهادها به افزایش تولید پائین تر باشد، نشان دهنده وضعیت بهتر اقتصاد بوده، به طوری که با حجم کمتر عوامل تولید، تولید بیشتری بدست می آید و مقیاس بهره وری و رقابت پذیری اقتصاد مناسب تر خواهد بود.
- برای افزایش سطح تولید، اشتغال و به تبع آنها رفاه اجتماعی باید به بخش عرضه اقتصاد توجه کرد.
- گسترش بخش عرضه اقتصاد یعنی توجه به میزان تولید بنگاه های موجود و سطح تولید بالقوه بنگاه هایی که تاسیس می شوند.
- بنگاه ها نیز برای بقا خود نیازمند بهبود ظرفیت جذب از طریق بهبود فرایند یادگیری، نوآوری و به کارگیری تکنولوژی های جدید هستند.
- حرکت در چارچوب فرایندهای فوق منجر به کاهش چشمگیر هزینه ها و تحولات قابل توجه بهره وری و رقابت پذیری بنگاه ها در سطح اقتصاد ملی و جهانی خواهد شد.
- در صورت رفع موانع داخلی و خارجی، بنگاه های ما باید بتوانند با شرکت های قدرتمندی که از لحاظ مالی به اندازه تولید ناخالص ملی برخی کشورها فروش دارند و همچنین به لحاظ علمی و تکنولوژیک از بسیاری کشورها برترند، رقابت و هموردی کنند.
- این فضا در گام نخست مرهون فراهم کردن محیط مناسب کسب و کار است
- فضای مطلوب سرمایه گذاری، در گام نخست آماده کردن زیر ساخت های نوین ارتباطی و اطلاعاتی و نهادسازی های اجتماعی، اقتصادی توسط حکومت ها است. در گام دوم بهبود مهارت ها یا فراگیری پیوسته مهارت های مورد نیاز بازار کار و دانش های نوین توسط اعضای خانوارهاست. در گام سوم افزایش مهارت های سازمانی و مدیریت مشارکتی با کارکنان است.
- لازم است کارفرمایان در ایفای نقش ها و وظایف اجتماعی خود، با ارزش آفرینی و کارآفرینی زمینه ظهور و بروز خلق فرصت ها را به وجود بیاورند.
- کارآفرین فردی است که با تکیه بر نوآوری، تشخیص فرصت ها و پذیرش مخاطره، ارزش اقتصادی و اجتماعی جدیدی در سطح بنگاه، سازمان، بازار، جامعه و یا جهان ایجاد می کند.
- گزارشات در ایران حاکی از آن است که فعالیت های کارآفرینی در ایران نوآورانه و بر پایه تشخیص فرصت ها نبوده، بلکه حسب نتایج مطالعات GEM - گزارشات در ایران حاکی از آن است که فعالیت های کارآفرینی در ایران نوآورانه و بر پایه تشخیص فرصت ها نبوده، بلکه حسب ضرورت و گریز از بیکاری صورت می پذیرد.
- در ایران کسب و کارهای جدید ایجاد شده تفاوت چندانی با قدیمی ها از حیث بهره وری به عبارتی کارآفرینی، نوآوری و ایجاد ثروت ندارند و لذا قادر نیستند سهم چندانی در بهبود سرانه تولید ناخالص داخلی و سطح رفاه جامعه داشته باشند.

– دستیابی به اقتصاد دانش بنیان و مقاومتی بدون تغییر مدل کارآفرینی در ایران از به «کارآفرینی مبتنی بر تشخیص فرصت و نوآوری» «کارآفرینی حسب ضرورت» و همچنین کاهش فاصله فناوری و بهبود ظرفیت نوآوری بنگاه های اقتصادی در ایران از طریق ارتقاء «کارآفرینی سازمانی» امکان پذیر نیست.

– تلاش کنیم که به جای حمایت های صرف مالی از مدعیان کارآفرینی، قوانین و مقررات را صریح، باثبات، دارای حداکثر ضمانت اجرایی، پیش بینی پذیر و محیط کسب و کار را برای ظهور کارآفرینان بالقوه مساعد کنیم.

– اقتصاد را شفاف، رقابتی، غیر رانتی، سالم، بدون فساد، امن، دیوانسالاری را سهل و روان و چابک کرده، فرهنگ عمومی و جو اجتماعی را مناسب ظهور و فعالیت کارآفرینان کنیم.

نشست ششم، در جستجوی الگوی مناسب توسعه ملی و استانی

دکتر رضا رمضان خورشید دوست استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر:

– باید به فکر توسعه ملی باشیم. همه چیز را مصرف می کنیم ولی به همان اندازه نمی سازیم و تولید نمی کنیم.

– توسعه، مجموعه ای از اقدامات است که فزونی کمی و کیفی توانان ایجاد می کند و در مقابل آن رشد است.

– اگر فقط در کمیت پیشرفت کنیم، رشد اتفاق افتاده مثلا فقط اگر تعداد باسوادان افزایش یابد. ولی اگر این کار با کیفیت انجام شود یعنی با سواد خوب و کیفی داشته باشیم توسعه اتفاق افتاده است.

– وقتی توسعه در غرب اتفاق افتاد یعنی از زمان فتحعلیشاه و پس از آن احساس عقب ماندگی نسبت به دولت های دیگر در ایران رشد کرد.

– شکست های نظامی ایران و عثمانی، واردات قند و شکر و پارچه و اسلحه ... موجب شد تا با اعزام دانشجویان به خارج از کشور در بخش های نقاشی و پزشکی، توپخانه، قفل سازی، هیأت، صنایع (در زمان قاجار مقام) چاره اندیشی شود. ولی مقاومت ها و تنگ نظری ها باعث شد نتیجه مطلوب حاصل نشود.

– خفه کردن قاجار مقام در ۵۵ سالگی، رگ زدن امیر کبیر ۱۳ روز پس از افتتاح دارالفنون، وقفه در اعزام دانشجویان به خارج و ... موجب عدم پیشرفت شد.

– تقلید الگوی غرب بدون نظریه پردازی، ساده انگاری در مقابل دانش و فناوری، گسترش فرهنگ ترجیح منافع شخصی بر منافع ملت و ... باعث شد تا سال ها از روند واقعی توسعه دور بمانیم.

– توسعه و صنعتی شدن در دوره پهلوی اول با ایجاد نهادهای اداری و مدیریتی، حمایت از صنعتی شدن با حذف حقوق گمرکی، معافیت مالیاتی و اجرایی کردن الگوی ناقصی از توسعه غربی بدون توجه به ماهیت پیچیده توسعه هم نتوانست موفق باشد.

– ارایه نظریه های مختلف توسعه از جمله نوسازی یا توسعه سرمایه داری، رشد سوسیالیستی، رشد غیر سرمایه داری و یا پیروی از الگوی تلفیقی نوسازی و راه رشد غیر سرمایه داری در دوره پهلوی دوم هم مرد توجه قرار گرفت.

– حل مشکلات از یک نقطه امکان پذیر نیست. باید از چند نقطه و همزمان و با اراده قوی برای حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و ... اقدام کرد.



نشست هفتم، توسعه پایدار در چشم انداز جهانی

دکتر علی نصیری اقدم، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی:

– توسعه پایدار یک رویکرد اثباتی با چارچوبی برای درک دنیای واقعی و هنجارهای آن است که دارای چهار بعد رشد اقتصادی، شمول اجتماعی، پایداری زیست محیطی و حکمرانی خوب می باشد.

– یکی از اهداف برنامه ریزی توسعه، هدف گذاری برای آینده است. رشد اقتصادی رکن توسعه پایدار است. لذا بدون رشد اقتصادی توسعه پایدار امکان پذیر نیست.

– البته رشد اقتصادی زمانی رکن اساسی توسعه محسوب می شود که همه اقشار جامعه از منافع آن بهره مند شوند، نه اینکه عده ای درآمد های کلان داشته باشند و عده ای دیگر در فقر اقتصادی به سر ببرند. لذا شمول اجتماعی، دومین رکن توسعه پایدار است.

– اگر به پایداری زیست محیطی به عنوان رکن سوم توسعه پایدار توجه نکنیم ادامه حیات برای انسان در کره زمین مشکل ساز می شود.

– حکمرانی خوب در سطح ملی و بین المللی چهارمین رکن توسعه پایدار است و باید یک سازماندهی شفاف و پاسخ گو در سطح مدیریت اجرایی وجود داشته باشد تا بتواند رشد اقتصادی، شمول اجتماعی و پایداری زیست محیطی را ایجاد کند.

– رشد پایین تولید جهانی طی مدت دو هزار سال گذشته ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۷۵۰ و پس از عصر انقلاب صنعتی به مرور رشد تولیدات افزایش پیدا کرد که منجر به رشد نوین اقتصادی شد.

– از سال ۱۸۰۰ تا ۲۰۱۴، تولید ناخالص جهانی ۲۷۵ برابر و تولید ناخالص جهانی سرانه ۳۸ برابر شده است.

– رشد تولید ناخالص جهانی سرانه با بهبود بهداشت عمومی که یکی از پیامدهای رشد اقتصادی است، نیز مواجه بوده است. همچنین سایر شاخص های رفاه به تبع رشد اقتصادی، افزایش پیدا کرده اند.

– منابع، محیط مناسب کشاورزی، دسترسی به بازار (دریا)، همجواری، امراض و بیماری های واگیردار، توسعه دانش و سیاست از جمله عوامل طبقه بندی شده رشد در گستره تاریخ اقتصادی جهان است و الگوی رشد اقتصادی متأثر از جغرافیای کشورهاست. اگر نتوانیم از جغرافیای کشورمان استفاده کنیم، نمی توانیم انتظار رشد اقتصادی داشته باشیم. چون ایران دارای مزیت های فراوان جغرافیایی است.

– فاصله زمانی رساندن محصول به بازار هدف یکی از مؤلفه های تعیین کننده در بهبود فضای کسب و کار است، به همین دلیل استفاده از مزیت های جغرافیایی در توسعه پایدار تاثیر گذار است.

– بیش از یک میلیارد نفر از جمعیت جهان در فقر شدید هستند و جمعیت مذکور هنوز از منافع رشد بهره مند نشدند.

– نقش دولت توسعه گرا، تمهید رشد فقر زداست. پس باید رویکرد فقر زدایی در کشور ایجاد شود و ضریب جینی (ضریب نابرابری درون کشورها) به سمت صفر میل کند.

– بخشی از تغییرات آب و هوایی مربوط به گازهای گلخانه ای است. میزان گازهای گلخانه ای موجود در جو زمین نسبت به عصر وقوع انقلاب صنعتی شدیداً افزایش یافته و افزایش گازهای گلخانه ای نظیر دی اکسید کربن، باعث گرم شدن زمین و در نهایت ناپایداری زیست محیطی می شود. گازهای گلخانه ای تهدیدی برای تنوع زیستی و امنیت غذایی است.

– بالا آمدن سطح آب دریاها و اقیانوس ها و ایجاد طوفان های شدید ناشی از پدیده گرم شدن زمین است. سوخت های فسیلی عامل ایجاد اقتصاد مدرن است و دی اکسید کربن از سوزاندن سوخت های فسیلی به دست می آید لذا باید به سراغ فناوری های نوین برویم.

– اسیدپتهد شدن اقیانوس ها و نابودی حیات دریایی و آلودگی های ناشی از نیتروژن و فسفر موجود در کودهای شیمیایی از دیگر معضلات زیست محیطی است. ۷۰ درصد آب شیرین جهان به کشاورزی اختصاص دارد و ۲۰ درصد صرف صنعت و ۱۰ درصد صرف شرب می شود. برداشت از منابع آب شیرین ایران در سال ۵۸ حدود ۷۰ میلیون مترمکعب بود، اما این رقم در سال ۹۱ به یک میلیارد مترمکعب رسید. بسیاری از منابع آبی کشور امروز تهی شده که به ضرر کشاورزی و تامین مواد غذایی است.



عکس ها: روابط عمومی سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان

خویشاوندسالاری زخم عمیق دیوانسالاری

محمد کاظم شکوهی راد*



تجربه و تخصص و دانش و آگاهی به کار گماشته نمی شوند عملاً ناچارند امور را از راه آزمون و خطا تجربه کنند و اینست که روند امور کماکان در بسیاری مواقع در سطوح مختلف مدیریتی بر برنامه و پلت فرم مشخص نیست.

واقعیت این است که هر مدیری بخواهد خارج از این شرایط عمل کند به دلیل نبودن بستر و زمینه مناسب برای گزینش مدیران و واگذاری مسئولیت ها چاره ای ندارد و ناچار تن به این روش ناصواب می دهد. برای برون رفت از این شرایط اقداماتی مقدماتی ضرورت دارد. - اراده لازم برای تغییر این شیوه به عنوان یک فرض اساسی و پایه ای برای رفع مسایل و مشکلات ایجاد شود و عزمی در مراکز اصلی تصمیم گیری کشور برای ایجاد راه حل مناسب شکل گیرد.

ایمان بیاوریم که راه حل رفع مسایل و مشکلات و جلوگیری از هدر رفتن منابع و امکانات کشور و ظرفیت سوزی ها و فرصت سوزی های جاری ایجاد مدیریت علمی و اقتصادی و سازمان دهی مناسب اجرایی و ایجاد مدل مناسب برای گزینش مدیران است که با پی ریزی آن و بهینه یابی برای گزینش مدیران و مسئولین در رده های مختلف به جای نسبت های فامیلی و وابستگی های گروهی ضوابط معین، قانونی و فنی و علمی جانشین شود.

- ایجاد ضوابط قانونی و فنی برای هر مسئولیت مدیریتی و تعیین سطح تجربه، تحصیلات، کارآمدی و نیز برنامه و توان فردی برای احراز هر پست مدیریتی. به طوری که هیچ متقاضی نتواند خارج از این ضوابط کسی را به مسئولیتی بگمارد.

-بانک اطلاعاتی مدیریتی از نیروهای کارآمد و مدیران کشور متناسب با تحصیلات، تجربه، سوابق مدیریتی

- یافتن نخبگان از راه استعداد یابی در مراکز آموزشی و دانشگاهی مبتنی بر ملاک های علمی و از مسیر نهادهای قانونی مانند سازمان مدیریت، بنیاد نخبگان و احزاب

- ایجاد یک نظام ارزشیابی مستمر کارکنان و ملحوظ کردن نمرات ارزشیابی به عنوان یکی از پایه های اساسی واگذاری مسئولیت و مدیریت به افراد

خوشبختانه کشور ما از نظر نیروی انسانی دارای توان و پتانسیل بالایی است و اگر استعدادیابی نیروها و نخبگان انجام و در بانک اطلاعاتی مندرج شود، مدیران عالی و تصمیم گیر کشور در هیچ سطح برای انتخاب مدیران متخصص تحصیل کرده و با تجربه دچار کمبود نخواهند بود.

آنچه امروز نیروهای کارآمد و متخصص را از صحنه خارج کرده و به حاشیه برده، بی ضابطگی و خویشاوندسالاری است، نه کمبود نیرو. در شرایط فعلی ما علیرغم داشتن نیروها و متخصصین کارآمد در عمل دچار فقر مدیریتی هستیم به طوری که وزیر صنعت معدن و تجارت چندی پیش اعلام کرد ما نیاز به واردات مدیر از خارج داریم. ولی در توجیه این مطلب با یادآوری فقر مدیریتی گفت: «همانطور که در ورزش مثلاً مربی فوتبال و والیبالیست و... وارد می کنیم، لازم است برای بخش های مدیریتی دیگر هم مدیر وارد کنیم». این سخن اگر چه به مذاق بسیاری خوش نیامد در عین حال مبین این واقعیت است که به دلیل ضعف های مدیریت های خویشاوندی سالار در کشور، بهره وری در کشور پایین و ضعف مدیریتی در بخش های دولتی، نیمه دولتی، و حتی خصوصی مشهود است. اما روی دیگر سکه را باید دید اینکه ما دارای ظرفیت بالای نیروی انسانی هستیم که به دلیل عدم استقرار نظام اداری علمی و تعریف شده و ناتوانی اطلاعات از نیروی انسانی خود روش سنتی انتخاب مدیر از طریق معرفی مراکز مشخص را تقویت می کنیم و نیروهای واقعا متخصص و کارآمد را به حاشیه رانده حذف و نیروهای متوسط و ضعیف که تنها داشته آن ها خویشاوندی مراکز قدرت است به کار می گیریم. طبیعتاً کشوری که می خواهد در منطقه و جهان به اتکاء داشته های طبیعی، انسانی و گفتمان انقلابی خود حرفی برای گفتن داشته باشد و می خواهد الگو قرار گیرد بدون به کارگیری مدیران کارآمد و متخصص و خلاق و صاحب برنامه نمی تواند به اهداف بلند خود دست یابد زیرا فصل آزمون و خطا و به کارگیری نیروها در حوزه فامیلی در سیستم مدیریتی و بوروکراتیک کشور باید پایان گیرد و به استناد اینکه در حال حاضر صدها مدیر کارآمد و برجسته در سیستم مشغولند که دوره آزمون و خطا را پشت سر گذاشته اند نمی تواند ما را از ایجاد سیستم بهینه یابی و ایجاد ضوابط و معیارهای قانونی و علمی در جهت شناسایی و به کارگیری متصدیان امور در بخش ها و سطوح مختلف مدیریتی بی نیاز کند. روش فعلی گزینش مدیران روشی فرتوت، فرسوده و غیرقابل قبول است و تا این روش جاریست علاوه بر غیرعادلانه بودن آن موجب اتلاف نیرو و منابع مادی و انسانی در کشور شده کارآیی و بهره وری را در حداقل خود نگه می دارد. ارتقاء سطح بهره وری و کارایی سیستم اداری ما با به کارگیری روش های علمی معمول در دنیای توسعه یافته امکان پذیر است و لاغیر.

* مدیر مسئول روزنامه گیلان امروز

اصطلاح خانواده «هزارفامیل» در جامعه امروز ما دیگر یک اصطلاح جا افتاده و غیرقابل انکار است. معنی و مفهوم آن هم کم و بیش بر همگان روشن است که نظام اداری و حکومتی در دست «خانواده ای است به گستردگی هزار فامیل» که نه به اعتبار شایستگی و به اتکاء ضابطه و توانایی و هنر خود صاحب جا، مکان و منزلت شده اند، بلکه صرفاً به اتکاء نسبت سببی و نسبی و نسبت فامیلی موقعیت و مال و منال و جا و مقام بدست آورده اند.

پس از انقلاب مشروطه، امید و انتظار مشروطه خواهان و به تبع آنان مردم این بود که کسب مقام و منزلت و پست و عناوین حکومتی و اداری دیگر از حوزه خانواده و فامیل در گذرد و نست سالاری جای خود را به شایسته سالاری بدهد. که البته چنین نشد و پس از انقراض سلسله قاجار، سلسله پهلوی نیز بر همین مدار چرخید و عنوان و پدیده «هزار فامیل» نه تنها محدود و محصور نشد که گسترش پیدا کرد و با توجه به گسترش نظام اداری تا سطوح پایین مدیریت های تازه تاسیس در نظام نوین اداری گسترش پیدا کرد. پس از انقلاب اسلامی نیز اگر چه در دهه اول انقلاب، ملاک ها و معیارهای تازه ای مانند «تعهد» و «ایمان» و «انقلابی بودن» و عدم وابستگی به رژیم سابق و... به عنوان ملاک های احراز مقام و جایگاه های مدیریتی مطرح بود که آرام آرام اما این حداقل ها (اگر چه غیر علمی و نارسا) فراموش شد و امروز در سیستم اداری و مدیریتی کشور تسلط تفکر فامیل سالاری و خویشاوند سالاری به عنوان الگوی شناخته شده و تقریباً عادی و متعارف به کار گرفته می شود. بطوری که کمتر مدیری را می شناسیم که بر اساس ضابطه های علمی و عملی و مبتنی بر تجربه، دانش، برنامه و توان مدیریتی صاحب شغل و منصب شده باشند. و چنین مدیری که صد البته براساس «رابطه» و نه «ضابطه» جایگاهی را تصاحب می کند به طور طبیعی از فرصت حضور خود در منصب و جایگاه مدیریتی استفاده می کند و مجموعه ای از پست های زیر مجموعه خود و مرتبط با حوزه مدیریتی را به فرزند، برادرزاده، خواهرزاده و فک و فامیل خود واگذار می کند و حجره ای از فامیل خود را شکل می دهد. در واقع دیگر آنچه در نظام اداری و مدیریتی و دیوانسالاری ما شکل گرفته، در واقع خانواده های گسترده هزاران فامیل است و به شکلی این امر گسترده تر شده که امروز برای کسی متصور نیست که بدون خویشاوندی و وابستگی به فردی صاحب پست و مقام و موقعیت نتواند به مسئولیت و مدیریتی موثر گمارده شود.

گستردگی این روند به شکلی است که اگر بر فرض مسئول و مدیری بخواهد خارج از این مسیر اقدام کند به دلیل اینکه پایه های اطلاعاتی مناسب در دسترس ندارد نمی تواند خارج از حوزه خویشاوندی و منسوبین نیرو انتخاب کند. همین روند سبب ناکارآمدی و اقت بهره دهی دیوانسالاری شده و روز به روز بر مشکلات نظام اداری افزوده می شود. اقدامات اصلاحی مانند ادغام و تفکیک سازمان ها و وزارتخانه ها و وضع قوانین برای بهبود شرایط نیز کمک چندانی به بهبود اوضاع نکرده است. مردم نیز به خوبی دریافته اند یا ناچار به این مرحله رسیده اند که برای بدست آوردن شغل مناسب و نان و آبدار و مدیریتی در نظام اداری باید یا با «آقاها» منسوب باشند یا به امام جمعه و نماینده مجلس و وزیر و کیلی یا صاحب منصب دیگر متصل شوند و مدتی امر بر و بادمجان دورقاپ چین آن ها شوند و اگر نتوانند با وصلت و ازدواج به طور سببی، منسوب آن ها شوند. ناچار با امربری و خدمت ویژه به آن ها خود را به آن ها منصوب کنند تا از این خوان نعمت بهره گیرند. این چنین است که اگر حتی فردی بخواهد خارج از این روال عمل کند چون برای نصب افراد باید نظر نماینده و امام جمعه و مراکز قدرت دیگر را جلب کند عملاً نمی تواند خارج از این دایره حرکت کند. وزیر برای انتخاب مدیران بدنه و استانی به استاندار، امه جمعه و نماینده مجلس مراجعه می کند و استاندار برای انتخاب مدیران شهرستانی و فرماندار و بخشدار و دهدار باید نظر نماینده و امام جمعه و دیگر مراکز را بخواهد و آن ها را راضی کند و به طور طبیعی هم این مراجع افراد حول و حوش خود و وابستگان را تأیید می کنند. این درد و زخم عمیق اجتماعی را سال هاست تجربه کرده ایم و مسلماً بسیاری افراد صالح و سالم در نظام اداری و حکومتی طالب تغییر اوضاع هستند، اما چرا نمی توانند کاری از پیش ببرند؟

چرا ما در کشور نمی توانیم مدیریت اقتصادی مستقر کنیم و یا نظام اداری فرسوده و ناکارآمد را به نظامی کارآمد و با بهره وری بالا بدل کنیم؟

عمده دلیل این است که ما در مدیریت کشور استعدادیابی نداریم، مدل و آینده نگری مناسب نداریم. سازمان دهی مدیریت اجرایی و آموزش هدفمند نداریم بلکه عمده امور کشور بر اساس آزمون و خطا انجام می شود. مدیرانی که مصدر کار می شوند اگر عصاره حسن نیت و تقوا هم باشند به دلیل نحوه گزینش غیرسالم و به دلیل اینکه متناسب با

ز شهرت تا به شهرت، فرق بسیار

نورالدین هاشمی تکلیمی *

اسکندر مقدونی - (۳۵۶-۳۲۳ ق.م.) پسر فیلیپ در خدمت ارسطو تعلیم و تربیت یافت. در بیست سالگی به سلطنت رسید، در آغاز پادشاهی گرفتار جنگ های داخلی و شورش شهرهای یونان شد، سرانجام بر شورشیان غلبه کرد و شهر تب را به کلی ویران ساخت. در ۳۳۴ ق.م. به قصد ایران از تنگه هلسپونت وارد آسیا شد. نخستین جنگ او با ایرانیان جنگ گرانیگوس است که به پیروزی او پایان یافت (۳۳۴ ق.م.) پس از مرگ ممنون اوفات ۳۳۳ ق.م. - سردار یونانی در خدمت داریوش سوم هخامنشی بود که وقتی اسکندر مقدونی به آسیا تاخت، به دفاع از هالیکارناس پرداخت و پس از جنگ (۳۳۴ ق.م.) گرانیگوس، به تسخیر جزایر دریای اژه و شورانیدن



یونانیان بر ضد اسکندر پرداخت، ولی ناگهان بیمار شد و درگذشت. مرگ او لطمه ی جبران ناپذیری برای ایران بود، زیرا بسیاری از شهرهای یونانی حاضر به جنگ با اسکندر بودند. (به نقل از ص ۲۸۵۷ ج ۲ بخش ۲ دایره المعارف فارسی ۱۳۷۴) راه ایران را پیش گرفت. در جنگ (۳۳۳ ق.م.) ایسوس، داریوش سوم شکست خورد و اگرچه جان سالم بدربرد، مادر و زن و دخترش به دست اسکندر افتادند. پس از تصرف فنیقیه و مصر به تعاقب داریوش از دجله و فرات گذشت و پس از تسخیر بابل و شوش عازم تخت جمشید گردید. مقاومت آریوبرزانس به جایی نرسید و اسکندر تخت جمشید را گرفت و جمع زیادی از مردم را کشت و شهر را به تاراج داد و کاخ شاهنشاهان هخامنشی را آتش زد و وقتی که بر ایران تسلط یافت می خواست آداب و رسوم یونانی را بر این کشور تحمیل کند ولی دیری نگذشت که خود به لباس شاهان هخامنشی ملبس شد و تاج کیانی بر سر گذاشت.

(منبع: دایره المعارف فارسی - به سرپرستی غلامحسین مصاحب - جلد اول، ۱۳۴۵ - ص ۱۴۱ به تلخیص و بدون دخل و تصرف)

کوروش کبیر (وفات ۵۳۰ ق.م.) موسس امپراطوری هخامنشی، بنابر روایت هرودوت، پسر کمبوجیه و ماندانا، دختر پادشاه ماد بود. در سال ۵۴۰ ق.م. که کوروش حمله خود به بابل را آغاز کرد، بیشتر ایالات آن به تصرف وی درآمده بود و در اکتبر سال ۵۳۹ ق.م. سپاهش بدون جنگ وارد بابل شد. بسیاری از اهالی بابل از آمدن کوروش خوشحال شدند، بر استوانه کوروش که شاهکاری است، وی خود را آزاد کننده مردم از شر سلطنت بنونیروس و نیز شاه برگزیده توسط مردوک (خدای ملی بابلیان) برای سلطنت کردن بر ایشان معرفی کرده است. یک فرماندار ایرانی برای شهر تعیین شد ولی بسیاری از صاحب منصبان محلی در خدمت های خود ابقا شدند. کوروش با نهایت دقت به دین بابلی احترام می گذاشت، معابد را تعمیر کرد و مجسمه های معبود شهرهای مختلف را که بنونیروس به بابل آورده بود، به جاهای خود بازگردانید و نیز خدایان آشور و شوش را به محل های خود فرستاد، و در ۵۳۸ ق.م. اجازه داد که یهودیانی که بخت النصر از فلسطین کوچ داده بود به زادگاه خود بازگردند و دستورهایی برای تجدید بنای بیت المقدس صادر کرد. کوروش سردار و سیاستمداری برجسته بود. امپراطوری ای تاسیس کرد که از سند و سیحون تا دریای اژه و مرزهای مصر امتداد داشت و یادگاری از عدالت و رافت پس از خود باقی گذاشت.

(منبع: همان - ج ۲، بخش اول سال ۱۳۵۶ - صص ۲۳۰۱ و ۲۳۰۲ به تلخیص و بدون دخل و تصرف)

گاندی - مهندس کارمچاند گاندی (۱۸۶۹-۱۹۴۸)

رهبر ملی و معنوی هند، بنیانگذار استقلال هند از راه مقاومت منفی در سال ۱۹۳۴ از ریاست کنگره ملی هند استعفا کرد ولی به عنوان عامل موثر در پشت سر تصمیمات کنگره همچنان باقی ماند. گاندی در نتیجه ی مخالفت های خود با دولت بریتانیا و رهبری توده ی مردم هند به مهاتما (دارای روح بزرگ) معروف شده بود. گاندی مخالف آلمان نازی بود و همین که جنگ جهانی دوم آغاز شد و نایب السلطنه هند، شرکت هند را در جنگ اعلام کرد، گاندی اعلام داشت که بهای شرکت هند در جنگ بر ضد آلمان نازی باید استقلال بدون قید و شرط آن باشد. در ماه می ۱۹۴۲ گاندی درخواست کرد که بریتانیایی ها از هند خارج شوند. دولت

هند در اوت ۱۹۴۲ او را با ۵۰ نفر از پیروانش زندانی ساخت و گاندی اعلام " یا مرگ یا استقلال" کرد و در ششم ماه می ۱۹۴۴ از زندان آزاد شد. در ۱۵ اوت ۱۹۴۷ لرد ماونتباتن استقلال هند و پاکستان را اعلام کرد و گاندی را "معمار استقلال هند از راه مقاومت منفی" اعلام کرد. در ۱۲ ژانویه ی ۱۹۴۸ گاندی اعلام کرد که تا مسالمت میان هندوان و مسلمانان و سیخها برقرار نشود روزه خواهد گرفت، در ۱۸ ژانویه ی همان سال خبر رسید که نمایندگان فرقه های مختلف در دهلی معاهده ای امضا کردند که به موجب آن حق حیات و تملک و اجرای اعمال دینی مسلمانان هند تضمین شده است و گاندی با شنیدن این خبر روزه ی خود را شکست. در روز جمعه ۳۰ ژانویه ی ۱۹۴۸ در حدود

ساعت ۵ بعدازظهر هنگامی که گاندی از پله ها برای رفتن به عبادت معمولی خود بالا می رفت به ضرب گلوله ی یکی از متعصبین هند از پای درآمد. او معتقد بود همچنان که انسان نمی تواند انسانی را بیافریند و به او حیات بخشد، حق سلب حیات از او را نیز ندارد. آلبرت اینشتین درباره اش گفته است: "تأثیر معنوی گاندی بر مردم متفکر بادوام تر از آن خواهد بود که به نظر مردم عصر ما، عصری که در تأثیر قدرت محض مبالغه می کند، می آید. ما از این که سرنوشت، ما را با چنین مرد روشن بینی هم زمان ساخته است سپاسگزار و خوشحالیم،" مردی که بیدارگر نسل های آینده است.

منبع: همان - جلد دوم - بخش اول ۱۳۵۶ - صص: ۲۳۶۱ و ۲۳۶۲

■ ■ ■

هیتلر - آدولف هیتلر ۱۸۸۹-۱۹۴۵ دیکتاتور آلمان - موسس و رهبر ناسیونال سوسیالیسم، فرزند آلویس هیتلر از کارمندان گمرک اتریش، چون در درس ضعیف بود از دبیرستان اخراج شد و پس از مرگ مادرش به وین رفت. در سال ۱۹۱۳ در مونیخ مقیم شد و هنگام شعله ور شدن جنگ جهانی اول به ارتش باواریا پیوست ولی درجه اش از سرخوگی فراتر نرفت. جنگ، ناسیونالیسم افراطی او را تشدید کرد و شکست آلمان را نتیجه ی خیانت یهودیان و مارکسیست ها می دانست. در سال ۱۹۲۰ حزب کارگران آلمان تغییر نام داد و به نام حزب کارگران ناسیونال سوسیالیست آلمان یا نازی خوانده شد که سازمان این حزب در ۱۹۲۱ تجدید شد و هیتلر را که روش دیکتاتورمآبانه ای داشت به رهبری آن برگزیدند. کتاب نبرد من هیتلر سراسر آکنده از ضدیت با یهود، پرستش قدرت، بی اعتنایی به اخلاق و بیان راه و رسم های استیلای بر جهان بود. وی در سخنرانی های مالیکولیایی ولی جذاب خویش به کارگران نوید می داد که وسایل تامین زندگی آنان را فراهم خواهد ساخت. پس از آغاز جنگ جهانی دوم در دسامبر ۱۹۴۱ فرماندهی جنگ را شخصا بر عهده گرفت و چون در استراتژی دفاعی ضعیف بود از قبول شکست پس از نبرد استالینگراد (اکتوبر و نوامبر) سرباز زد و با ادامه ی جنگ عده ی زیادی از سپاهیان آلمان را به کشتن داد. هنگام سقوط نهایی آلمان در آوریل ۱۹۴۵، سران نازی را که خواستار مذاکره با متفقین بودند متهم به خیانت کرد و در شهر برلین که با ورود نیروهای شوروی به آن، آشفته و طوفانی بود باقی ماند. در ۲۹ آوریل او براون که مدت درازی معشوقه ی او بود ازدواج کرد و در ۳۰ آوریل هر دو در پناهگاهی از ساختمان صدارت عظمی خودکشی کردند. هیتلر از خود، آلمان ویران و بدبختی برجای گذاشت و میراثش یادبود مخوف ترین استبداد رای و جباریت قرن های جدید است.

منبع: همان - جلد دوم - بخش دوم ۱۳۷۴ - صص: ۳۳۳۲ و ۳۳۳۱

■ ■ ■

و نتیجه آن که:

هست اسکندر ز یونان، کوروش از ایران زمین
هر دو سردارند و فاتح، این کجا و آن کجا؟
هیتلر از غرب و اروپا، گاندی از مشرق زمین
هر دو مشهورند، اما این کجا و آن کجا؟

و چه نیکو فرموده است آن بزرگمردی که جمله ای به وسعت یک کتاب بیان نموده:
"افتخار در خشکانیدن قطره اشک است نه در جاری ساختن سیل خون."

* فرهنگی بازنشسته

عکس: گیلان فردا

شخصیت واقعی در دنیای مجازی

شهلا اصلی

گیلان فردا- همه ما در ارتباطات و تعاملات اجتماعی بیان و رفتاری داریم که آگاهانه یا ناآگاهانه در مخاطب تاثیر خواهد گذاشت. البته خیلی از حرف ها جزء گفت و گوهای عادی، محاوره ای و روزمره هستند. اما در میان همین حرف های عادی که می گوئیم و می شنویم و رد می شویم، گاه نکات آموزنده و قابل تعمق زیادی وجود دارد! در چنین حالتی شاید بد نباشد لحظه ای درنگ کرده و لختی بیشتر ببیندیشیم...

● حد را نگه داریم

حتما برای شما هم پیش آمده که در مراودات روزمره و ارتباطات کاری با نزدیکان، دوستان و همکاران، بعضی ها خیلی زود دخترخاله و پسرخاله می شوند! به گونه ای که به محض سلام و علیک و احوالپرسی به قول قدیمی ها می گویند «لاغم را کجا ببندم»؟! اما دخترخاله و پسرخاله شدن زود هنگام گاه موجب واپس زدگی طرف مقابل می شود، چون خوب است که حد نگه داشته شود. گاه حتی ممکن است وانمود شود که صمیمیت زیادی با طرف مقابل وجود دارد و این در حالی است که هیچ سختی به لحاظ تشابه فکری، سنی، موقعیتی، دیدگاهی و... در طرفین دیده نمی شود. اما در اوقات دیگری هم باید حد را نگه داشت، آن هم در جامعه ای که با همه ادعا هنوز بسیاری از ارتباطات بر پایه روابط، بده بستان و البته گاه سیاسی کاری شکل می گیرد. بنابراین خوب است که در ارتباطات دچار توهم و انتظارات بی مورد نشویم! یادمان باشد که در خیلی از مواقع در جامعه ای مثل جامعه ما داشتن پست، شهرت، مقام و نظایر آن تعیین کننده بسیاری از ارتباطات است! بهرحال بیخود نیست که خیلی ها ادعا می کنند عاشق خدمت هستند و انجام این مهم را در گرو بدست آوردن پست و مقام (به هر قیمتی) می دانند، چون می دانند که در چنین حالتی، نور چشمی خواهند شد. البته اینکه در هر کاری باید حد را نگه داریم یک اصل بدیهی است. اما گاه با رعایت همه حریم ها و حرمت ها و رعایت همه حدودها و چارچوب ها، ممکن است در عین تواضع و فروتنی، حتی ادب و احترام مان هم نمود دیگری پیدا کند و تصور شود که توقعی بیش از حد خودمان داشته ایم!...

● حفظ میز

نه جذب سرمایه گذار

ظاهرا فرش قرمز برای سرمایه گذاران پهن شده است، اما از سرمایه گذارانی که بتوانند موجب تحول در اقتصاد شوند خبری نیست! پای حرف سرمایه گذاران که بنشینیم با مصداق های زیاد به طرح هایی اشاره می کنند که اولین بار در گیلان ارایه شده است ولی کسی تحویل شان نگرفته! و هر چه صبوری و بافشاری کردند تا طرح در همین استان اجرایی شود با در بسته و بهانه های بنی اسرائیلی مواجه شده اند، طوری که عطای کار را به لقای آن بخشیده و ترجیح دادند از استان بروند. در عوض برخی مدیران در استان های دیگر نه تنها خواستار همان طرح ها شده اند بلکه با انجام و پیگیری تمام کارهای اداری لازم، حتی زمین مورد نیاز طرح را در مناسب ترین منطقه از آن استان در اختیار سرمایه گذار گذاشته اند! و هم اکنون بسیاری از این نمونه ها در استان های دیگر به بار نشسته است... با این همه یقینا بسیاری از مدیران مدبر به دنبال جذب سرمایه گذار هستند و تلاش می کنند تا موانع و دست اندازها را رفع نمایند.

● باید مرد تا زنده ماند

وقتی از کنار مرد دستفروش که کمی سبزی محلی در بساطش دیده می شد رد شدم، شنیدم خطاب به مرد دستفروش دیگری با ناراحتی می گفت: «باید مرد تا زنده ماند»... کمی مکث کردم، جمله اش از زوایای مختلف قابل تأمل و تعمق بود. از یک سو گرانی و کساد و رکود اقتصادی را به رخ می کشید و از سوی دیگر مرده پرستی و بهانه دادن به زندگان را... چند قدم به عقب برگشتم، خسته و تکیده به نظر می رسید. به بهانه خرید سبزی در کنار بساطش ایستادم و او همانطور سبزی هایی که خواسته بودم را جدا می کرد، مرا مورد خطاب قرار داد و درد و دلش شروع شد! دوباره گفت: «باید مرد تا زنده ماند، آخر این چه زندگی است...» و در همین حین کاسه ای را که دخلش بود و چند سکه و چند اسکناس که فکر نمی کنم بیشتر از چند هزار تومان بوده باشد را به من نشان داد و دوباره جمله فلسفی دیگری به زبان آورد و گفت: «آدم بمیره بهتره تا با این وضع زندگی کنه...» آیا براستی برای زندگی کردن باید تا سر حد مرگ پیش رفت؟ آیا باید مرد تا زنده ماند؟؟ آیا زندگی همین است؟ مدام استرس، دغدغه و چه کنم، چه کنم!...

● ضرورت تشکیل وزارت

بیکاران

وقتی قرار است یک میلیون بازنشسته مجدداً شاغل شوند به نظر تان امیدی برای اشتغال جوانان بیکار باقی می ماند؟ البته کسانی که چنین پیشنهاداتی را مطرح و مصوب می کنند این استدلال را دارند که از یک سو سن امید به زندگی افزایش یافته و از سوی دیگر در سال های قبل بدون توجیه منطقی سن بازنشستگی کاهش یافته است. اما سوال این است که بالاخره چه زمانی خیل عظیم بیکاران عمده تا تحصیل کرده باید مشغول کار شوند؟

حال که وزارت کار عملاً برای اشتغال این جوانان کاری نمی کند، بهتر نیست وزارتی تحت عنوان وزارت بیکاران تاسیس شود؟! اینکه همه نباید منتظر شغل دولتی باشند کاملاً درست است، فقط معلوم نیست چطور فرزندان خانواده هزار فامیل صاحب شغل و حتی پست دولتی می شوند! تاسف بارتر اینکه پدر و مادری چند فرزند تحصیل کرده بیکار داشته باشند اما دوباره خود به کار دعوت شوند! با این روش ها آیا جامعه ساخته خواهد شد؟ آیا ناهنجاری ها گسترش بیشتری نخواهد داشت؟ حال که خیل عظیمی از جوانان توانمند اما بدون فامیل آنچنانی به نوعی «سرکار» هستند خب وزارتی برای این ها تاسیس کنید تا اقل فکر کنند که «سرکار» هستند!

● طرح شما برای رد

شدن خیلی عالیست

طرح را که نشانش دادم، با دقت ورق زد، صفحات مختلف را از نظر گذراند، در مورد بعضی از مباحث و بخش ها سوالات درست و کارشناسی پرسید. و پس از همه این ها گفت «طرح شما خیلی خوب است». گفتم چه عجب که بالاخره کسی پیدا شد و ارزش این کار را متوجه شد. اما هنوز جمله ام را کاملاً به پایان نبرده بودم که گفت: «طرح شما برای رد شدن خیلی عالیست!» و ادامه داد: «متأسفانه کسانی که باید این طرح را تایید و پیگیری کنند، به جای این کار آن را رد یا بایگانی می کنند، به همین راحتی! به همین خاطر گفتم که طرح شما برای رد شدن خیلی عالیست! ...

● رییس می تواند بد قول باشد

رییس می تواند بد قول باشد، رییس می تواند به تلفن جواب ندهد، رییس می تواند بگوید «می خواهم»، رییس می تواند بگوید «نمی خواهم»، رییس می تواند بگوید «باشد، ولی انجام ندهد»، رییس می تواند پاسخ ندهد، رییس می تواند بگوید «دلم می خواهد»، رییس می تواند بگوید «دوست دارم»، رییس می تواند بگوید «دوست ندارم»، رییس می تواند زور بگوید، اصلاً رییس می تواند بگوید «همین که هست» و ... بالاخره باید فرقی بین رییس و بقیه باشد دیگر ... و البته مدیر می تواند مدبر و یک مدیر واقعی باشد...

● در جلسات خواب است

مرد خوبی به نظر می رسد، البته مدیر خوبی هم به نظر می رسد. ولی در بیشتر جلسات تقریباً خواب است! گاه آنقدر پلک هایش سنگین و خواب آلود می شود که یارای باز نگه داشتن از کف می رود و اینجاست که سوژه عکاسان خبری می شود!

بارها حاضرین در جلسات و همایش ها با اشاره او را به دیگران نشان داده و یا به شوخی گفته اند «ایس، خواب است...!» البته باید پذیرفت که کار و مسئولیت تعدادی از مدیران زیاد است ولی حضور خسته و خواب آلود و کسالت بار آن ها در جلسات صورت خوشی ندارد و این سوال را به ذهن متبادر می کند که «مدیران خسته و بی رمق چگونه می توانند سیاستگزاری و برنامه ریزی درستی را در دستگاه زیر مجموعه خود تدوین و عملیاتی کنند»؟ ...

● شخصیت واقعی در دنیای مجازی

بعد از مدت ها که سوار اتوبوس شدم ناخودآگاه شنونده حرف های دو خانم مسافر که پشت سرم نشسته بودند شدم. چهره شان را نمی دیدم و نمی توانستم سن و سال شان را حدس بزنم ولی آنقدر بلند حرف می زدند که همه پهلو دستی ها می شنیدند. حرف هایشان به نوعی جامعه شناختی به نظر می رسید. از فرار معلوم حرف از خواستگار و جشن و عروسی بود. ظاهراً یکی از خانم ها از دیگری پرسید «از چه کسی می خواهید تحقیق کنید؟» و خانم دیگر جواب داد: «این روزها مدل تحقیقات از افراد تغییر کرده است. دیگر نیازی نیست برای شناختن دختر یا پسر مورد نظر از همسایه و همکار و مغازه دار و... تحقیق شود. چون کافی است نگاهی به گوشی طرف مورد نظر بیندازید و به شخصیت واقعی اش پی ببرید...» خانم اولی چند لحظه مکث کرد و گفت: «ولی به دنیای مجازی که نمی توان خیلی اعتماد کرد، مگر می شود؟ حرف یک عمر زندگی است.» خانم اولی گفت: «مگر تو عضو هیچ شبکه اجتماعی نیستی؟ مگر عضو هیچ گروه تلگرامی نیستی؟ اگر به پی ام ها و پست ها توجه کنی متوجه می شوی که شخصیت واقعی افراد و علایق و سلیق و دلبستگی هایشان به خوبی در همان پیام ها و پست ها معلوم می شود. تجمل پرستی، فخر فروشی، مودعی بازی، چاپلوسی، ادای عاشق دلخواه را در آوردن و همزمان با چند نفر دوست بودن، نصیحت کردن به دیگران، بی ارزش کردن حریم ها و... کاملاً در دنیای مجازی مشهود است. همان طور که ممکن است خیلی از افراد در دنیای مجازی خود را خوب نشان بدهند و طرف مقابل را گول بزنند، تعدادی دیگر که در دنیای واقعی ادای فرشته ها را در می آورند، در این گروه ها خود واقعی شان را نشان می دهند و تنگ نظری، حسادت، دو رویی و... را به نمایش می گذارند...» حرف به اینجا که رسید خانم دیگر گفت: «یعنی در این گروه های اجتماعی فقط همین چیزها رد و بدل می شود و دنیای مجازی خاصیت دیگری ندارد؟» و خانم اولی جواب داد: «من نگفتم در دنیای مجازی فقط این حرف ها مطرح است، چون خیلی هم وسیله خوب و امکان با ارزشی است ولی می گویم از این طریق هم می توان بعضی افراد را شناخت و...»

حرف شان ادامه داشت اما من دیگر به مقصد رسیده بودم و از اتوبوس پیاده شدم. نمی دانم بالاخره این دو خانم در گفت و گوی دو نفرشان به چه نتیجه ای رسیدند و برای تحقیق از افراد، کجا یا چه کسی را انتخاب می کنند ولی به نظر می رسد در دنیای کنونی شناخت شخصیت واقعی افراد دشوارتر از این حرف ها باشد. چون خواسته یا ناخواسته و بنا بر شرایط ممکن است برخی از ما ماسک هایی بر چهره داشته باشیم...

خانه پدری کجاست

آن
موقع‌ها
مردم
تجملات
نداشتند
اما
شادتر
بودند

شبه‌اصلی

دیدن یک همسایه قدیمی پس از سال‌ها، خاطرات زیادی را برایم زنده کرد. خاطراتی از خانه پدری و محله قدیمی و از مراودات و شیوه زندگی سال‌های نه چندان دور.

راستی خانه پدری کجاست! به نظر تان با جابجایی‌های زود به زود خانواده‌ها از این آپارتمان به آن آپارتمان، مفهوم خانه پدری چه خاطراتی را می‌تواند برای فرزندانمان به همراه داشته باشد؟

سال‌هاست که دیگر از خانه‌ای بزرگ و ثابت که فرزندان در آن نشو و نما می‌کردند خبری نیست و اینک فرزندان یک سالگی را در یک آپارتمان، دو سالگی را در آپارتمان دیگر و... می‌گذرانند و یا طی دوران تحصیل ابتدایی چند مدرسه و خانه عوض می‌کنند. بنابراین زمانی که این بچه‌ها بزرگ می‌شوند و به دنبال خاطرات خانه پدری می‌گردند، می‌بینند تنها خاطراتی پراکنده از خانه‌ها و محیط‌های زندگی متفاوت دارند.

در چنین حالتی انسجامی از خاطرات خانه پدری در دوران کودکی، نوجوانی و جوانی وجود نخواهد داشت. البته این موضوع حرف امروز و دیروز نیست بلکه در دهه‌های اخیر بنا به شرایط موجود و افزایش جمعیت و البته تغییر سبک زندگی شاهد آن بوده‌ایم. بسیاری از جوانان امروزی که از زندگی در خانه ویلایی و حیاط دار خانه پدری تجربه‌ای ندارند، لذت همنشینی در کنار باغچه و گل و درخت را هم نچشیده‌اند، برایشان فرصتی پیش نیامده تا در حیاط خانه پدری برای گنجشک، مرغ و خروس و گربه غذایی بگذارند و یا دقایقی به بازی مشغول باشند. البته هنوز خانه‌های بزرگ و حیاط دار در شهرهای کوچکتر هست و یا خانه‌های بزرگ ویلایی اعیان نشین برای طبقات مرفه وجود دارد ولی آنچه در حال حاضر عمومیت دارد چاردیواری‌هایی است که اسمش را خانه گذاشته‌ایم که یا به خاطر نداشتن نقشه درست مهندسی پنجره‌هایش اشرف دارد و نمی‌توان از هوای لازم بهره‌مند شد و یا نور کافی ندارد و یا حتی ممکن است

دو متر فضای باز به عنوان بالکن هم نداشته باشد (و اگر هم داشته باشد نه به عنوان کاربرد اصلی و نمایی از یک باغچه و یا جایی برای گل و گلدان و استنشام هوای تازه بلکه به عنوان انباری از آن استفاده می‌شود!

چاردیواری‌هایی که ممکن است حیاط مشترکی داشته باشند اما حیاطی بی‌روح، که مکانی برای پارکینگ ماشین‌هاست، حیاطی که معمولاً نمی‌توان در آن زیبایی و طراوت باران و برف را تجربه کرد، حیاطی که گاه به دلیل هم‌مدل و هم‌سو نبودن ساکنان، به تمیزی و نظافتش هم رسیدگی نمی‌شود چه برسد به گلکاری و باغچه.

دیدار این همسایه قدیمی بی‌اختیار مرا به گذشته برد. بچه‌ها که بودم بارها او را در همسایگی خانه پدری دیده بودم. مهربان و خوش‌حرف بود. با اینکه حالا دیگر سن و سال زیادی از او گذشته و تقریباً مریض و ناتوان بود اما هنوز لحن شیرین، ساده و صمیمی در کلامش موج می‌زد. پس از سال‌ها همان قدر که از دیدنش خوشحال شده بودم، از صحبت با او هم حس خوبی داشتم. احساس می‌کردم حرف‌هایش خستگی کار روزانه را از من دور کرده و مرا به روزهای خوب دوران کودکی برده است.

برای اینکه شما هم در بخش‌هایی از خاطرات خانه پدری با من و این همسایه قدیمی همراه باشید، فقط گلچینی از رسم و رسوماتی را که ایشان برایم بازگو کرد برایتان می‌نویسم، بی‌شک آنها که اکنون دهه سی، چهل، پنجاه، شصت، هفتاد، هشتاد و نود زندگی خود را می‌گذرانند در بخش‌های زیادی از این خاطرات با خانم همسایه ما مشترک بوده و عادات و خاطراتی از این دست را در یاد خود ثبت کرده‌اند.

آری خانه پدری همیشه زیبا و دوست‌داشتنی بوده و هست. با تمام شادی‌ها و غم‌ها، کاستی‌ها و مشکلات، یک رنگی‌ها و صمیمیت‌ها و گاه البته تنش‌ها...





را کرایه می دادند. و این وضع همینطور تا بزرگ شدن فرزندان ادامه داشت. یعنی بنگاه و این جور چیزها نبود. افراد ساده زندگی می کردند. تجملات نداشتند اما شادتر بودند. الان نوه های من هرکدام در یک خانه مستقل زندگی می کنند همه چیز هم دارند ولی نمی دانم چرا باز هم نق می زنند.

■ فل سوخته ■

یادم می آید آن موقع بعضی افراد، محله به محله و کوچه به کوچه فل سوخته می فروختند، و خانه دارها برای اینکه ظرف ها بهتر شسته شود از آنها فل سوخته می خریدند. فل سوخته همان پوسته هایی بود که از برنج باقی می ماند و باعث تمیزی ظرف ها می شد هیچ ضرری هم برای آدم ها نداشت.

■ سوزن زن ■

آن موقع وقتی کسی مریض می شد سعی می کردند با پرهیز غذایی و یا داروهای گیاهی حالش را خوب کنند. یادم است وقتی می رفتیم نان بخیریم مثلاً به نانواپی لواشی می گفتیم: "نان دو آتسه" برای مریض می خواهیم. نانوا هم به حرفمان گوش می کرد. مثل الان نبود که نان ها بیشتر آدم را مریض بکند.

اگر هم مریض به دکتر احتیاج داشت چند تا دکتر در سطح شهر بود. مثل دکتر کوشا، دکتر پورعباس، دکتر روشن ضمیر، دکتر تائب و چند نفر دیگر که الان یادم نیست، آن وقت اگر قرار بود مریض، سوزن بزند یک نفر را می فرستادند به خانه سوزن زن (منظور آمپول زن) تا به او بگویند که به خانه آنها آمده و سوزن های مریض را به موقع بزند.

■ خروس کولا ■

آن موقع ها این قدر خوردنی های مختلف برای بچه ها نبود. معمولاً بزرگترها از بقالی هایی که در هر گذر بود نخودچی، کشمش، سنجند، بادام و این جور چیزها برای بچه ها می خریدند. مثل الان این همه هله و هوله نبود. یک نوع بیسکویت بود به اسم «سیتا» که معمولاً تعداد زیادی از آنها را مغازه دارها در یک پلاستیک بزرگ نگه داری می کردند و معمولاً وقتی که بچه ها «سیتا» می خواستند یکی از بیسکویت ها را که به اندازه کف دست بود از داخل آن پلاستیک بزرگ درآورده و به آنها می فروختند. گاهی وقت ها هم مرد دوره گرد می آمد و در کوچه

و محله داد می زد «خروس کولا، جوهر نعنا، پشمک». خروس کولا هم در واقع جایگزینی برای آبنبات و شکلات بود. و از یک نوع خرما درست می شد که رویش با موادی پوشش داده می شد و مثل آبنبات چوبی بود و بعضی ها شکل سرخروس بود و برای همین می گفتند (خوروس کولا یا خروس کلاه). گاهی هم برای این که فروشندگان دوره گرد بچه ها را به خرید بیشتر تشویق کنند یک سکه دهشایی در داخل مواد آن جاسازی می کردند و بچه ها به امید اینکه برنده بشوند چندتا می خریدند. و یا یک چیزهایی درست می کردند به رنگ سفید یا بنفش یا نارنجی که مزه تندی مثل نعناع داشت و به جوهر نعناع معروف بود. آخر آن موقع ها این همه خوراکی های رنگارنگ و پرزرق و برق برای بچه ها نبود.

عکس ها: علیرضا عزتی

هرچند حتی اگر خانه پدری بزرگ و حیاط دار نباشد، حتی اگر کوچک و اجاره ای باشد و هرسال عوض شود باز جایی که پدر و مادر هست خانه پدری است. جایی که پشت گرمی به پدر و دلگرمی به مادر می تواند محیط امنی را فراهم کند. جایی که بالاخره کسی انتظار آدم را می کشد، جایی که رایحه غذای دلنشین جزئی از خاطراتمان می شود. وقتی خانم همسایه از خاطرات و رسم و رسومات آن موقع ها می گفت هر لحظه چهره مادر به ذهنم می آمد و من در حالی از شادی و غم ناخودآگاه به دوردست خیره می شدم... آخر به نظرم خانه پدری، بی حضور مادر، عطر و بویی ندارد... اما چه می شود کرد. زندگی همین است... آمدن و رفتن... و به قول شاعر «تنها خاطره است که می ماند» و من که غرق افکار خودم بودم، با صدای خانم همسایه که چندبار به من نهیب زد "هی، کجایی..." به خود آمدم و هر بار دستم را بر شانه اش گذاشتم و برای اینکه اشک جمع شده در چشمانم را نبیند، سر به زیر انداختم...

راستی شما از خانه پدری، از آن قدیم ندیما چه خاطره ای دارید؟

آنچه در ادامه می خوانید خاطراتی است که این همسایه قدیمی که آن موقع ها "فاطمه خانم" صدایش می کردیم برایم تعریف کرده است:

■ پیشانی واچین ■

آن موقع ها این طوری نبود. رنگ مو و لاک ناخن و آرایش هایی که الان خانم ها می کنند نبود، در هر محله ای خانمی بود که به آرایشگری وارد بود و هرکدام از خانم ها اگر می خواستند صورتشان را اصلاح کنند یک نفر از اعضای خانواده را روانه می کردند که به خانه خانم "پیشانی واچین" برود و از او بخواهد که فلان ساعت به خانه آنها بیاید. چون آرایشگاه زنانه نبود، وقتی هم که خانم سلمانی به خانه مشتری می رفت چند وسیله جزئی برای کار داشت. و چون در هر خانه چند کوچ (منظور چند خانوار) هرکدام در یک اتاق و ایوان زندگی می کردند، خیلی از زنان به خاطر حجب و حیایی که داشتند موقعی سلمانی را به خانه دعوت می کردند که همسایه ها نباشند.

■ اتاق خالی ■

آن موقع ها این قدر شلوغ نبود که عزیزجان. این قدر ماشین و آدم و خانه نبود. در رشت از سبزه میدان یا شهرداری که مثلاً وسط شهر بود به هر طرف که می رفتی دشت بود، و خانه های بزرگ حیاط دار با فاصله زیاد از هم بودند و چند تا دکان هم در هر محله بود.

الان آدم اینجا گم می شود. من که دیگر چشم هایم سو ندارد. گاهی از این شلوغی واهمه می کنم. یادم است آن موقع ها اگر کسی مکانی برای زندگی می خواست می رفت تک تک در خانه ها را می زد و می پرسید "اتاق خالی دارید؟" چون این طوری نبود که هر کس در یک خانه مجزا زندگی کند. کسی که ازدواج می کرد می رفت یک اتاق کرایه می کرد. معمولاً خانه های بزرگ و حیاط دار چند اتاق داشتند. اگر وضع مالی صاحب خانه خوب بود که اتاق ها کرسی بلند بودند و معمولاً چند اتاق کوچکتر هم در طرف دیگر حیاط قرار داشت و بیشتر وقت ها صاحب خانه ها خودشان در یک یا دو اتاق با ایوان زندگی می کردند و بقیه



من روزی برای خودم اسم و رسمی داشتم

کامران مالکی

سرگذشت پیرزنی دلشکسته که مدام زمزمه می کند « کاشکی خدا صدای ما بیکسان تنها را بشنود... خدای بزرگ فقط برای یک بار هم که شده برادرم را ببینم، او را به من برسان...»

گفت‌وگو و همدلی با زنی که ۲۳ سال را در خیابان‌های تهران و دیگر شهرستان‌ها خوابیده... کارتن خوابی که روزگاری زن مستقلاً برای خودش بوده... کسی که مامائی و پرستاری می کرده و سه زبان ترکی، انگلیسی و آلمانی هم بلد بوده...

این خانم هم روزی برای خودش اسم و رسمی داشته اما به گفته خودش، روزگار با او ساخته و او را دربه در و آواره کرده. صورتش چروک شده؛ غم در صورتش موج می‌زند و موهایش یکدست، سفید شده؛

هر روز با کوله پشتی و چمدان سنگین در دست‌های پینه بسته‌اش، آرام آرام، خود را به این سو و آن سو می‌کشاند و مدام می‌گوید: آرزو می‌کردم چادر کوچکی داشتم و در آن زندگی می‌کردم؛ دیگر امیدی به زندگی ندارم...»

زنی که ۲۳ سال می‌شود آواره این شهر و آن شهر است، گاهی در تهران، در فرودگاه مهرآباد، در ترمینال ۲ یا ۴ و گاهی در راه آهن و پارک‌ها و یا در شهرستان‌های دورنزدیک از جمله همدان، رزن، رشت، ارومیه، کاشان، کرمان، سنندج، زاهدان، کردستان، آذربایجان غربی و شرقی، مشهد، قم، اراک و اردبیل بوده است و خلاصه هر جا که فکرش را بکنید در خیابان یا پارک یا مسجد و یا پیش دوست و اقوام شب را به صبح رسانده.

هر بار که برای راهی کردن دوستم به پایانه‌های ۲ و ۴ فرودگاه مهرآباد می‌رفتم، با این زن روبه‌رو می‌شدم که در گوشه‌های نشسته بود. اما چند مرتبه ای که برای بدرقه دوستم به فرودگاه رفتم در جای همیشگی نبود به همین خاطر از نگهبانانی که او را می‌شناختند سوال می‌کردم که آیا از او خبری دارند یا نه، که آنها هم اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند و می‌گفتند که ما هم اتفاقاً به او انس گرفته ایم، گاهی برایش غذا می‌آوریم، اما سه هفته بعد که برای بدرقه دوستم رفتم دیدم در جای همیشگی نشسته، خوشحال شدم و به سراغش رفتم و با او گفتم و گو کردم. از این که کسی با او حرف می‌زد، خیلی خوشحال به نظر می‌رسید... این مصاحبه را بخوانید... (گفتنی است عکس‌ها و این مصاحبه در پاییز ۱۳۹۴ توسط آقای کامران مالکی، خواهرزاده استاد قوامی تهیه و دی ماه ۹۴ برای مجله گیلان فردا ارسال شده است.)

رفتم تا دنباله مصاحبه‌ام را با او ادامه دهم. به او گفتم که حرف‌ها و عکس‌های چاپ خواهد شد و او خوشحال از این موضوع بار دیگر آرزو کرد که برادرش با خواندن این گفت و گو او را پیدا کند...

■ از همسران خبری ندارید؟

به تازگی شنیدم که پسر با پدرش درگیر شده و پدر با میله به دستش زده و دستش را سیاه کرده، خیلی ناراحت شدم به خاطر این موضوع از همسر سابقم شکایت کردم. این هم دادخواستی است که برای دادگاه تهیه کرده بودم. ولی متأسفانه باز هم نتوانستم کاری از پیش ببرم.

■ متوجه نشدی علت این درگیری چه بوده؟

بیشتر سر پول است، دو پسر از دست پدرشان همیشه فراری هستند، پسر بزرگم محمد رضا بیشتر در شهر اربیل عراق کار می‌کند و برای خودش مغازه کوچکی اجاره کرده و در آنجا ساکن شده و شب‌ها هم گاهی همانجا می‌خوابد.



■ مادر جان خانه ات کجاست؟ چرا اینجا هستی؟

آه... دیگر خانه ای ندارم... شوهرم مدام من و بچه‌ها را کتک می‌زد...

■ مادر جان خودت را معرفی کن.

اسم من «سیده زهرا والا» یا (لغت افتخار سادات احتشامی درجزینی) است و متولد ۱۳۳۸/۱/۱۵ در شهر اراک هستم. در شهریورماه سال ۱۳۵۲ با مردی با اسم مستعار جلال ازدواج کردم. حاصل این ازدواج دو پسر به نام‌های احمدرضا و محمدرضا است. شوهرم، فقط به خودش فکر می‌کرد، معتاد بود و مرتب من و بچه‌ها را کتک می‌زد و زمانی که من در منزل نبودم، لوازم منزل را می‌برد و می‌فروخت تا خرج موادش درآید.

■ چه شد که کارتن خواب شدی؟

پرستار بودم و برای خودم درآمد داشتم، شوهرم بعضی مواقع از سر کار که می‌آمدم بپوشکی سر کیفم می‌رفت و پولم را برای خرید سیگار یا مواد برمی‌داشت.

یادم می‌آید در سال ۱۳۷۱، روزی که از سر کار به خانه برگشتم با منزلی که خالی شده بود مواجه شدم. آن مرد وسایل منزل را خارج کرده بود و من برای شکایت به کلانتری رفتم اول آنها حرف‌های مرا قبول نکردند، من در کلانتری گفتم او بیشتر وسایل منزل مرا فروخته، شما باید مامور بفرستید تا تحقیق کند ولی نمی‌دانم چرا حرف‌های مرا در کلانتری قبول نکردند. چند روز بعد هم از دادگاه نامه‌ای برای من فرستادند که جلال تقاضای طلاق کرده است و ما در خرداد ماه سال ۱۳۷۱ از یکدیگر جدا شدیم. و از آن موقع یعنی از سال ۷۱ آواره‌ام.

■ آن موقع بچه‌هایتان چه کار می‌کردند؟

شوهرم به دادگاه گفته بود که این زن نمی‌تواند از بچه‌ها نگهداری کند، دادگاه هم دستور داد بچه‌ها را به پدرشان بسپارند. و من از سال ۱۳۷۱ تا کنون آواره این شهر و آن شهر هستم و هیچ جای درستی برای زندگی ندارم.

■ چرا دو پسرت کمکت نمی‌کنند؟

هر دو پسر ازدواج کرده‌اند و خرج خودشان را هم به سختی درمی‌آورند، اجاره نشین هستند و خیلی مشکل دارند. پسر بزرگم با همسرش اختلاف دارند و به زودی می‌خواهند از یکدیگر جدا شوند. من با عروسم سازگاری ندارم و مرتب با هم درگیر می‌شویم. او مدام مرا تهدید می‌کند، به من توهین می‌کند و می‌گوید اگر در زندگی ما دخالت کنی از خانه بیرونت می‌کنم. تو را به خدا نگاه کن عروسم چه حرفهایی به من که جای مادرش هستم می‌زند. ای کاش برادرم این گزارش شما را بخواند تا شاید کمی از مشکلاتم حل شود.

■■■

صحبت به اینجا که رسید احساس کردم یادآوری این خاطرات اذیتش می‌کند. به همین خاطر دو روز بعد، بار دیگر با سیده زهرا والا احتشامی قرار گذاشتم و به پارک ارغوان در خیابان جردن

■ کمی از وضعیت خانواده خودت بگو.

دو برادر و سه خواهر دارم، یک برادر و یک خواهرم که همیشه به من کمک می‌کردند، فوت شده‌اند، گاهی منزل یک خواهرم که در همدان است می‌روم، آن خواهرم که در همدان زندگی می‌کند، فراموشی دارد و مریض است. اما برادر دیگرم در واشنگتن آمریکا است.

■ نمی‌توانی با برادرت ارتباط برقرار کنی و از خواهرت برای تماس با او کمک بگیری؟

دو خواهرم نمی‌گذارند من با برادرم ارتباط بگیرم.

■ چرا؟ علت این موضوع را نپرسیدی؟

شاید به خاطر پول باشد که او بخواهد به من بدهد.

■ مگر می‌شود خواهری که می‌داند خواهرش به کمک احتیاج دارد از این کار جلوگیری کند؟

بله همه چی ممکن است. اما امیدوارم برادرم این گزارش را که شما تهیه کرده‌اید بخواند و به خواهرش کمک کند. خیلی دوست دارم او را زودتر ببینم.

■ گفتی که در فرودگاه، راه آهن، پارک یا ترمینال‌ها می‌خوابی. برایت مشکل ایجاد نمی‌شود اصلاً چطور و با کدام پول به این شهرها سفر می‌کنی؟

کسی که جای خواب ندارد چه کار باید بکند؟

خوب معلوم است هر جا که بتوانم شب را سرکنم، همان‌جا را انتخاب می‌کنم و می‌خوابم. دلیلش هم این است که سرپناه ندارم، گاه در گوشه خیابان، پارک، فرودگاه، راه‌آهن و گاه در مسجد می‌خوابم. هرچند این روزها مخصوصاً خوابیدن در فرودگاه و راه‌آهن، بسیار سخت‌تر شده چون فقط کسانی که بلیط دارند اجازه دارند در این محل‌ها بخوابند.



کتاب و نوارهای آموزشی که داشتم یاد گرفتم و چون در کنار دکتر انگلیسی هم کار می کردم، خیلی تاثیر داشت و زبان آلمانی را بیشتر به خاطر آن که قبلا یاد گرفته بودم در کنار دکتر آلمانی هم بیشتر یاد گرفتم. و برایم حرف زدن سخت نبود و متوجه حرف ها، فیلم و نوشته های دکتر می شدم. گاه حتی پیش می آمد که دکتر در وزارت بهداشت حضور نداشت، و سوال بیمارها یا اشخاصی که از وزارت بهداشت کشور ایران انگلیسی یا آلمان مراجعه می کردند من جواب گوی آنها بودم و آن دکترها مرا خیلی دوست داشتند. آن زمان ها من خیلی استعداد داشتم و هر چیزی را زود فرا می گرفتم و نظر آن دکترها هم همین بود که شما زنی با استعداد هستی. همه به من می گفتند حیف که نشد ادامه تحصیل دهی!

■ **الان اگر کسی به زبان انگلیسی یا آلمانی صحبت کند متوجه می شوی؟ آیا هنوز فراموشی نکردی؟**

زیاد یادم نرفته، هنوز یادم است و اگر جایی باشم و یا در رابطه با فیلم های پزشکی که به شغل قبلی من که بهیاری و پرستاری بود مربوط باشد بله به یاد دارم و می توانم صحبت کنم و گلیم را از آب بیرون کشم.

■ **خیلی جالب است با این همه مشکل و ناراحتی که داری هنوز کمی از این دو زبان به یادت مانده.**

یادش بخیر، آن موقع من می خواستم برای ادامه تحصیل به کشور آلمان بروم. یعنی در جوانی قرار بوده همان خواهرم که فوت کرده مرا برای ادامه تحصیل به یکی از دانشگاه های معروف در آلمان بفرستد تا دوره کامل مامائی، پرستاری و بهیاری را در آنجا ادامه دهم، تمامی کارهایم را برای رفتن آماده کرده بودم اما شوهر سابقم مرا ممنوع الخروج کرد و نتوانستم به آلمان سفر کنم.

■ **این مدت که طلاق گرفته ای به دنبال کاری که در گذشته انجام می دادی رفته ای؟ زبان هم که گفتی کمی هنوز یادت است.**

بله زبان کمی یادم مانده، من خیلی زیاد، به بیمارستان ها و جاهایی که کار می کردم سر می زدم ولی دیگر به من کار پرستاری نمی دهند و می گویند سن تو زیاد است و نمی توانی کار کنی. چون در درجه اول باید شخص کارمند از سلامتی کامل بهر مند و جوان هم باشد.

■ **آیا اهل موسیقی و یا مطالعه هستی؟ به کتاب یا روزنامه در حال حاضر علاقه داری؟**

بله گاه گاهی اگر بتوانم مطالعه هم می کنم. چون آنقدر فکر در سر دارم که جایی برای مطالعه نمی گذارد و موسیقی هم گاهی گوش می دهم به موسیقی سنتی ایرانی خیلی علاقمند هستم.

■ **گفتی که خودت مریض هستی آیا مریضی خاصی داری؟**

بله من مریضی زردی گرفتم و باید در بیمارستان شیراز بستری شوم و فقط در بیمارستان شیراز این مریضی درمان می شود.

■ **اگر پیغامی برای مردم یا برای مسولین کشورمان یا کسانی که مثل خودت هستند داری، بگو.**

آه... آرزو دارم ان شاءالله همه سلامت باشند، کسانی که مانند من بی خانمان و تنها هستند، اگر خانواده دارند، تنها نمانند. از مردم عزیزم می خواهم ما بیکسان را فراموش نکنند. از مسولین کشورم خواهش میکنم به فکر ما بی خانه مان ها هم باشند. و امیدوارم روزی این مصاحبه ای را که با من کردین را همه کسانی که قبلا مرا می شناختن بخوانند، مخصوصا برادرم سید مجتبی احتشامی که در آمریکا است، شاید به یادش بیفتد که یک خواهر بیگس و تنها در این دنیای دور دارد...

■ ■ ■

من در پایان مصاحبه ام با خانم زهرا والا احتشامی از او تشکر و برایش دعا کردم که هرچه زودتر بیماریش خوب شود، او هم مرا دعا کرد و گفت «بعد از خدا دلخوشی من به شمامست. امیدوارم مرا تنها نگذاری پسر مهربانم... کاش برادرم مرا پیدا کند...»

تا به حال چندین بار ماموران کنترل مرا از خواب بیدار کردند و از من بلیط خواستند و من بلیط نداشتم که نشان دهم و مجبورم کردند از آن محل بیرون بروم. تو را به خدا شما بگوید که کسی که جا ندارد باید چکار کند، آیا باید با من پیروز که جای مادرشان هستم این طور رفتار کنند؟!

■ **پول سفرتان را چه می کنید؟**

من در ترمینال از هر کس که سفر می کند خواهش می کنم چون هزینه ندارم کمکی برای سفر به من بدهند و بعضی ها قبول می کنند که به من کمک کنند و مرا هم تا هر جایی که مقدور است برسانند. بعضی ها هم مرا تا مقصد می رسانند که خدا عمرشان دهد. چون می بینند من جای مادرشان هستم موهای سفید است این کار را برایم انجام می دهند. تازه ممکن است پول هم برای خرج سفر به من بدهند و بیشتر کمک کنند.

■ **کسی را در این شهرهایی که می روی نداری؟**

کسانی که سال های گذشته پیششان می رفتم هستند. در تمامی این شهرهایی که سفر می کنم پیش آنها می روم به من پول و لباس می دهند خیلی کمک می کنند. اگر هم نباشند به همان "پارک، ترمینال و سایر جاهایی که نام بردم پناه می برم که خیلی برایم مشکل است. چون انتظامات آنجاها که می خواهم ایراد می گیرند.

■ **خب همیشه که این اشخاص نیستند به شما کمک کنند بقیه خرج زندگی را از کجا تامین می کنی؟**

مبلغ کمی کمیته امداد به من کمک می کند، ولی با این خرج های گران به کجای آدم می رسد، گاهی وقتها اگر شوهر دخترخاله ام بگذارد، دخترخاله ام یا دوستان آنها یا کسانی که مرا بشناسند به من کمک می کنند و به تازگی هم مادر و عموی شما که به من کمک می کنند و از آنها ممنون هستم.

■ **شوهر سابق شما چه کار می کند؟**

شوهر سابقم ازدواج کرده و از زن جدیدش هم بچه دارد. شوهرم بعد از طلاق من از تهران به خوی رفته، به نظرم در آنجا هم خیلی ها معتادند و من موردی را سراغ دارم که مردی زنش را به خاطر تهیه پول مواد مخدر به پانصد هزار تومان فروخته است!

■ **گفتی قبلا ماشین داشتی و رانندگی می کردی؟**

بله من رانندگی بلد بودم و یک ماشین ژیان قدیمی هم داشتم.

■ **کمی به گذشته ات برگردیم، از شغلی که در گذشته داشتی بیشتر صحبت کن؟**

در سال ۱۳۵۰ در تفرش و آشتیان دوره بهیاری پرستاری را دیده و مامایی می کردم و در سال ۱۳۵۲ در جندی شاپور و اهواز در کنار چند دکتر ایرانی آلمانی و انگلیسی در اتاق عمل کار می کردم و دستیار دکترها بودم. یک سال و نیم در رابطه با نظارت بر مواد غذایی در رستوران ها به دستور وزارت بهداشت شهر همدان کار می کردم و گزارش های مربوط به بهداشت رستوران ها را برای آنها نوشته و نزد وزیر بهداشت شهر همدان می بردم. یک ماشین ژیان داشتم و کارم را با این ماشین قدیمی انجام می دادم.

■ **پس رانندگی هم بلد بودی.**

بله و تا سال ۱۳۶۷ ماشینم را داشتم.

■ **الان هم از رانندگی چیزی یادتان مانده؟**

زیاد نه چون زمان زیادی گذشته و من هم پیر و مریض شده ام. البته من چند زبان هم بلد بودم...

■ **چه زبان هایی بلد بودی؟ آیا هنوز هم چیزی یادت مانده است؟**

زبان ترکی که زبان مادریم است بلدم و زبان آلمانی و انگلیسی را تا مقداری یادم است ولی زبان اصلی من ترکی است. زبان آلمانی را در سال ۱۳۴۵ وقتی به انستیتو گوته در تهران می رفتم، تا پنج ترم خواندم و بسیار علاقه داشتم به یادگیری این دو زبان و زبان انگلیسی را هم با





رشت پایتخت فرهنگی و هنری

برگزاری بزرگداشت روز رشت نمادی از فرهیختگی و هنر دوستی



گیلان فردا، مرصده دیلمی - تابستان بود که برای شرکت در همایشی به پژوهشگاه گیلانشناسی رفته بودم. اتفاقاً آن روز استاد روبرت واهانیان (استاد پیشکسوت معمار) را دیدم و با هم در مورد موضوعات فرهنگی و معماری شهر رشت مشغول صحبت شدیم و همان موقع مصاحبه ای شفاهی در مورد تاریخچه شکل گیری گلسار رشت با ایشان انجام دادم. (که در شماره اول مجله گیلان فردا چاپ شد). یاد است همان روز ایشان در مورد نامگذاری روزی با عنوان «روز رشت» با من صحبت کردند و گفتند که پیشنهادی را در این خصوص به شهرداری و شورای شهر داده اند. جالب اینکه پس از چند ماه که دست اندرکاران و مسئولان محترم، پیشنهادات مختلف شهروندان را در این زمینه بررسی کردند به این نتیجه رسیدند که از جهات مختلف پیشنهاد استاد واهانیان معقول تر است و تصمیم بر این شد که روز ۱۲ دی ماه مقارن با روزی که شهر رشت به عنوان مرکز گیلان انتخاب شده بود به عنوان «روز رشت» نامگذاری شود.

این حرکت خوب و با ارزش فرهنگی از سوی مدیران و مسئولان شهرداری و شورای اسلامی شهر رشت این پیام را در برداشت که رشت هنوز هویت فرهنگی خود را حفظ کرده است و اهالی شهر به فرهنگ و هنر که قدمتی دیرینه در این شهر و استان دارد ارج می دهند. در همین راستا و برای برگزاری این حرکت نمادین و با اهمیت چند روز جلوتر از طریق رسانه های مختلف اطلاع رسانی شد.

من هم در وهله اول به عنوان یک شهروند علاقمند به فرهنگ و هنر شهرم و در مرحله بعد به عنوان یک خبرنگار در این مراسم با ارزش شرکت کردم، منتهی با یک تفاوت و آن اینکه سعی کردم قدم به قدم نظرات مردم از اقصای مختلف را هم جویا شوم. براساس آنچه که من دیدم و شنیدم

اول اینکه پس از مدت ها برگزاری چنین جشنی در این سطح و با حضور حدود پنجاه گروه تئاتری و هنری در خیابان از سبزه میدان تا میدان شهرداری خودبخود برای مردم وجدآور و زیبا به نظر می رسید. و این نه با نیت خوانی بلکه با دیدن سیمای بانشاط شهروندان کاملاً مشهود بوده است. گروه های فرهنگی و هنری که به حق زحمت کشیدند تا تنها گوشه ای از فرهنگ و آداب و سنن این خطه را به نمایش بگذارند به خوبی برنامه هایشان را اجرا کردند. اجرای نمایش های آیینی در حوزه های فرهنگی، هنری، مذهبی و اجتماعی و زنده نگهداشتن برخی از رسوم کهن به صورت نمادین آن هم در فضایی که گاه و بیگاه افراد به بهانه های مختلف دچار رکود و سستی و بی انگیزگی می شوند بسیار حایز اهمیت بوده است.

دوم اینکه قریب به اتفاق کسانی که نظرشان را در باره مراسم بزرگداشت شهر رشت جویا شدم از این حرکت فرهنگی راضی بودند. البته این رضایت، نافی کاستی ها و یا تفاوت سلیقه ها نیست. چون طبیعتاً هر کاری را می توان بهتر هم انجام داد ولی با توجه به امکانات موجود برگزاری این مراسم در چنین سطحی، آن هم زمانی که هنوز پیاده راه سازی میدان شهرداری به اتمام نرسیده است از نظر مردم با ارزش بود. اما نکته ای دیگر هم در بیان نظرات بعضی از شهروندان شنیده می شد که پیامی قابل تامل است، هر چند که این پیام دیگر آن قدر تکرار شده و محسوس است که شاید به بازگویی دوباره آن نیازی نباشد. و آن این که کاش وضعیت اقتصاد و معیشت مردم بهتر شود تا با طیب خاطر بیننده چنین کار فرهنگی با ارزشی باشند و دغدغه های مالی روزمره مجالی برایشان باقی بگذارد، مجالی که بهتر ببینند و بهتر فکر کنند.

بی شک نباید فراموش کرد که هنر و هنرمند همیشه جاودانه هستند. در واقع آفرینش و خلق یک اثر فرهنگی و هنری یعنی بازآفرینی آنچه که در اندیشه است و قادر خواهد بود علاوه بر صیقل روح و روان، جامعه را از گزند آفات و ناهنجاری ها دور نگه دارد. بنابراین شایسته است که برنامه ریزان و سیاستگذاران از چنین ظرفیت بزرگی غافل نبوده و در تقویت و انگیزش این عزیزان بکوشند.

به نظر می رسد برگزاری مراسم «بزرگداشت روز رشت» و دعوت از عموم مردم، پیشکسوتان، اساتید، هنرمندان و همه عزیزان دور و نزدیک همراه با حضور فعال و گرم جوانان از سوی شهرداری و شورای اسلامی شهر رشت قابل تقدیر است. و اکنون نظر شهردار محترم مبنی بر اینکه رشت می تواند پایتخت فرهنگ و هنر کشور باشد دور از دسترس نیست. چه، رشت گنجینه ای از فرهنگ، هنر، ادبیات، تاریخ، سینما، تئاتر، موسیقی و... است و با دارا بودن هوایی دلپذیر، طبیعتی بکر و چشم نواز و دریایی آبی در چند قدمی، می تواند رویای حضور هر فردی به عنوان شهروند در این شهر باشد به شرط اینکه رشت را به معنی واقعی بسازیم و این ساختن را از خود شروع کنیم...

عکس ها: مجتبی محمدی



دکتر فاضلی، مدیرکل استان گیلان:

اکنون باید موارد جدیدی از اولین‌ها را برای استان رقم زد

فرهنگ و هنر میراث گرانیهای جوامع انسانی



گیلان فردا- زمستان ۹۴ مجتمع فرهنگی هنری خاتم الانبیای رشت حس و حال دیگری داشت. برگزاری جشنواره فجر با حضور فعال گروه های مختلف فرهنگی، هنری، کانون های تبلیغاتی، موسسات انتشاراتی، چاپخانه داران، کانون های فرهنگی و هنری مساجد، شرکت های فیلم سازی، آموزشگاه های سینمایی و انجمن های قرآن، شعر و... رضایتمندی خاصی را به تصویر می کشید. طی روزهای برگزاری نمایشگاه دهه فجر و برگزاری مراسم افتتاحیه و اختتامیه (با همه کم و کاستی های احتمالی در برگزاری چنین مراسمی) علاقمندان زیادی از غرفه های موسیقی، خطاطی، نقاشی، هنرهای تجسمی، گرافیک، تئاتر، گروه های نمایشی، گروه های سینمایی و... بازدید کردند و پیشکسوتان و هنرمندان این حوزه ها ضمن ایجاد فرصت برای علاقمندان جوان تر، سعی کردند این تعامل را تقویت نمایند. به طور یقین این حرکت های فرهنگی موجب همگرایی و همدلی بیشتر میان اصحاب فرهنگ و هنر استان و شهرستان شده و استمرار آن ضمن قدردانی از زحمات پیشکسوتان، می تواند استعدادهای جدیدی را شکوفا سازد.



اعتلای فرهنگ جامعه، هدف مشترک همه هنرمندان

دکتر فاضلی، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان با اعتقاد بر اینکه اعتلای فرهنگ جامعه، هدف مشترک همه هنرمندان بوده و فرهنگ و هنر میراث گرانیهای جوامع انسانی است گفت: انسان ها دیده شدن در جامعه را دوست دارند و این دیده شدن از خصلت های مهم یک انسان هنرمند است، لذا نخستین جشنواره فرهنگی و هنری فجر در راستای معرفی و برجسته سازی عصاره های از دستاوردهای فرهنگی هنرمندان استان برگزار شد.

وی با اشاره به اینکه همواره از داشته های گذشته خود مانند نخستین خانه تئاتر در گیلان یاد می کنیم افزود: یاد کردن از نخستین ها خوب است اما در زمان کنونی باید موارد جدیدی از اولین ها را برای استان رقم زد.



بهره مندی از تولیدات فرهنگی هنری گیلان

محمد حسن پور، رییس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی رشت با اشاره به استقبال مردم از جشنواره فرهنگی و هنری فجر رشت گفت: استان گیلان و شهرستان رشت به لحاظ فرهنگی و هنری دارای ظرفیت های بالایی است و شناسایی هرچه بیشتر ظرفیت های فرهنگی و هنری شهرستان رشت و بهره مندی از تولیدات فرهنگی گیلان و ایجاد شور و نشاط فرهنگی اهداف این جشنواره بوده است.

وی طراحی و تدوین جشنواره فرهنگی و هنری فجر رشت توسط خود هنرمندان را این ویژگی های بارز این جشنواره برشمرد.

لازم به یادآوری است در جشنواره فرهنگی هنری فجر که با حضور آموزشگاه های نمایش، تجسمی، موسیقی، کانون های تبلیغاتی، موسسه های انتشاراتی، چاپخانه داران، کانون های فرهنگی و هنری مساجد، شرکت های فیلم سازی، آموزشگاه های سینمایی و انجمن های قرآن، شعر و... در نمایشگاهی که با ۲۷ غرفه در فضای داخلی و بیرونی مجتمع فرهنگی خاتم الانبیا (ص) رشت برپا شد، اکران فیلم های سینمایی، اجرای نمایش آموزشگاه ها، ویژه برنامه عصری با شعرای انقلاب، مراسم رونمایی از کتاب، آیین شیبی با قرآن، ورک شاپ عکاسی، معرفی و رونمایی از نشریات دانشگاه گیلان، تست بازیگری، کارگاه های آموزشی موسیقی و فیلم سازی و... برگزار شد و استقبال خوب علاقمندان از این رویداد فرهنگی نشان داد که رشت همچنان این ظرفیت را دارد که بر تارک فرهنگ و هنر این مرز و بوم بدرخشد.

نوروز، جشنی زیبا در جهان ایرانی

دکتر بهرام امیراحمدیان*



نوروز آیینی است کهن و ماندگار با تاریخی شکوهمند که در گستره جغرافیایی جهان ایرانی از غرب چین تا آناتولی، از شبه قاره هند و افغانستان در شرق تا بین‌النهرین در غرب و از سین کیانگ و آسیای مرکزی در شمال شرق تا دامنه‌های شمالی قفقاز بزرگ در شمال و آسیای صغیر در شمال غربی را شامل می‌شود و دورتا دور ایران زمین را به عنوان خاستگاه تمدن ایرانی در بر می‌گیرد. این آیین کهن و ارزشمند با جشن‌ها و مراسم معنوی و مادی علاوه بر ایران زمین در همه جمهوری‌های آسیای مرکزی و استان سین کیانگ در غرب چین با شکوه تمام برگزار می‌شود. اویغورها، ترکمن‌ها، ازبک‌ها، قره‌قالپاق‌ها، قزاق‌ها و قرقیزها، آذربایجان، ترک‌های شمال قفقاز از جمله ترک‌های دربند در داغستان، افغان‌ها، پشتون‌ها، بلوچ‌های پاکستان و بلوچ‌ها و تاجیک‌های آسیای مرکزی، کردهای ترکیه، عراق و سوریه و تات‌ها و تالش‌های قفقاز، و ترک‌های آناتولی همه در باور به این آیین شکوهمند و در برگزاری آن با هم سهیم هستند و از مراسم «میر نوروزی» در قزاقستان تا کردستان عراق، تا سبز کردن گندم در تمامی این گستره عظیم و پختن سمنو در جای‌جای این قلمرو در پیشواز نوروز باستانی و عید نوزایی طبیعت و دگرگونی جان و تن و نبات و جماد به هم می‌پیوندند و تازه می‌گردند. ویژگی‌های رحمانی، الهی و فرهنگی، راز ماندگاری این سنت از پیش از اسلام تا امروز و سال‌ها و دهه‌ها و سده‌های آینده است که آیین‌ها، سنت‌ها، باورها و جشنهای آن سرشار از معنویت و نوع دوستی و شکر نعمات الهی و دوستی و مهربانی و احترام به هم‌نوع و زودن کدورت‌ها و پاک و تازه گرداندن دل‌ها و الهی شدن قلب‌هاست. بی‌جهت نیست که سازمان فرهنگی و هنری سازمان ملل متحد (یونسکو) سرانجام در پاسخ به پیشنهاد ایران این میراث مشترک جهانی را به عنوان یک میراث بشری به ثبت رساند.

نوروز، تحکیم رابطه انسان با طبیعت

نوروز از معدود آیین‌هایی است که در آن رابطه انسان و طبیعت و پاسداری از محیط زیست متجلی می‌شود. آیین‌های نوروزی آن چنان در دل مردم نشاط می‌آفریند که از گذشته دور تا کنون نه تنها از بین نرفته بلکه بر شکوه آن افزوده شده است. کمتر آیینی را می‌توان یافت که ضمن برخورداری از جنبه‌های مردمی توانسته باشد بر روح و جان مردم ریشه دواند. آیینی است توحیدی که هم ویژگی‌های مردمی و انسانی در آن وجود دارد و هم آیین دینی و مذهبی پنداشته می‌شود. این آیین‌ها که از دوره باستان وارد قلمرو امپراتوری ایران شد، پس از اسلام نیز به حیات روحانی خود ادامه داد. دین اسلام هر آنچه روش‌ها، باورها و آیین‌هایی که مخالف با اندیشه‌های اسلامی بود، در قلمرو خود منسوخ کرد. ولی نوروز با تمام قدرت خود ماندگار شد. راز این ماندگاری چیزی نبود جز ویژگی‌های آیینی آن که مظاهر شرک و بت پرستی در آن نبود.

نوروز، جشنی برای شادمانی و سپاسگزاری

آیین نوروزی سپاسگزاری به درگاه یزدان به پاس نعماتی است که در اختیار انسان گذاشته شده است. با نگاهی به آیین‌های نوروز از جمله چهارشنبه آخر سال، سفره هفت سین، مراسم تحویل سال، دید و بازدیدهای نوروزی، اهدای عیدی، و مراسم سیزده بدر، همه به نحوی با روابط انسان و طبیعت و روابط بین انسان‌ها وابسته است. در مراسم نوروز، سبز کردن گندم جزو سنت معمول است که در تمام کشورهای که در حوزه نوروز قرار دارند بدون هیچ گونه تفاوتی انجام می‌گیرد. سبزی گندم نشانه احترام به طبیعت و رستنی است. از طرفی گویای این واقعیت است که برای پاسداری از نعمات الهی باید آن را عزیز داشت.

قلمرو جغرافیایی نوروز

قلمرو جغرافیایی حوزه نوروز در ناحیه کم‌اب‌کره زمین واقع شده است. در اینجا

آب ارزش بسیار دارد و حیات انسان و طبیعت مستقیماً بدان وابسته است و با یکدیگر پیوند عمیق دارند. در کتیبه بیستون آمده است که اهورا مزدا این سرزمین را از خشکسالی در امان نگاهدارد. این قلمرو گستره سرزمین میترائیسم و مهر پرستی بود و تمام عناصر آن را اکنون نیز می‌توان بازشناخت. دین مبین و انسان ساز اسلام نیز ارزش زیادی برای آب قائل است.

نوروز در ادبیات و هنر

در آثار تمام شاعران و هنرمندان و نقاشان، آب عنصر اساسی است. همین طور در کنار آب رستنی و گیاهان به ویژه «باغ» عنصری نمادین است. به همین سبب در آیین نوروزی در سفره هفت سین سبزی یا گندم سبز شده عنصر اساسی و نمادی از حیات دوباره طبیعت است و تنگ و ماهی نشانی از زندگی است.

سمنو که یکی از عناصر اصلی سفره هفت سین است، از آرد جوانه گندم تهیه می‌شود. سمنو سرشار از ویتامین «ای» است که اکسیدانی قوی و بی‌اثر کننده رادیکال‌های آزاد در بدن است. سمنو علاوه بر آن دارای انواع ویتامین‌های «بی» است که مصرف آن ضمن تأمین کالری برای حفظ جوانی، سلامتی و رفع افسردگی بسیار مفید بوده و ضد پیری است. بنا بر آنچه گفته شد در این حوزه گندم و در نهایت نان دارای ارزش مادی و معنوی بسیار است. تکه نان را کسی زیر پا نمی‌گذارد. نان کسی را نمی‌بُرند و به گرسنه نان می‌دهند و هزاران پند و امثال حکم درباره نان گفته شده است. بی‌جهت نیست که گندم سبزی زینت بخش سفره هفت سین است. هم نعمت و هم سبزی است. از قول پیامبر اسلام گفته شده است که نگرستن به رنگ سبزی بینایی را تقویت می‌کند، چیزی

که امروزه جهان علم بدان باور رسیده و آن را توصیه می‌کند. آیین نوروز چنان با اسلام در آمیخت و با آن عجین شد که امام ششم شیعیان آن را آیین مبارک و مقدس برشمردند و پیروان خود را به برگزاری و بزرگداشت آن دعوت کردند. در آثار تمام شاعران حوزه نوروز به نحوی به عید نوروز و آیین‌های آن اشاره رفته است. فردوسی طوسی، ناصر خسرو قبادیانی، حکیم عمر خیام، سعدی شیرازی، حافظ شیرازی، نظامی گنجوی، منوچهری دامغانی، و بسیاری دیگر در وصف بهار و نوروز سخن گفته‌اند.

نوروز و اقتصاد

برگزاری جشن نوروز که در میان حدود ۳۰۰ میلیون مردم حوزه نوروز رواج دارد، چندین بخش اقتصادی از جمله تولید مواد غذایی (شیرینی و خشکبار)، پوشاک (نو کردن لباس و کفش)، تولید وسایل و لوازم خانگی (مبل‌مان و فرش)، حمل و نقل، هتلداری و رستوران، چاپ و انتشارات و برخی دیگر از صنوف را به تحرک وادار می‌کند و گردش اقتصادی عظیمی را سبب می‌شود.

* استاد دانشگاه تهران و کارشناس مسایل آسیای میانه



هنر مفهومی و نگاه دگرگونه به اشیاء



محمد تقی مرتاض هجری

در دنیای معاصر رویدادهای کوچک همان قدر از اهمیت برخوردارند، که پدیده‌های بزرگ نیز چنین اند. فرقی نمی‌کند که رخدادها در چه زمینه‌ای و یا با چه انگیزه‌ای اتفاق می‌افتد، همان که نگاه و نظر افراد را به خود جلب نماید به مقصود و هدف خود رسیده است. از این نظر رویدادها را

باید بخشی از تحولات جامعه امروزی به شمار آورد. به ویژه در عرصه هنر که مسائلی را در قالب ایده نو شکل می‌دهد. با تأمل در رخدادهاى اخیر کشور فرانسه و در پی ممنوعیت برگزاری راهپیمایی همزمان با کنفرانس بین‌المللی سران کشورها در پی تغییرات آب و هوایی در پاریس، تظاهرات کفش‌ها، خود نمونه‌ای بود از ویژگی هنر مفهومی دنیای معاصر که سازمان غیر دولتی موسوم به (آزاد) در یک اقدام

ابتکاری توانست صدها جفت کفش را در میدان جمهوری این شهر به عنوان نمادی از شرکت کنندگان که از راهپیمایی منع شده بودند به نمایش بگذارد که در نوع خود بی نظیر بود. هرچند چنین رویدادی در ایران هم مسبوک به سابقه بود. آن گونه که در گذشته نه چندان دور و در دهه هفتاد و هشتاد برگزاری چنین نمایشگاهی را در موزه هنرهای معاصر تهران شاهد بودیم. البته نه به عنوان امر اعتراضی، که بیشتر به جنبه نمایش آثار و هنر مفهومی توجه داشت که از طرف مدیریت موزه برگزار شد. چنین نمایشگاهی برای اولین بار در سطح وسیعی در گالری‌های داخل موزه و فضای اطراف آن معروف به باغ مجسمه ارائه شد که در نوع خود شروع آرایه آثار مفهومی در ایران بود.

هنر مفهومی که بیش از چند دهه از مطرح شدن آن در اروپا و غرب می‌گذرد، معیار جدیدی در عرصه هنر و ذهنیت زیباشناختی جدید بود. بها دادن به فکر و اندیشه و خلاقیت های هنری از آن روی با اهمیت تلقی شد که پیش از این در یک اثر هنری نگاه اغلب متوجه شکل ظاهری آن بود.

بررسی و قضاوت بیشتر به عناصر تشکیل دهنده آن معطوف می‌شد و

کمتز به شیوه بیان توجه می‌شد. در صورتی که در هنر معاصر این شیوه هنری است که معنی و مفهوم اثر را آشکار می‌سازد. اگر در گذشته مفاهیم به وسیله عناصر موجود در تابلو نقاشی (خط، رنگ، فرم، فضا...) مطرح می‌شد، در این زمان و در شرایط معاصر این خود شئی است که می‌تواند در قالب یک اثر هنری به بیان موضوع بپردازد. از این منظر هنرمند فارغ از ابزار نقاشی، می‌تواند از هر چیزی که نظر مخاطب را

جلب نماید استفاده کند. از طرفی هنر مفهومی آن گونه هم نیست که در قالب شناخته شده ارائه شود و یا با زیباشناسی هنری گذشته مورد مقایسه قرار گیرد.

اینکه هنرمند در چه شرایطی و با چه ابزار و اشیایی می‌خواهد به بیان موضوع بپردازد، مهم خواهد بود. و اینکه شئی مورد نظر از دست ساخته‌های انسانی است و یا چیز دیگر، چندان تغییری در ماهیت موضوع نخواهد داشت. هنرمند همان که با ارائه آثار مصنوعی، ایده‌ای را مطرح می‌سازد و ذهن‌ها را متوجه موضوع می‌نماید به هدف خود دست یافته است.

امروزه از هنر مفهومی نه به عنوان آثار نمایشگاهی، که بیشتر به صورت شیوه هنری برای اهداف اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. طبیعی است که به آن هم مانند یک اثر ماندگار چون تابلو نقاشی و یا دیگر آثار هنری نگاه نشود. چه، محور مرز یک اثر هنری با یک شئی مورد نظر، همه آن الزاماتی است که هنر مفهومی را مشخص می‌سازد.

اینکه منتقدین و مفسران هنر معاصر را چند لایه تصور می‌کنند ناشی از همین دیدگاه است. و این چیزی نیست جز کیفیت بصری متفاوت

که همواره شناخت و درک تازه‌ای از آثار هنری و زیبا شناختی ارائه می‌دهد. چنین شاخصه‌هایی را باید پاسخی به ضرورت‌هایی دانست که جامعه با آن روبه‌رو است. و از طرفی هر شئی در ذات خود دارای پتانسیل‌های بصری است که از طریق هنرمند کشف می‌شود. و این چیزی نیست جز داشتن ذهنیت مدرن نسبت به اشیاء و پدیده

ها و زمینه‌ای که شیوه‌ها و سبک‌های جدیدی را در دنیای هنر معاصر شکل می‌دهد و هنرمند را در گستره مفاهیم و پدیده‌های جدید یاری می‌رساند. نمایش کفش‌ها در پاریس یک رویداد به ظاهر کوچک هنری در عرصه بزرگترین اجلاس جهانی سران کشورها بود و نشان داد که اندیشه

چگونه می‌تواند با به نمایش گذاشتن صدها جفت کفش، همه نگاه‌ها را به خود جلب کند و جهان خبر را در برگزاری نشست بین‌المللی تحت الشعاع قرار دهد، بدون اینکه در نگرش و رفتار اجتماعی افراد خللی ایجاد کند. هنر را باید بیش از این جدی گرفت و به ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی آن پی برد.

* هنرمند

و فرهنگی بازنشسته

هنر مفهومی



موزه هنرهای معاصر تهران ۱۳۸۰



همدلی از همزبانی بهتر است

سارا فرزانه *



تو اگر در تپش باغ، خدا را دیدی، همتی کن و بگو ماهی ها، حوضشان بی آب است...

ادبیات برای بشر همیشه غذای روح بوده و هست. به اعتقاد صاحبان نظر شعرها و سرودها، دیوان های اشعار، امثال و حکم و ضرب المثل ها، داستان ها و افسانه ها، نقاشی ها، خوشنویسی ها، خطاطی ها و هنرهای گوناگونی که به کلام و سخن و نوشته مربوط می شود، گستردگی دامنه ادبیات را نشان می دهد. گیلان هم از دیرباز مهد شعر و ادب و هنر بوده است. و ما این بار پای صحبت و درد دل تعدادی از شاعران و ترانه سرایان گیلان نشستیم

تا با نظراتشان بیشتر آشنا شویم. براساس اطلاعات موجود انجمن شعر مجتمع فرهنگی هنری خاتم الانبیا رشت حدود دو دهه پیش شروع به کار کرد و شاعرانی مانند جلیل واقع طلب، آرش فرزام صفت، مسعود حاکم زاده، سیده زهرا حسینی، رضا نیکوکار، هانی ملک زاده، مجتبی قاضی، و... عهده داره مسئولیت هیأت مدیره این انجمن بوده اند.

این انجمن با هدف دورهم جمع کردن شاعران مطرح شهرستان و به وجود آمدن قطب شعر در استان دایر شد و شاعران جوان و علاقمند به ادبیات نیز توانستند فرصتی برای تبادل نظر و یادگیری داشته باشند. این انجمن جلسات ماهانه و همچنین در مناسبت های آیینی و ملی، شب شعرهایی را با حضور شاعران برگزار کرده و می کند. لازم به یادآوری است در حال حاضر شهرستان رشت چند انجمن شعر فعال دارد. از جمله انجمن شعر خاتم الانبیا رشت، انجمن شعر حوزه ی هنری شهرستان رشت، جلسات شعر خانه فرهنگ ساغریسازان و انجمن شعر و ترانه خانه فرهنگ و هنر وابسته به سازمان فرهنگی ورزشی شهرستان رشت و ... در همین رابطه برای اینکه از نظرات فعالین این انجمن ها در خصوص جایگاه شعر در استان و چگونگی فعالیت شاعران عزیز مطلع شویم، نظر تعدادی از عزیزان را با طرح موضوعاتی از جمله چگونگی فعالیت ها، حمایت ها، مشکلات، اهداف، برنامه ها، انتظارات، کمبودها و... جویا شدیم. با ذکر این نکته که آقایان مجتبی قاضی، مرتضی احمدی، آرش فرزام صفت، رضا نیکوکار و تنی چند از عزیزان دیگر با فرصت مصاحبه نداشتند و یا ترجیح دادند سکوت کنند و همچنین با یادآوری این نکته که برای دریافت عکس مناسب و با کیفیت از بعضی از عزیزان شرکت کننده در مصاحبه وقت زیادی صرف شده، ماحصل این گفت و گو را که پس از حذف نکات تکراری، ویرایش شده است در ادامه می خوانید:



حداقل ۲۰۰ هزار تومان دریافت می کنند! و این تنها حق الزحمه ی شخص برگزار کننده است، بماند که برای حضور اساتید مختلف قراردادهای مشخص سالیانه با آنها منعقد می شود و البته کم نداریم اساتیدی که بدون هیچ توقع مالی در این گونه جلسات حاضر می شوند و تجربیاتشان را در اختیار اعضا قرار می دهند. برای مثال در همین گیلان خودمان دکتر نیکویی که یکی از برترین اساتید ادبیات دانشگاه های کشور هستند اغلب اوقات در جلسات ما که در حوزه هنری گیلان برگزار می شود حضور پیدا می کنند. اما این قضیه نباید باعث شود که بتوانیم رفتاری در شان این اساتید داشته باشیم.

همینطور دوستانی هم بوده اند که خالصانه و بدون هیچ چشم داشتی برای اینکه قدمی در راه ارتقاء شعر و ادبیات بردارند از هیچ تلاشی فروگذار نکرده اند. افرادی مثل آقای آرش فرزام صفت که بعد از مدت ها فاصله گرفتن از محافل ادبی آمدند و قبول مسئولیت کردند و خود بنده به شخصه از نزدیک شاهد این تلاش ها بوده ام و خودم هم کوچکترین سهم را در این امر داشتم و یا بوده اند مسئولان استانی که دغدغه واقعی شان هنر و ادبیات بوده و گام های موثری در این راه برداشته اند. افرادی مثل آقای مرتضی عاطفی مدیر کنونی سازمان پسماند شهرداری رشت و رئیس سابق سازمان فرهنگی ورزشی رشت که از هیچ تلاشی در این راه فروگذار نکردند و در طول زمان ریاست ایشان در سازمان فرهنگی شاهد پیشرفت های خوبی بودیم.

به هر حال ما در این دوره ها همیشه تلاشمان بر این بوده که با کمک اساتید و ناقدان برجسته استانی بتوانیم سطح کیفی شعر اعضا را با ترغیب آنها به مطالعه، تعمق و تفکر تا حدی ارتقاء بخشیم، مابقی بستگی به ممارست و جدیت خود اعضا دارد که خوشبختانه می توانم ادعا کنم، تمام افرادی که در این جلسات حضور داشته اند مخاطبان جدی شعر بوده اند و برای ادبیات زمان صرف می کنند و این ها برای ما دلگرم کننده است.

درباره سواالتون باید عرض کنم بنده متاسفانه یا خوشبختانه طی چندسال اخیر آنچنان فرصتی برای حضور در انجمن های گیلان نداشتم، البته به غیر از جلساتی که به همراه بعضی از دوستان، اداره ی جلسه را بر عهده داشتیم.

دلیل این بی رغبتی هم اغلب کیفیت جلسات و یا بی توجهی بانیان برگزاری این برنامه ها به کیفیت اجرای جلسات بوده و گاهی هم اگر توجه جزئی به این برنامه ها و اصرار به انجامش شده نگاه ها

کاملا ابزاری و صرفا جهت ارائه بیان کاری برگزار کننده بوده و بس. به عبارتی به جای اینکه ابزار در خدمت ادبیات باشد، ادبیات در خدمت ابزار بوده. چون به نظرم برگزاری جلساتی که بیشتر جنبه دورهمی و گذراندن اوقات -اغلب- فراغت را داشته باشد هیچوقت نمی تواند باعث ارتقاء سطح ادبیات اعضایش بشود. چه استعدادهای خوبی که هدر می شوند در این بین، بماند!

یکی از مهمترین دلایل اینکه جلسات شعر، به ویژه در شهرستان ها نمی توانند بازخورد و خروجی مناسب داشته باشند این است که نهادهای برگزار کننده، تصور می کنند تنها با در اختیار گذاشتن مکانی برای برگزاری جلسات، مسئولیت خود را تمام و کمال انجام داده اند و دیگر نیازی نیست بودجه ای در اختیار این کارگروه ها قرار داده شود. اما واقعیت چیزی غیر از اینهاست. برای برگزاری یک جلسه خوب باید از شاعرها و اساتید شعر و اساتید دانشگاهی مرتبط با شعر دعوت به عمل بیاید که همه این ها و مواردی از این قبیل مستلزم داشتن بودجه ای مشخص برای این کانون ها و کارگروه هاست.

در پایتخت، مسئولین این جلسات تنها برای برگزاری یک جلسه در هفته



نیما فرقه

چون گیلان به لحاظ استعداد در زمینه ی شعری یکی از قطب های کشور محسوب می شود.

اما متأسفانه همه این ها موقتی هستند و عده ای در یک دوره می آیند و خیلی زود اشباع شده و در خوشبینانه ترین حالت به مطالعه و سرودن در انزوای خودشان گرایش پیدا می کنند که آن هم بعد از چندسال کاملاً فراموش می شود.

به نظر می رسد از دلایل دیگر این امر ترویج و فراوانی فضاهای مجازی مختلف و در کنار آن عطش رسیدن به شهرت در یک مدت کوتاه باشد. شاعر جوان دیگر نمی آید زحمت مطالعه به خودش بدهد. پای صحبت و نقد شاعرهای باتجربه تر نمی نشیند تا از تجربیات آنها استفاده کند.

می نشیند پای یک صفحه مجازی و در کسری از دقیقه نظر تعداد زیادی را به خود جلب می کند و در نهایت با چند تعریف و تمجید که اغلب تعارفات روزمره دوستانه هستند اشباع شده و تصور می کند که به هدفش رسیده است و همه اینها نوعی آفت در مسیر رشد و تعالی ادبیات و شعر بحساب می آیند. به هر حال صحبت درباره شعر و نحوه ی برگزاری جلسات شعر در گیلان و کمی و کاستی های آن بسیار مفصل تر از این هاست که بنده عرض کردم اما امیدوارم در سال جدید رویکرد همه ی ما نسبت به ادبیات و خاصه شعر، تغییری اساسی بکند. بانیان برگزاری این جلسات نگاهی غیر اداری! و دلسوزانه تر داشته باشند و شاعران نیز جدی تر و متعهدانه تر به مقوله ی مطالعه و سرودن بپردازند.



مریم پیله ور

متأسفانه شعر در گیلان و به طور اخص در رشت، از دیدگاه مسئولین امر به عنوان کم هزینه ترین و به بیان شفاف تر، هنر کاغذ و قلم، اتلاق می شود و از همین رو امکانات مادی (بودجه) آن چنان که باید و بشاید، به جهت ارتقای سطح کیفی و کمی در اختیار انجمن ها قرار نمی گیرد و به همین موازات کمبودها و مشکلاتی در روند برگزاری و هدایت این انجمن ها به وجود می آید و انتقاداتی را نیز در پی خواهد داشت.

شهرستان رشت با وجود اینکه به ضرس قاطع و به اعتراف بسیاری از شاعران و کارشناسان مطرح کشور یکی از قطب های شعر کشور به شمار می رود و شاعران مستعد و مطرحی را در دل خود جای داده اما هنوز که هنوز است با مشکلات عدیده ای دست و پنجه نرم می کند.

دغدغه ی همیشگی انجمن ها از بابت تامین امکانات اولیه نظیر اتاق و سالن اختصاصی شعرخوانی

نشست های تخصصی (خواه فصلی) با حضور اساتید شعر استان و کشور، تجلیل گاه از شاعران پیشکسوت و جوانان برگزیده ی کشور، فقدان یک جشنواره ی کشوری، منطقه ای یا حتی استانی مشخص و معتبر و... وجود دارد. اما با وجود تمام مشکلات، در هر حال و در هر شرایطی چراغ انجمن ها با همت اهالی شعر و ادب روشن است.



هانی ملک زاده

استان گیلان به لحاظ شعری پتانسیل بالایی دارد اما نهاد و سازمانی وجود ندارد تا این مهم را زیر یک پرچم و تحت عنوان یک انجمن دور هم گرد آورد.

نبود اتحاد و همدلی بین شاعران مطرح استان و شهرستان رشت و ایجاد چند دستگی یکی از عوامل افت کیفیت این انجمن ها در چند سال اخیر بوده. عاملی که ابتدا از تفاوت در طرز فکرها و خط مشی ها نشات می گیرد و بعد ممکن است به

رقابت، حسادت و حتی گاه خیانت رسیده باشد. انتظار شاعران از سازمان ها این است که به شعر به عنوان یک هنر تزئینی نگاه نشود و احترام و شأنیت این هنر والا و تأثیر گذار در فرهنگ جامعه ایرانی حفظ شود.

انجمن ها برای ادامه حیات نیازمند حمایت های مالی و معنوی سازمان ها

هستند و انتظار می رود که هنر شاعر ارج نهاده شود. بعضی از شاعران ممکن است از طریق شعر ارتزاق کنند، چون کار حرفه ای ایشان است ولی متأسفانه در استان از طرف سازمان ها هیچگونه امنیت کاری برای این افراد تعهد نمی شود و شاعر می ماند و غم نان. شاید ایجاد صنفی برای شاعران و بیمه کردن این افراد که نیاز به برنامه ریزی و کار کارشناسانه دارد مرهمی باشد بر زخم این قشر همیشه مظلوم.

البته ارشاد حمایت هایی دارد ولی حمایت ارشاد از این انجمن فقط در حد اختصاص سالن و گاه پذیرایی مختصری از میهمانان در برگزاری شب شعرهای ویژه و همچنین بودجه ناچیزی است که پس از گذر از هفت خان، گوشه ی کمی از احتیاجات یک انجمن مرکزی را شامل می شود.

اما مسئله هیأت مدیره انجمن شعر از چند جهت میتواند مورد بررسی قرار بگیرد از جمله:

عدم اعتماد مسولان مرتبط به جوان ها، دشمنی های پنهان در لباس دوستی بین اعضای انجمن، کار شکنی برخی از اعضا به علت نداشتن میدان کار و دور شدن از کانون توجه، شایعه پراکنی برخی از کاندیدای هیأت مدیره، انتظارات بالای اداره از انجمن برای برگزاری مراسم مختلف بدون در اختیار گذاشتن هیچ گونه امکاناتی، و متأسفانه برخورد نامناسب برخی افراد...

همچنین دیر تایید شدن صلاحیت اعضا و دیر صادر کردن حکم اعضا بعد از حدود ۹ ماه از رای گیری که باعث پخش شدن شایعات و ایجاد شبهاتی بین اعضای انجمن و موجب شد که انگیزه خیلی از شاعران کاهش یابد، و در نهایت منجر به استعفای برخی از اعضا و یا هیأت مدیره انتخابی شود...



سمیه ربیعی پور

هر انجمنی هدف و برنامه ی خاص خودش را دنبال می کند. اما با تمام فرازاها و نشیب های موجود در عرصه شعر و مسایل حاکم در انجمن ها به نظرم چه انجمن ترانه، چه انجمن شعر در ی کسال گذشته خروجی خوبی داشته اند و این نشان از آن دارد که هنوز هدف در انجمن ها کم رنگ نشده است.

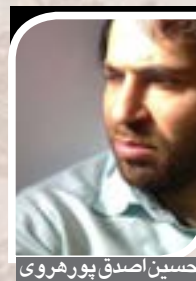
اما با توجه به پتانسیل های موجود برای داشتن شعرهایی تراز اول به نظرم هنوز بستر خوبی فراهم نشده است. این امر مستلزم حمایت ارگان ها و ادارات و تشکیل گردهمایی ها، همایش ها و جمع کردن شاعران در کنار هم هست. البته ما هم باید با تمام اختلاف نظرها در کنار هم باشیم. اگر واقعا یک هدف مشترک بین ما وجود دارد که آن هم شعر است، ارتباط دو سویه انجمن ها، تبادل نظر... می تواند در این مسیر پر پیچ و خم مثمر ثمر باشد شعر هنوز به جایگاه خودش را در گیلان نرسیده و در بین هنرها، شعر مظلوم واقع شده است امید است با تلاش دوستان در انجمن ها و ادارات ذیربط در سال های آتی شاهد رشد و تعالی و جمع صمیمی شاعران در کنار هم باشیم.

این انجمن برای خیلی از هم دوره ای های من تنها پناه و مکانی بود که به آرامش می رسیدم عشقمون، تفریحمون و لحظه هامون با نوشتن و شعر خواندن کلید میخورد.

آن سال ها شعر تمام دغدغه ما بود و شاعرای قوی و مطرحی از گیلان تو جامعه ادبی کشور گل کردند از جمله آرش علیزاده، رضا نیکوکار، آرش فرزام صفت و خیلی های دیگه، اما متأسفانه استان ما با وجود استعدادهای مثال زدنی همیشه مظلوم و محروم واقع شده و ما هیچ سهمی در بودجه ای که استان های دیگه برای برپایی جشنواره ها و سوگواره ها دارن هیچوقت نداشتیم.

کاش به دغدغه شاعرانه مون گوش میکردن. بیکاری شاعرا و مشکلات مالیشون به طرف و دو دستگی و پراکندگی بچه ها از طرف دیگه مانع پیشرفت درست شده. ما شاعرای جوانی تو انجمن داریم که واقعا حیفه استعدادشون هرز بره و مشکلات روزمره مانع جوانه زدن قلمشون بشه. تک تک صندلی های سبز سالن دکتر رحمدل مجتمع خاتم الانبیا دلتنگ ترنم شاعرانه کسایی که امروز غم نان از فضای ادبی دورشون کرده. هنرمندا مظلومن و کم توقع، شعر الهام خداست، وقت نوشتن انگار کسی ادبیات رو تو گوشت زمزمه میکنه و بعد دوست داری دیگران حسرت رو بشنون و درکت کنن، اگه نتونی بنویسی و بخونی یه چیزی مثل بغض تو حجم گلو و چشم و قلبت پر میشه.

اینجا همه چیز خوبه، اگه قلب ها به هم نزدیکتر بشه، اگه تفرقه نباشه، حسادت نباشه، اینجا همه چیز خوبه اگه سهمیه جشنواره ها به استان ما هم تعلق بگیره، اینجا همه چیز خوبه اگه دغدغه شاعرا شنیده بشه، اینجا همه چیز خوبه...



حسین اصدق پورهروی

انجمن شعر و ادب شهرستان رشت، یک انجمن رسمی و معتبر استان است که از حدود دو دهه قبل فعالیت خود را تحت نظر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان آغاز کرده.

هیات موسس دوره اول آن از پیشکسوتان و بزرگان شعر و ادب رشت بوده و تحولات گوناگونی را در نحوه اجرا و مکان و زمان و شرایط مختلف جلسات و برنامه‌های خود

تجربه کرده است. پس از تاسیس مجتمع فرهنگی هنری خاتم‌الانبیاء رشت، دفتر و محل برگزاری جلسات انجمن در این مکان استقرار یافت. هیات مؤسس دوم انجمن از شاعران جوان موفق شهرستان رشت بوده است و با جدایی انجمن داستان از بدنه‌ی آن، فعالیت‌های انجمن در حوزه‌ی شعر تمرکز یافت.

این انجمن در سال‌های پایانی دهه هفتاد و آغاز دهه هشتاد توانست نسل درخشانی از شاعران موفق را به عرصه ادبیات کشور معرفی نماید.

مستول و اعضای هیات امنای انجمن شعر و ادب شهرستان رشت به صورت انتخابی و در جلسه مجمع عمومی انجمن برای مدت دو سال انتخاب می‌گردد. در حال حاضر مجتبی قاضی جیردهی به عنوان مستول و حسین اصدق پورهروی به عنوان دبیر انجمن، له کمک سایر اعضای فعال مدیریت برنامه‌های این انجمن را بر عهده دارند و فعالیت‌های این انجمن در قالب ۴ جلسه زیر تداوم دارد.

۱- جلسه نقد و بررسی شعر: روزهای شنبه (به استثنای هفته اول ماه) ساعت ۱۷ الی ۱۹ در سالن دکتر رحمدل مجتمع خاتم‌الانبیاء.

۲- شب شعرهای ماهانه انجمن: روزهای شنبه‌ی اول هر ماه، راس راعت ۱۷ الی ۱۹ در سالن دکتر رحمدل مجتمع خاتم‌الانبیاء.

۳- جلسات آموزشی و کارگاهی: روزهای دوشنبه ساعت ۱۶ الی ۱۹ در دفتر انجمن. اتاق ۱۱۵ مجتمع خاتم‌الانبیاء.

۴- جلسات ویژه شعر و ادبیات گیلکی: روزهای پنجشنبه ساعت ۱۷ الی ۱۹ در دفتر انجمن. اتاق ۱۱۵ مجتمع خاتم‌الانبیاء.

اهداف اصلی انجمن شعر و ادب شهرستان رشت در اساسنامه ذکر شده اما کارکردهای دیگری هم از نظر بنده برای انجمن شعر متصور است از جمله:

- ترویج فرهنگ عمومی و ارزش‌های والای انسانی و معنوی با زبان گویای شعر و ادبیات به عنوان یک هنر مردمی در جامعه

- شناسایی و کمک به رشد و تعالی استعدادهای ادبی، شعری و معرفی آثار برتر و شاعران و منتقدان مستعد و موفق به عرصه ادب کشور

- ارتقای سطح کیفی آثار تولید شده توسط شاعران به واسطه‌ی برگزاری جلسات نقد و بررسی و فعالیت‌های پژوهشی و نظری در حوزه‌ی شعر

- ترویج ارزش‌های فنی شعر و ارتقای توانمندی‌های ادبی اعضاء بواسطه‌ی فعالیت‌های آموزشی و کارگاهی

- ارتقای توانمندی‌های تشکیلاتی و مهارت‌های اجتماعی اعضاء در ارتباط با یکدیگر و تعامل با مجامع ادبی، هنری و محیط عمومی جامعه

- کمک به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان در برگزاری شایسته‌ی شب شعرها، جلسات، همایش‌ها، جشنواره‌ها، اردوهای فرهنگی و ادبی

- انتشار متون و آثار ادبی فاخر و ارزشمند جهت استفاده اعضاء انجمن و عموم مردم در قالب بروشورها، نشریات و کتب تخصصی شعر و ادبیات

- ایجاد فضایی امن و آرام جهت تعامل و تضارب آراء و اندیشه‌های ادبی

و ارتباط سازنده و رقابت سالم همه‌ی سلیقه‌های مختلف شعری موجود در شهرستان در محیطی علمی، صادقانه و صمیمی

- جلب حمایت‌های دولتی و تلاش برای هماهنگی و همسو سازی انرژی‌های فعالان ادبی و شعری برای استیفای حقوق مادی و معنوی و پی‌گیری خواسته‌ها و انتظارات نیازهای جامعه‌ی ادبی فعالان شعر شهرستان رشت

بدیهی است که بسیاری از این اهداف و کارکردها در حال حاضر جامعه‌ی تحقق به خود نبوشیده و نیل به آن‌ها تنها در سایه همدلی و همکاری جدی و صمیمانه‌ی اعضاء و دوستان دور و نزدیک انجمن امکان‌پذیر است.

کاستی عمده‌ای که انجمن با آن مواجه است در درجه اول مربوط است به کمبود فضای فرهنگی و بودجه‌ی فرهنگی در شهرستان که مشکلی عمومی برای همه‌ی فعالان فرهنگی است.

به طوری که فضای فعلی که همزمان در اختیار سه انجمن شعر، داستان و نگارگری قرار گرفته است به هیچ وجه گنجایش جمعیت استقبال‌کننده از جلسات انجمن شعر را ندارد.

در سال جاری و سال گذشته بودجه‌ی ناچیزی به انجمن اختصاص یافته که آن‌هم عموماً برای اجرای برنامه‌هایی خاص بوده یعنی امور جاری انجمن با مبلغی برابر با صفر اداره می‌شود و بنده و آقای قاضی علاوه بر جذب بودجه از نهادهای دیگر برای همایش‌ها، مبالغ زیادی هم از جیب شخصی برای امور جاری انجمن هزینه کرده‌ایم که قابل فاکتور کردن برای اداره نیست.

البته موضوع بودجه به رویکرد کلی دولت در سپردن امور فرهنگی به مردم بر می‌گردد که از نظر اینجانب رویکرد صحیحی نیست.

باید تاکید کرد که سپردن فرهنگ و هنر به مردم به معنای کاهش بودجه‌ی فرهنگی کشور و انتظار سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در عرصه فرهنگ نیست، بلکه سپردن برنامه‌ریزی و مدیریت امور فرهنگی به مردم در کنار حمایت مادی و معنوی دولت مد نظر است. اما متأسفانه شعار «سپردن عرصه‌ی فرهنگ و هنر به خود هنرمندان» داده می‌شود ولی عکس این موضوع را شاهدیم. چون برنامه‌ها از طرف اداره معرفی می‌شود اما بودجه‌ها را باید با استفاده از ارتباطات شخصی از نهادهای دیگر و بخش خصوصی جذب کنیم!

موضوع دیگر که شاید به کم‌کاری انجمن در سال‌های اخیر برگردد، عدم درک صحیح از جایگاه و ارزش انجمن شعر و ادب است. این انجمن باید چتری برای پوشش دادن تمامی فعالیت‌های شعری شهرستان مثل مجوز فنی انتشار کتب شعر و خریدهای حمایتی و همایش‌ها کارهای برجسته و انفرادی و گروهی در حوزه‌ی شعر شهرستان و بیمه‌ی شاعران و... باشد. ارائه‌ی مزایایی مثل تخفیف کتابخانه‌ها و کنسرت‌ها و سینما و تئاتر باید در نظر گرفته شود.

متأسفانه به نظر می‌رسد جایگاه انجمن نه از جانب خود شاعران و فعالان ادبی شهرستان و نه از سوی مسئولین فرهنگی به درستی درک نشده است. البته جا دارد از حمایت‌های همیشگی اداره فرهنگ و ارشاد رشت تشکر و قدر دانی داشته باشیم. زیرا ما از فضای این مجموعه استفاده می‌کنیم، سالن و اتاق در حد مقدرات اداره در اختیار داریم و از حمایت معنوی این اداره و کمک‌های کارکنان محترم و زحمت‌کش مجتمع خاتم‌الانبیاء بهره‌مندیم. اما این مقدار برآورنده‌ی انتظارات جامعه‌ی ادبی نیست. بسیاری از دلخوری‌ها و چند دستگی‌هایی که در بین شاعران است ریشه ادبی و شخصی ندارد و به همین کاستی‌ها و کمبودها برمی‌گردد. داشتن سایت و نشریه‌ی داخلی و کتاب سال و ... امکانات و تجهیزات اداری و ارتباطی مثل رایانه، تلفن و اینترنت و... کم‌ترین انتظارات انجمن است.

برگزاری جشنواره‌های استانی و کشوری منظم و منضبط با تقویم و تاریخ دقیق سالیانه ... همه و همه مستلزم اهتمام و توجه جدی اداره فرهنگ و ارشاد استان به این انجمن است.

باید درک شود که هر ریالی که در این عرصه هزینه شود از هزاران ریال هزینه‌های کشور در زمینه‌ی برخورد با بزهکاری و مسایل ضد فرهنگی خواهد کاست.

یکی دیگر از مشکلاتی که به آن اشاره کردم وجود چند دستگی و اختلافات شخصی و گروهی بین شاعران شهرستان است که در سال‌های اخیر همواره مانعی برای پیشرفت و تعالی شعر و موفقیت شاعران شهرستان رشت بوده است.

متأسفانه در سال‌های گذشته با اعمال برخی فشارها و تنگ‌نظری‌ها به انجمن و دسته‌بندی شاعران به خودی و غیر خودی و دخالت‌های غیرفهرنگی از بیرون به انجمن باعث شد که هر از چندگاه گروهی از اعضای انجمن که مسئولیت را برعهده می‌گیرد گروه دیگر را برنماید. و این موضوعات باعث شده در ده سال اخیر شکاف‌های عمیقی در بین شاعران ایجاد کرده و انجمن شعر و ادب شهرستان رشت را از انجمنی بزرگ، پرجمعیت و معتبر در سطح کشور به جایگاه نامناسب فعلی نزول داده است.

البته این انجمن همچنان عرصه رویش‌های جدید ادبی است و با طراوت و نشاط به فعالیت رو به پیشرفت خود به‌عنوان پیشانی ادبیات استان و اصلی‌ترین مرکز شعر شهرستان رشت ادامه می‌دهد. سالن مناسب و فضای محترمانه و رسمی، امنیت اخلاقی و اجتماعی، محوریت نقد ادبی سازنده و شناسایی و پرورش استعداد‌های جدید در کنار حضور شاعران باتجربه و موفق کشوری از شاخصه‌های برتر این انجمن است.

هیات امنای فعلی نیز به کمک اعضای فعال انجمن اهتمام دارد که با رویکردی مثبت و معقول و استقبال از سلاقی مختلف و اندیشه‌های متنوع ادبی، فضایی صمیمانه برای برطرف شدن سوءتفاهم‌ها و بدبینی‌ها و چند دستگی‌های گذشته ایجاد کرده و ضمن حفظ فضای ارزشی و ارتقای کیفیت فنی و بار هنری جلسات زمینه‌ی بازگشت و فعالیت مجدد تمامی طیف‌هایی که در سال‌های گذشته به هر دلیلی از انجمن طرد شده یا انجمن را ترک کرده‌اند را فراهم نماید. تا به فضل پروردگار در سایه‌ی فرهنگ و اخلاق انجمنی و جو علمی و پژوهشی مناسب و همکاری همه‌ی دلسوزان شعر شهرستان انجمن به جایگاه شایسته و در شأن خود ارتقاء یابد.

لذا از همه‌ی کسانی که نقدی به فعالیت‌های انجمن دارند یا با توقع و دلخوری خاصی از ما دارند صمیمانه دعوت می‌کنیم که دست از بدگوی و جوسازی بردارند و و با کم کردن فاصله‌ها و حضور و مشارکت در انجمن به برآورده شدن انتظارتشان و رفع نواقص ما کمک کنند. صراحتاً عرض می‌کنم که در این دوره هیچ کس حذف یا خراج نشده و در انجمن با کمال افتخار به روی همه‌ی شاعران و منتقدان و علاقه‌مندان باز است.

من سعی می‌کنم پدیده‌ها را در یک «چرخه» مشاهده کنم، ولو این‌که خودم هم در همین چرخه باشم و گاهی مناسبات موجود در آن به مذاقم خوش

نیاید. دوستان هم گفتند بنویس. خیلی دل‌دل کردم که ننویسم. دارم سعی می‌کنم - تأکید می‌کنم «سعی» می‌کنم - در خصوص آن چه پرسیدید، قضاوتی نداشته باشم و پدیده‌ها را معلول موقعیتی بدانم که در آن نشو و نما می‌کنند، چراکه عالم بیرون، آیینی درون ماست؛ کزی و راستی اگر در کار باشد هم از ماست و آیینه را تقصیری نیست.

صرفاً به ذکر همین نکته بسنده می‌کنم که کاری اگر شده همین بس که هیچ گردهمایی به نام شعر در کشور نیست که نامی از گیلان در آن نیاید و کوتاهی اگر شده همین بس که این نام‌های بزرگ گاهی دریغ این قدر از هم دورند...

من البته اعتقادی به اصلاح عالم «از بیرون» ندارم که بخواهم چیزی بنویسم. همین چند جمله را هم که نوشتم ناپرهیزی کردم. نگاهی به اخبار ببیندازید: امروز آدم‌هایی آتش جنگ را در دنیا روشن نگاه داشته‌اند که برای اهل عالم، نسخه‌های نجات‌بخش می‌نویسند، علاج کار عالم در خاموشی است، به قول بیدل: تا خموشی داشتیم آفاق بی‌تشویش بود/ موج این بحر از زبان ما تلاطم کرده‌است

من البته - سوءتفاهم نشود - در خصوص خودم عرض می‌کنم، به راهکارهایی که از سر خیرخواهی ارائه می‌کنند، خرده نمی‌گیرم، مرا چه به باید و نباید دادن‌ها، من - اگر «بایدی» هم باشد - باید گلیم نفس خودم را از آب بکشم. کدورت‌های درون که رفع شود، آیینه‌های بیرون هم شفاف‌تر خواهند شد



بهرام مژده‌ی

در خصوص وضعیت کنونی انجمن‌های شعر شهر رشت باید عرض کنم هرانجمنی هدف و برنامه‌ی خاص خودش را دنبال می‌کند. اما با تمام فرازها و نشیب‌های موجود در عرصه شعر و مسایل حاکم در انجمن‌ها به نظرم چه انجمن ترانه، چه انجمن شعر در یک سال گذشته خروجی خوبی داشته‌اند و این نشان از آن دارد که هنوز هدف در انجمن‌ها کم رنگ

نشده است.

اما با وجود پتانسیل‌های موجود و داشتن شعرهایی تراز اول به نظرم هنوز بستر خوبی فراهم نشده تا از این پتانسیل‌ها به خوبی استفاده شود. این امر مستلزم حمایت ارگان‌ها و ادارات و تشکیل گردهمایی‌ها و همایش‌ها و جمع کردن شاعران به نحو احسن در کنار یکدیگر است. در عین حال ما خود نیز باید با وجود تمام اختلاف نظر، در کنار هم باشیم اگر واقعا یک هدف مشترک بین ما وجود دارد که آن هم شعر می‌باشد. ارتباط دو سویه انجمن‌ها و تبادل نظر می‌تواند در این مسیر پر پیچ و خم مثمر ثمر باشد.

در آخر باید عرض کنم شعر هنوز ب جایگاه خودش را در گیلان نرسیده و در بین هنرها، شعر مظلوم واقع شده است.

امید است با تلاش دوستان در انجمن‌ها و ادارات ذی ربط در سال‌های آتی شاهد رشد و تعالی و جمع صمیمی شاعران در کنار هم باشیم.



ارش پورعلیزاده

لازم به ذکر است ضمن گفت و گو با چند تن از شاعران عضو انجمن شعر و ترانه رشت، نظر خانم تبغ نور، مسئول انجمن‌های مجتمع فرهنگی هنری خاتم الانبیای رشت را نیز جویا شدیم، البته ایشان تمایلی به مصاحبه نداشتند ولی به احترام آشنایی ده ساله ضمن گفت و گوی کوتاه با گیلان فردا گفتند: «داره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان رشت با در اختیار گذاشتن اتاق و سالن برای تشکیل کلاس و یا برگزاری مراسم فرهنگی با اعضای انجمن‌های مختلف از جمله انجمن شعر همکاری دارد و گاه برای پذیرایی، تهیه بنرهای اطلاع رسانی، چاپ بروشور و نظایر آن نیز با این انجمن‌ها همراهی می‌کند، ولی انجمن‌ها از جمله انجمن شعر بودجه خاصی ندارند.



عاشق سفر هستم

حیف است از حال یکدیگر بی خبر باشیم

فرزندمان آماده می‌کنم. سعی میکنم برنامه ریزی داشته باشم، چون زندگی خانوادگی برایم بسیار اهمیت دارد.

■ چند فرزند دارید؟ آیا آن‌ها هم به بازیگری علاقه دارند؟

سه تا پسر دارم که متولد ۵۹، ۶۰ و ۶۱ هستند. پسر بزرگم وکیل و پسر دومم مربی ورزش است که گاه به عنوان مدیر تدارکات در فیلمبرداری هم حضور داشته و پسر سومم در کار سیستم اتومبیل است. البته پسر دومم شمال زندگی می‌کند.

■ طی سال‌های اخیر رفت و آمد فAMILI در بین خانواده‌ها کمتر شده، حتی دید و بازدید عید هم مثل قبل نیست، شما هم همینطور هستید؟

نه، ما از این قاعده مستثنی هستیم. چون خیلی اهل رفت و آمد هستیم. مهمان می‌آید و می‌رود و یا خودمان مهمان می‌شویم. من حتی در شبکه‌های اجتماعی گشتم تا دوستان قدیمی ام را پیدا کنم و پیدا کردم و الان با آنها ارتباط دارم. چون معتقدم که مهمان با خودش روحیه می‌آورد. من عاشق مهمان هستم، حتی وقتی مهمان داریم ساعت‌ها باعشق آشپزی می‌کنم و لذت می‌برم. متأسفانه که برخی افراد رفت و آمد نمی‌کنند و یا کار را بهانه می‌کنند. چون آدم هر قدر هم مشغله داشته باشد باز می‌تواند حداقل با تلفن از حال همدیگر جویا شود. الان همه موبایل دارند نهایتاً یک تلفن کردن و سلام و علیک باعث می‌شود که پیوندها گسسته نشوند چون خیلی حیف است از حال یکدیگر بی‌خبر باشیم. تنهایی اصلاً قشنگ نیست.

■ وقتی از گیلان دور هستید دلتان بیشتر برای چه چیز گیلان تنگ می‌شود؟

دریا را بی‌نیاهت دوست دارم. تابستان که می‌شود دلم پر می‌کشد بیایم آنزلی و رشت. هم فامیل و دوستان را میبینم و هم دریا را. اسمم هم که دریامج است.

■ از غذاهای رشتی کدام را می‌پسندید؟

فسنجان، اناریچ خیلی دیگر از غذاهای رشتی را دوست دارم، خودم غذاهای محلی را خودم درست می‌کنم، بچه‌هایم را هم به غذاهای گیلکی عادت دادم. طبق گفته دوستان، دست پختم خوب است.

■ الان در فیلمی بازی می‌کنید؟

اخیراً کار کم شده، در بین همکاران ما بیکاری زیاد است. من هم مستثنی نیستم. اسمال یک فیلم سینمایی به نام «هفت ماهگی» به کارگردانی آقای هاتف علی مردانی در جشنواره داشتیم. یک تله فیلم هم دارم به اسم «من مادرم»، این‌ها هنوز اکران نشده اند. آخرین کارهای قبلی من هم فیلم «گذر از رنج‌ها» به کارگردانی حسن پورکریم بود که حال و هوای گیلان را داشت.

■ آیا صحت دارد که بعضی‌ها نقش را می‌خرند؟

متأسفانه بله، بعضی‌ها پول می‌دهند نقش می‌گیرند و یا اسپانسر می‌شوند و بعد توقع دارند. بخاطر همین خیلی از همکاران که توانایی و تحصیلات این کار را دارند بیکار در خانه نشسته‌اند و برخی‌ها که اصلاً با القای کار بازیگری آشنا نیستند نقش را می‌خرند و کار می‌کنند. البته این موضوع در مورد تعدادی از افراد صدق می‌کند.

■ بازی کدامیک از بازیگران برایتان تأثیرگذار تر بوده است؟

از آقایان مشایخی، کشاورز، نصیریان، پرستویی که استاد هستند، این‌ها تکرار نشدنی هستند. از خانم‌ها فاطمه معتمدآریا، ترانه علیدوستی

■ در پایان اگر صحبتی دارید بفرمایید.

عید را به شما و همشهریان و همه مردم ایران تبریک می‌گوییم. امیدوارم سالی به دور از گرفتاری و پر از برکت و سلامتی و خوبی برای همه باشد. همدیگر را دوست داشته باشیم و به هم عشق بورزیم.



فریده دریامج که اصلالتا گیلانی است در سال ۱۳۳۵ در تهران متولد شد. فعالیت هنری را از سال ۱۳۴۶ از تئاتر مدرسه در رشت و آنزلی شروع کرد و بعد از اخذ دیپلم و لیسانس بازیگری و کارگردانی از دانشکده هنرهای دراماتیک به فعالیت مشغول شد. در سال ۱۳۴۷ موفق شد مدال طلای کشور را به خاطر بازی در فیلم «سگی در خرمن جا» به خود اختصاص دهد. وی همچنین در سال ۱۳۴۸ مدال طلای کشور «بیک نیک در میدان جنگ» را از آن خود کرد. حاصل فعالیت‌های او در بخش نمایش عبارت است از: «بازی در نمایش طولانی» (جعفر والی)، «ابراهیم تویچی و آقابیک» (رکن الدین خسروی)، «آغاز و انجام» (جعفر والی)، «ماندر اگولا» (دکتر فهیم)، «شاه می‌میرد» (رضا کرم رضائی)، «شب سیزدهم» (حمید امجد)، «در انتظار اولین» (امیر ثابت) و... همچنین بازی در ۶۰ فیلم تلویزیونی و بازی در ۱۴ فیلم سینمایی بخش دیگری از فعالیت‌های هنری وی است.

گیلان فردا، سازان فرزانه - برای شماره ویژه نامه نوروزی گیلان فردا از خانم فریده دریامج بازیگر گیلانی سینما، تئاتر و تلویزیون دعوت کردیم که مهمان ما باشند و ایشان هم به گرمی پذیرفتند. و بلاخره پس از چند بار پس و پیش کردن قرار مصاحبه به خاطر افزایش کارها در روزهای پایانی سال از سوی ما با ایشان، هماهنگی انجام و این قرار گذاشته شد. آنچه در ادامه می‌خوانید گفت و گوی بهاری گیلان فردا با ایشان است. این بازیگر پیشکسوت می‌گوید: «عاشق بهار هستم و وقتی عید نزدیک می‌شود انگار خودم بچه می‌شوم...»

■ خانم دریامج شما اصلالتا گیلانی هستید؟

بله، متولد تهرانم ولی به طور کلی آبا و اجدادی و اصلالتا گیلک هستیم. ما در آنزلی زندگی می‌کردیم. همسر رشتی هستیم. بیشترین سال‌های عمرم را رشت و آنزلی گذراندم. دوران ابتدایی، دبیرستان را رشت و آنزلی بودم ولی برای دانشگاه به تهران آمدم.

■ به نظر شما قدیم حال و هوای عید چطور بود؟

عیدهای قدیم خیلی قشنگ بودند. آن موقع هافا و صمیمیت دیگری وجود داشت. بچه که بودم، رسم بود از قبل از عید برای بچه‌ها کفش و لباس نو می‌خریدند. یادم است مادرم (خدا رحمت کند) کفش‌ها و لباس‌های تازه را می‌گذاشت توی کمد تا وقتی سال تحویل می‌شود بپوشیم، ولی ما دل توی دلمان نبود که کی عید میشود. من روزی چندبار در کمد را باز می‌کردم و به دور از چشم مادر، لباس و کفش را برمی‌داشتم و نگاه می‌کردم، حتی می‌بوسیدم و هی با خودم می‌گفتم «کی عید میشه».

■ خاطره‌ای هم از آن زمان یادتان می‌آید؟

وقتی عیدی می‌گرفتم با اینکه عیدی کمی بود و می‌شد با آن فقط آبنبات و نخودچی کشمش خرید ولی خیلی برایمان ارزش داشت. الان هم وقتی شعر فرهاد را می‌شنوم که می‌خواند "بوی عیدی، بوی توپ، بوی کاغذ رنگی، بوی پول تانخورده لای کتاب..." "مرا همیشه یاد عید و هفت سین و عیدی آن موقع‌ها می‌اندازد. به یاد می‌آورم مادرم می‌گفت: بچه‌ها نگاه کنید وقتی توپ سال تحویل صدا کرد ماهی‌ها می‌پرند بالای آب و ما هم چشم می‌دوختیم به تنگ ماهی و سرگرم می‌شدیم یا با تخم مرغ رنگی بازی می‌کردیم.

■ و الان چه حال و هوایی دارید؟

الان هم وقتی عید نزدیک می‌شود انگار خودم بچه می‌شوم، اصرار دارم حتماً هفت سین رنگی قشنگی بچینم و خیلی فکرها به ذهنم می‌رسد. پس حال و هوای عید و بهار را خیلی باید دوست داشته باشید.

دقیقاً همینطور است. خودم متولد فروردین هستم. همیشه فروردین برایم ماه خاصی بوده است. طبع من هم بهاری است. عاشق بهار هستم، برخلاف خیلی‌ها که پاییز و زمستان یا تابستان را دوست دارند.

■ بیشتر تهران زندگی کردید یا رشت؟

شغل پدرم طوری بود که به شهرهای مختلف منتقل می‌شد. ما تنکابن، نوشهر، تهران، آنزلی و رشت زندگی کردیم. ولی من خیلی از سال‌های عمرم را رشت بودم. آنزلی هم مدرسه رفتم، مدرسه چهارم آبان پشت مسجد بود. نمیدانم الان هست یا نه، حتماً اسمش تغییر کرده است.

■ اهل سفر هستید؟

شدیداً، می‌گویند سفر جزء عمر آدم حساب نمی‌شود. من عاشق سفرم و تا موقعیتی پیش می‌آید راهی شمال می‌شویم. جای دیگری هم نمی‌روم، مگر اینکه برای فیلم برداری باشد. اما گیلان را خیلی دوست دارم با خانواده می‌آیم رشت. پیش اقوام، البته خودمان خانه کوچکی داریم. دوستان خیلی خوبی هم در رشت و آنزلی داریم که گله مند می‌شوند چرا کم می‌رویم.

■ ارتباط کاری شما با شبکه باران چطور است؟

در شبکه باران قبلاً بیشتر فعالیت داشتم. الان یکی دو سال است که تولیدات آنجا کم شده و ما کمتر آن طرف کار می‌کنیم. شاید حدود ۲ تا ۳ سال باشد که آنجا کار نکردم. اما خودم قبل از اینکه به تهران بیام در رادیو و تلویزیون گیلان مشغول کار بودم.

■ نظر شما به عنوان یک بازیگر در مورد حفظ و تداوم زندگی خانوادگی و تداوم فعالیت هنری چیست؟

من سلامت زندگی خانوادگی را با دنیا عوض نمی‌کنم. عاشق خانواده ام هستم. هر جا رفتم با خانواده رفتم و حتی برای اینکه موقع حضور در فیلم برداری (که گاه پیش می‌آید چند روز از خانه دور هستم) مشکلی برای خانواده ام پیش نیاید از چند روز زودتر تمام تدارک لازم را برای همسر و



هتل آپارتمان صبوری



هتل آپارتمان
APARTEMENT HOTEL
صبوری
SABOURI



امکانات هتل آپارتمان: پزشک، موسسه توریستی، لاندری، رستوران، کافی نت، پارکینگ، پیک راهنما، برق اضطراری

در این هتل از مدرن ترین فناوری معماری استفاده شده است

۰۱۳-۳۳۳۵۵۲۶۴

رشت، خیابان رسالت، (صدا و سیما)، رودبارتان، روبه روی پارک شهید گلستانی



آژانس ۱۵۷ پورسینا



۳ ۳ ۳ ۲ ۶ ۷ ۴ ۵

چهارراه میکائیل، خیابان پورسینا
جنب اورژانس بیمارستان پورسینا